



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مقتل الرهراء

اولین مقتل شامی

گزیده‌ای از مکتوبات، مصائب و شهادت حضرت زهراء

فقط از منابع اهل سنت

تألیف محمدحسین سبحان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مقتل الزهراء عليها السلام

نویسنده:

محمد حسین سجاد

ناشر چاپی:

موسسه الغدير اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	مقتل الزهراء عليها السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	مقدمه مؤلف
۱۵	تقديم نامه:
۱۵	اشاره
۱۶	مقدمه حضرت آيت الله فقيه امامي :
۱۶	فاطمه استاد درس دفاع از ولايت مطلقه
۱۷	مراحل نهضت فاطمه عليها السلام
۱۷	دستیابی به اهداف از طریق مظلومیت
۱۸	نهضت فاطمه مسالمت ندارد!
۱۸	راه فاطمه تنها راه الگوی شیعه!
۲۰	پیش در آمد بحث
۲۰	امامان شیعه اولین قربانیان تروریسم اهل سنت!
۲۱	یک سوال:
۲۲	((وحدت به معنی سکوت نیست))!!
۲۳	فاطمه عليها السلام از امام زمانش دفاع می کند!
۲۵	سوال از اهل سنت:
۲۸	بیعت با ابی بکر
۳۳	آغاز حمله
۳۹	حمله به خانه فاطمه عليها السلام
۶۳	ماجرای فدک
۶۳	ادعای ملکیت فدک

۶۵	ادعای ارث
۶۸	خطبه
۷۸	حدیث عایشه
۸۴	عیادت
۹۲	احتضار
۹۵	شهادت
۹۷	غسل
۹۷	پشیمانی ابی بکر دم مرگ
۱۰۰	استدراکات
۱۱۶	پایان نامه
۱۲۲	پاورقی ها آدرسها منابع مورد استفاده
۱۲۲	پاورقی ها و آدرسها:
۱۹۶	درباره مرکز

## مقتل الزهراء عليها السلام

### مشخصات کتاب

موسسه الغدير اصفهان تقدیم می کند

نام کتاب / مقتل الزهراء از مصادر عامه

مؤلف / سید محمد حسین سجاد

ناشر / مؤلف

تیراژ / ۵۰۰۰

نوبت چاپ / اول تیر ماه ۱۳۸۱

قیمت / ۸۰۰۰ ریال

کلیه حقوق محفوظ و در انحصار مؤلف است

مرکز پخش :

اصفهان\_خیابان علامه مجلس \_ بازارچه علامه مجلسی

کتابفروشی علامه مجلسی \_ تلفن ۰۳۱۱-۴۴۶۰۳۲

ص: ۱

اشاره











((اولین مقتل فارسی))

در موضوع داستان

مظلومیت، مصائب و شهادت

دختر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

فقط از منابع اهل سنت

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس ایزد متعال را که به این بنده کمترین نظر لطف و مرحمت عنایت کرد تا آنکه مدال پر برکت خدمتگذاری به آستان ملکوتی بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را بر سینه خود احساس کنم و درود بی حد و انتها بر سید انام حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، همو که بشریت را به حد کمال و سعادت راهنمایی و برصحیفه یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر مهر خاتمیت زد و درود بی پایان بر سیزده معصوم دیگر از فاطمه و علی علیهما السلام گرفته تا مهدی منتقم! که خداوند در فرج و ظهورش تعجیل فرماید تا جهان را پر از عدل و داد نماید همانطور که پر از ظلم و جور شده است!

و لعنت بی حد و انتها بر تمامی ظالمان عالم از قبیله تا فرعون از فرعون تا نمرود و از نمرود تا... لعنتی که اول آن بیشتر از آخر آن و آخر آن بیشتر از اول آن باشد.

بارالها از تو درخواست می کنم تا تمامی کسانی که زحمات چندین ساله پیامبر و حبیب محمد را به باد فنا دادند و مسیر اسلام را منحرف کردند مورد غضب و عذاب شدید خود

قرار دهی! آنان که بظاهر از تو و از پیامبرت برای دین اسلام چونان دایه از مادر مهربانتر شدند! و کژی هایی را در دین بوجود آوردند که جز با ظهور مهدیت راست نخواهد شد!

آنانکه کینه های خود را به یکباره بعد از پیامبرت آشکار کردند و انتقام کشته شدگان رادر بدر و احد و حنین از دختر پیامبرت گرفتند!

آنانکه که پایه گذار مکتب خشونت و تروریسم بودند! آنانکه برای اولین بار واژه تروریسم را با نام مقدس اسلام در هم آمیختند!

آنانکه به ظاهر برای حفظ نظام و وحدت بین مسلمین، خشونت و زدن و آتش کشیدن، و.. را تنها راه دیدند و با این جنایت خود، چهره ای زشت از اسلام به نمایش گزاردند!

اما از آنجا که تا کنون موضوع شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به صورت داستانی واقعی و مقتلی مستند به روایات اهل سنت جمع آوری نشده بود و به همین خاطر مورد اعتراض بعضی قرار گرفته بود، این نوکر فاطمه علیها السلام پس از حدود هفت هزار ساعت مطالعه در کتب معتبره اهل سنت و تألیف کتاب ((احراق بیت الزهراء علیها السلام)) (عربی) و ترجمه آن بنام (آتش به خانه وحی) که در سال های ۷-۱۳۷۶ شمسی به چاپ رسید اکنون با توفیقات آن بی بی این نوشتار را برای علاقمندان به این موضوع و برای رفع شبهه و روشن شدن هر چه بیشتر شهادت و مصائب آن حضرت در اختیار قرار دادم، باشد که در

ص: ۶

ابتدا مورد توجه آنحضرت و امام زمانم قرار گیرد.

نکات قابل توجه:

این نوشتار بدون هر گونه دخل و تصرف از منابع معتبره اهل سنت نقل شده است به همین خاطر، داعی به خاطر نقل روایت از ذکر کلماتی مانند علیه السلام، و... معذور بودم.

ذکر مطالب تاریخی در این نوشتار مانند اینکه ((فاطمه علیها السلام بعد از پدر شش ماه زنده بود)) یا ((سعد بن ابی وقاص نیز از جمله افرادی بود که در خانه فاطمه بودند)) و نکاتی مانند اینها، دلالت بر اتفاق نظر شیعه نمی کند چرا که برای پی بردن به نظریات شیعه باید به کتب شیعه در این زمینه رجوع کرد.

از آنجا که اهل سنت برای سر پوش گذاشتن بر روی این جنایت، دواعی بسیاری از جمله ((حفظ حیثیت خلیفه خود و..)) داشته اند، پس از مطالعه این نوشتار به این نتیجه می رسیم که حجم این جنایت بمراتب وسیعتر از این بوده است، چرا که با آن همه سانسورهای عجیب، هنوز هم در تاریخ اهل سنت، به این نکات برخورد می کنیم! که این مطالب یکی از از مصادیق بارز این جمله است که:

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

داعی سعی کرده ام برای کلمه به کلمه آنچه در این نوشتار بصورت داستان ذکر کرده ام سند و مدرک ارائه نمایم به همین خاطر پی نوشتها زیاد و شاید تکراری باشند که حکمت اینگونه

ص: ۷

تحقیق بر اهل فن پوشیده نیست! در ضمن اینجانب هرگز مدعی آن نیستم که تمامی منابع در این زمینه را جمع آوری نموده ام بلکه در حد و توان با نیت اظهار علاقه به ساحت آنحضرت انجام وظیفه نموده ام.

در پایان از تمامی اساتید خود از جمله مرحوم علامه محقق سید عبدالعزیز طباطبایی رضوان الله علیه و مرحوم شیخ مصطفی خبازیان زاده تشکر کرده و علو درجاتشان را از ایزد متعال خواستارم و از تمامی کسانی که از این مکتوبه استفاده می کنند در حیات و ممات التماس دعا دارم.

## تقدیم نامه:

### اشاره

-به تو ای مادر پهلو شکسته و مهربانم!

-به تو ای مادر خسته و داغدارم!

-به تو ای مادر مظلومم!

-به تو ای مادری که حقت غصب شد!

به تو ای مادری که با ظلمت جاهلیت لگد کوب شدی!

-به تو ای محسن!

-به تو ای دردانه فاطمه!

-به تو ای عزیزی که روز تولد و شهادتت یکی بود!

-به زودی مهدی می آید و انتقام خون پاکت را از آن دژخیمان خواهد گرفت!

-و تقدیم به روح پاک تمامی شهدای راه حق و فضیلت!

## مقدمه حضرت آیت الله فقیه امامی :

قال الصادق علیه السلام :

مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ ادْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ

((هر کس فاطمه علیها السلام را بطور شایسته بشناسد بی شک، فضیلت شب قدر را درک کرده است)).

(بحار النوار: ج ۴۳ ص ۶۵)

## فاطمه استاد درس دفاع از ولایت مطلقه

یکی از درسهایی که بانوی دو سرا فاطمه زهرا علیها سلام به شیعیان جهان تعلیم داد، ((درس دفاع از حریم ولایت مطلقه)) بود. آن بانوی بزرگ زمانی به این احساس رسید که ((مسیر ولایت و امامت مطلقه)) به مخاطره افتاده و دشمنان ((قرآن و عترت)) - همان دو امانتی که رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) پس از خود در میان امت به ودیعه گذاشت--از طریق منزوی کردن اهل بیت علیهم السلام که

ص: ۹



به شهادت نصّ قرآن و حدیث ثقلین عدل قرآن و نگهبان اسلامند، سعی در نابودی روح و مغز اسلام کردند. (یُریدون لَیَطْفِنُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)

### مراحل نهضت فاطمه علیها السلام

بی بی دو عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها نخست از راه استدلال و خطابه مبارزه خود را آغاز نموده و سپس عملاً "وارد معرکه شد: اگرچه ابتدا به قیمت مصادره فدک و دیگر مزارع و پس از آن سوخته شدن درب خانه و سیلی خوردن و کبودی صورت و تازیانه خوردن و تورم شدید بازو و سپس سقط جنین و بیماری و دیگر مصائب بالاخره به شهادت ان حضرت (۱) تمام شد.

### دستیابی به اهداف از طریق مظلومیت

لکن با تحمل این مظلومیت ها سرانجام غاصبین حق علی علیه السلام که در حقیقت همان دشمنان خدا و رسولش می باشند را رسوای تاریخ کرد و بر مشروعیت حکومت غاصبانه آنان خط بطلان کشید، و در نتیجه این مبارزات، با توجه به مقام شامخ ان حضرت عالی ترین سند را برای اثبات مظلومیت امامش یعنی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و همچنین اثبات حقانیت افکار و عقاید شیعه امامیه که تنها فرقه ناجیه اند بر صفحه های

ص: ۱۰

---

۱-۱. در ادامه به اسناد و مدارک خواهیم پرداخت.

تاریخ حک نمود.

### **نهضت فاطمه مسالمت ندارد!**

آن حضرت با مخفی نگاه داشتن قبر خود و اجازه ندادن مراسم تشییع پیکر پاکش توسط خلفا، تمام تلاشهای بد اندیشانی را که سعی در پاک کردن دامن جنایتکاران تاریخ صدر اسلام از لوث این ستمها را داشته و دارند نقش بر آب و رسوایی تاریخ نمود.

دشمنان اسلام همیشه و همیشه سعی کرده اند که این قطعه تاریخ را که بزرگترین حربه تبلیغاتی شیعه می باشد از دست پیروان این مکتب بدر آورند.

### **راه فاطمه تنها راه الگوی شیعه!**

هیئات! آنان باید بدانند که تا خون در رگهای فرزندان و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام در جریان است همواره با ارائه اسناد و مدارک تاریخی که امروزه در فرهنگ جهانی حرف اول را می زند اجازه نخواهند داد، معاندین و دشمنان اسلام، این پرونده های جنایی را مختومه اعلان نمایند و در حدّ توان از حریم امامت و ولایت مطلقه کلبیه حضرات معصومین علیهم صلوات الله اجمعین دفاع خواهند کرد و به مصداق آیه کریمه ( وَ مَنْ قُتِلَ

ص: ۱۱

مظلوماً "فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا" انتقام خون فاطمه سلام الله عليها را به حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه واگذار می نمایند.

یکی از شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و یکی از ذراری زهرا سلام الله عليها یعنی فاضل ارجمند جناب حجه السلام آقای سید محمد حسین سجاد دامت افاضاته بر آن شدند که مدارک و مآخذ صحیحه ای را که در بعضی از کتب معتبره عامه وجود دارد، در زمینه اثبات مظلومیت مادرشان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیه جمع اوری نموده و اسناد وقایع پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در قالب مقتل و بشکل داستانی حقیقی انهم از مصادر عامه در معرض افکار عمومی قرار دهند تا از رهگذر سمپاشی های بدخواهان و ناآگاهان تاریخ را خشتی نمایند! و بحمد الله این مجموعه نفیس را که بنام ((مقتل الزهرا علیها السلام)) نامگذاری شده، تدوین نمایند.

شکرالله سعیهم و کثرالله امثالهم.

سید حسن فقیه امامی

تاریخ غرة جمادی الاولى ۱۴۲۳ هجری قمری.

ص: ۱۲

**امامان شیعه اولین قربانیان تروریسم اهل سنت!**

شیعه از زمان بعد از پیامبر اکرم حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) با تهاجمات و حملات شدید و بی رحمانه مخالفین خود اعم از مسلمان نامها و کفار روبرو بوده و هست! تاریخ اسلام بهترین شاهد مدعای ماست، چرا که امامان و بزرگان این مکتب، یکی پس از دیگری به دست همین مسلمان نامهای کافر بطور فجیعی بشهادت رسیدند. اولین پیشوای مذهب حقه امامیه یعنی حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام به دست شیطان مسلمان نام، ((ابن ملجم مرادی)) به شهادت رسید. این در صورتی بود که فاطمه سلام الله علیه، این یادگار (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) - با توجه به سفارشات اکید آن حضرت در حق او - از جنایت بار جانان صدر اسلام محفوظ نماند و ماوای امن توسط کسانی که -

بدروغ - خود را خلیفه میخواندند مورد هجوم قرار گرفت! با آتش کشیده شد! و مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت که نهایتاً در اثر ضربات وارده بشهادت رسید و با قلبی پر از درد و رنج این دنیا را وداع گفت. امام دوم شیعه یعنی حضرت حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام نیز به دستور معاویه - کسی که خود را خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله)!! می خواند - بشهادت رسید. امام سوم شیعه یعنی حضرت حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام را نیز همین کافران مسلمان نام، با نام خدا!! و ذکر خدا!! میان دو نهر آب با لب تشنه به شهادت رسانیدند و اهل و عیالش را به اسارت بردند و او را خارجی خواندند!! و همین طور اگر با دقت بنگریم باقی این فرزندان صالح پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) را مسلمانان کشتند و به خود آفرین گفتند!! تا اینکه خداوند آخرین حجت خود را در موقعی که خود صلاح می دانند به او اذن و اجازه ظهور دهد و دنیا را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از ظلم و جور شده است.

### یک سوال:

جای یک سوال در اینجا باقیست و آن اینکه:

ص: ۱۴

آیای علمای اهل سنت که شیعه را بخاطر اهانت به سردمداران خود کافر می شمردن پس از مطالعه صفحات سیاه تاریخ که حاکی از قتل و غارت اولاد رسول خدا بدست -به اصطلاح- خلفای آنان است در حق جانمایی که با اعمال کثیف خود که ابتداترین حقوق بشر را پایمال کردند چه جوابی می دهند؟! آیا به خاک و خون و آتش کشیدن و تشنه کشتن نه فرزندان رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) بلکه عده ای انسانهای پاک موجب کفر و تنفر و بیزاری نیست؟!

اما شیعه در مقابل این همه سفاکی ها و خونریزی ها چه جوابی به آنها داده است؟! آیا شیعه هم مانند آنها دست به خونریزی و قتل و غارت و هتک نوامیس آنها زد؟ نه! بلکه به دستور ائمه اطهار خود علیهم صلوات الله همواره مظلوم زیست و در حین حال فعالیتهای فرهنگی خود را تعطیل نکرد، و یکی یکی امامان این مذهب، پیروان خود را روشن و آگاه کردند. تاریخ بهترین شاهد است.

**((وحدت به معنی سکوت نیست))!!**

روش رفتاری ائمه اطهار علیه السلام به ما یاد می دهد که در عین حالیکه نباید مسلمان کشی کرد و میان مسلمین تفرقه انداخت باید

ص: ۱۵

مسلمانان را آگاه به وقایع تاریخی صحیح نمود و شخصیت‌های واقعی تشخیص داد و به مسلمانان معرفی نمود. و نباید به خیال حفظ وحدت بین مسلمانان از مطرح کردن مسائل تاریخی و بازگویی واقعیات خود داری نمود.

اولین مظلوم تاریخ یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام این درس را به شیعه آموخت و در پی آن حضرت، امامان بعدی با سیره و روش خود به ما یاد دادند که در عین حالی که علی علیه السلام بیست و پنج سال خانه نشین شد اما در محافل و مجالسی که موقعیتی پیش می‌آمد احقاق حق خود می‌نمود. و ظلمهایی که به آن حضرت شده بود را بازگو کرده و مسلمانان را هوشیار می‌ساخت.

### **فاطمه علیها السلام از امام زمانش دفاع می‌کند!**

در این میان دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یعنی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیه نقش بسزایی در تحقق بخشیدن به این آرمان شیعه یعنی ((وحدت به معنی سکوت نیست)) را ایفا نمود. چرا که فاطمه علیها السلام در حالی که از امام زمان خود حضرت علی علیه السلام اطاعت می‌فرمود از اهداف آن

حضرت هم دفاع کرده و تا پای جان ایستادگی کرد.

جریان ((یوم البیعه)) یا ((روز بیعت)) همان روزی که مسلمان نامها برای بیعت گرفتن از امیر المومنین علی علیه السلام به درب خانه آن حضرت هجوم آورده و با فجیع ترین وضع ممکن آن حضرت را برای بیعت با ابوبکر به مسجد) نه تنها برای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها شخصی نبوده و نه اینکه ((دفاع وی از شوهرش)) بوده بلکه ((دفاع فاطمه سلام الله علیها از امام زمان خود)) و مسأله کاملاً دینی و اعتقادی بوده. چنانچه در روایات زیادی که بگوشه ای از آنها در همین کتاب اشاره می شود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رضای خدا را در غضب خود و غضب خود را در غضب فاطمه سلام الله علیها به مسلمانان می نماید.

همین طور تمام افعال و حرکات و سکنتات فاطمه را حجت می دانند چرا که وقتی می گویند: ((رضای من در رضای فاطمه است)) و یا می فرماید: ((رضای خدا در رضای فاطمه سلام الله علیها است)) دانسته می شود که فاطمه بجز برای خدا خوشحال نمی شود، و جز برای خدا خشمگین و ناراحت نمی شود. اما زمینه چگونه

ص: ۱۷



فراهم شد که با وجود آن همه سفارشات پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) در مورد فاطمه سلام الله علیه با تنها جگر گوشه وی چنین رفتار کنند تا آنجا که عده ای او باش و اراذل و عربده کشان جاهلیت ماب، جمع شده و درب خانه ای که جبرئیل بدون اذن وارد نمی شد، دری که پیامبر همواره موقع مسجد رفتن، دو دست بر آستانه آن می گذاشت و ندا می داد: ((السلام علیکم یا اهل بیت النبوه)) را بسوزانند!!

آیا خبر نداشتند فاطمه در خانه است؟! خیر! بلکه می دانستند، آیا نمی دانستند حسن و حسین علیهما السلام دو ریحانه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در خانه اند؟! خیر، بلکه می دانستند!! پس چرا امت و مسلمانان تحمل دیدن چنین منظره ای را به خود دادند. و در مقابل این وحشیگری ها سکوت کردند. اینها مطالبی است که در جای خود مفصل از آنها بحث شده و خواهد شد.

### سوال از اهل سنت:

و در پایان از اهل سنت این سوال داریم که: شما چگونه بین این بخش کتاب یعنی ((سفارشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد فاطمه سلام الله علیها)) و ((اخبار و روایات تاریخی مستند در مورد رفتار امت با فاطمه سلام الله علیها بعد از پیامبر

صلی الله علیه و آله)) - که از کتابهای خود شامل نقل شده - جمع می کنید؟ و اگر فاطمه سلام الله علیها این گونه مورد احترام و توجه پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) بود، چرا با اینگونه رفتار شد؟

آیا فاطمه سلام الله علیه معاذ الله بعد از پیامبر کافر مرتد شد؟! یا آنکه امت بعد از پیامبر کافر و مرتد شدند؟ چرا که رفتاری که با فاطمه سلام الله علیها بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شد در دین مقدس اسلام حتی با کافران چنین رفتاری اجازه داده نشده است.

آیا این همه سفارشات و روایات صحیح از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حق فاطمه سلام الله علیها با یک حدیث تک راوی بدون شاهد ((نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ)) ((ما گروه پیامبران از خود هیچ ارثی باقی نمی گذاریم)) که مخالف نص صریح قرآن است از بین می رود؟

و آیا کسانی که آیات قرآن و گفته های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را با پاشنه های ننگین خود لگد کوب کرده - به شکلی که هنوز بعد از هزار و چهار صد سال ناله ((یا ابتاه)) پاره تن پیامبر در فضای تاریخ بگوش می رسد و به جان انسانها آتش

می افکند- می توانند مجری و اجرا کننده قرآن و گفته های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشند؟

امید است خداوند تبارک و تعالی با تعجیل در ظهور منتقم آل محمد علیهم السلام یعنی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به وحدت واقعی و صادقانه انسانها تحقق عملی بخشد و تمام انسانها را تحت لوای اسلام راستین قرار دهد. انشالله به امید آن روز!

اصفهان-سید محمد حسین سجاد

جمادی الاولی ۱۴۲۳ هجری قمری

ص: ۲۰

زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رحلت فرمود عده ای از انصار در سقیفه بنی ساعده اطراف سعد بن عباد جمع شدند که در میان آنها ابوبکر و عمر دیده می شدند (۱) آنان برای ابوبکر بیعت می گرفتند (۲) پس مردم با ابوبکر بیعت کردند و بر بیعت خود استوار شدند (۳) تا آنکه ابوبکر بر منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تکیه زد (۴) عده ای از مهاجرین در مورد بیعت مردم با ابی بکر سخت غضبناک شدند. همچنین علی و زبیر (۵) - که خود را از بنی هاشم می دانست (۶) - غضبناک شده و در حالی که هر دو مسلح بودند (۷) با عده ای از بنی هاشم (۸) (جمع بنی هاشم (۹)) داخل خانه فاطمه (۱۰) دست به مبارزه

ص: ۲۱

- ۱- ۲. أبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن ((ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیرة النبویة)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان قصه السقیفه با ذکر سند از ((وهیب)).
- ۲- ۳. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).
- ۳- ۴. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریان یحیی ضریر و او از ابو عوانه و او از داود بن عبدالله لاودی و او از حمید بن عبدالرحمن حمیری.
- ۴- ۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شبه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.
- ۵- ۶. عزّ المَدین ابی الحسن علی بن ابی الکرّم، محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد شیبانی معروف به ابن اثیر در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام الکامل فی التاریخ چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.
- ۶- ۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.
- ۷- ۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.
- ۸- ۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شیه و او از ابوزید عمر بن شیه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.
- ۹- ۱۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.
- ۱۰- ۱۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شیه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.

منفی (۱) زدند (۲) علی و زبیر (۳) و عباس (۴) و سعد بن عبادہ (۵) و عده ای از مهاجرین (۶) و انصار (۷) از جمع کناره گیری کرده و از بیعت (۸) سرباز زدند (۹) چرا که بیعت ابی بکر بدون مشورت و خواست آنها انجام شده بود آنان سخت غضبناک بودند. (۱۰) همچنین علی و زبیر (۱۱) نیز غضبناک شدند (۱۲) علی (۱۳)، عباس، طلحه (۱۴) و زبیر (۱۵) سعد بن ابی و قاص (۱۶) و مقداد بن اسود (۱۷) و عده ای دیگر (۳۰) نزد فاطمه دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفته و با فاطمه مشورت (۱۸) می کردند (۱۹) و از او نظر خواهی می نمودند (۲۰) و از وی کسب تکلیف می کردند (۲۱). آنان می خواستند با علی بیعت کنند. آنها هم پیمان شده بودند که با علی بیعت کنند (۲۲). علی در جواب به آنها گفت فردا برای بیعت -در حالی که سرهایتان را تراشیده اید- آماده شوید. پس چون که فردا رسید کسی حاضر نبود مگر سه نفر (۲۳).

ص: ۲۲

۱- ۱۲. عز الدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم، محمد بن محمد بن عبدالواحد شیبانی معروف به ابن اثیر در گذشته خود سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام الکامل فی التاریخ چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.

۲- ۱۳. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزیز و از ابوزید عمر بن شُبّه.

۳- ۱۴. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از ابو عوانه و او از داود بن عبدالله لاودی و او از حمید بن عبد الرحمن حمیری. عبدالرحمن بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عز الدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیه)) یا جریان سقیفه، جلد دوم صفحه ۲۱ یا تایید اینکه این مطلب مورد قبول عده ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد. عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت، معاصر، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴ - قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۴- ۱۵. احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیه فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۵- ۱۶. احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیه فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴. چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴ - قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۶- ۱۷. محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) به نقل از ابن حمید و او از جریر و او از مغیره و او از زیاد پسر کلب.

- ۷-۱۸. یعقوبی مورخ مشهور اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت. \*عز الدین ابی الحسن علی ابی کرم، محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالوحد شیبانی معروف به ابن اثیر در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام ((الکامل فی التاریخ)) چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.
- ۸-۱۹. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.
- ۹-۲۱. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۷ حدیث شماره ۱۱۸۸ به نقل از ابی بکر بن هیشم و او از عبدالرزاق و او از معمر و او هم از کلبی و او از ابی صالحی و او از ابن عباس.
- ۱۰-۲۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری و او از ابی السود.
- ۱۱-۲۳. شهاب الدین ابو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الأرب فی الفنون الأدب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از أسلم.
- ۱۲-۲۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری و او از ابی السود.
- ۱۳-۲۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری و او از ابی السود.
- ۱۴-۲۶. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.
- ۱۵-۲۷. أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیه فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.
- ۱۶-۲۸. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)) ۲۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.
- ۱۷-۲۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبدالعزیز ابی بکر جوهری. و در جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.
- ۱۸-۳۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبدالعزیز ابی بکر جوهری. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)). شهاب الدین ابو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الأرب فی الفنون الأدب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)).

- ۱۹-۳۲. ابو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از اسلم.
- ۲۰-۳۳. علاء الدین علی بن حسام الدین عبد الملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((خاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از اسلم.
- ۲۱-۳۴. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوافیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((اسلم)).
- ۲۲-۳۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری.
- ۲۳-۳۶. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

عباس نیز نزد علی که با عده ای از پیروان و شیعیانش در منزلش دست به مبارزه (منفی) زده بودند رفت، چرا که پیامبر به علی چنین دستوری داده بود(۱) عباس به علی گفت: دستت را بده تا با تو بیعت کنم!

همچنین ابوسفیان بن حرب و جمیع بنی هاشم(۲) از بیعت سرپیچی نمودند(۳).

علی، فاطمه را بر الاغی سوار می کرد و او را شبانه به درب خانه های انصار می برد، و از آنها طلب یاری می کرد! همچنین فاطمه از آنها کمک می خواست لیکن آنها می گفتند: ای دختر رسول خدا دیگر زمان گذشته است و با ابی بکر بیعت کرده ایم! اگر پسر عمّ تو (علی) زودتر از ابی بکر از ما طلب بیعت می کرد هرگز از او روی بر نمی گردانیدیم. پس علی گفت: آیا توقع آن داشتید که جنازه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بدون غسل و کفن در خانه اش رها کنم و بسوی مردم بشتابم و با آنها در سلطنت بعد از او به نزاع و کشمکش پردازم؟! و فاطمه

ص: ۲۳

---

۱- ۳۷. أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).

۲- ۳۸. با عده ای از بنی هاشم رجوع کنید به: شرح ابی الحدید معتزلی بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۳- ۳۹. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.



می گفت: برای علی چنین کاری سزاوار نبود! اما آنان کردند، کاری را که خداوند سزای آنها را بدهد! (۱)

## آغاز حمله

تا آنکه ابوبکر بالای منبر رفته نگاهی در چهره های مردم انداخت لکن علی را ندید! پرسید علی کجاست؟ (۲) زیر کجاست؟ (۳) به او گفتند: زیر با شمشیر نزد علی است و از وی دفاع می کند (۴) همین که خبر اجتماع عده ای از مهاجرین و انصار به حمایت از علی در خانه فاطمه دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوبکر و عمر (۵) رسید و عمر (۶) از این خبر (۷) مطلع (۸) شد (۹) قنفذ را برای آوردن علی فرستاد! وقتی قنفذ برگشت (۱۰) و خبر نیامدن علی را به ابی بکر داد (۱۱) ابی بکر گفت: ای عمر! خالد بن ولید کجاست؟ عمر گفت: در آنجا نشسته است! (۱۲) آنگاه ابی بکر (۱۳) گفت (۱۴): ای عمر! و ای خالد بن ولید! برخیزید و به مکان علی (۱۵) (خانه علی و فاطمه و حسن و

ص: ۲۴

- 
- ۱- ۴۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه سیزدهم تحت عنوان ((یوم السقیفه)) ((ماجرای روز سقیفه)) با اسناد خود از ابی بکر احمد بن عبدالعزیز جوهری از جعفر بن محمد بن علی (علیه السلام).
- ۲- ۴۱. ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان قصه السقیفه با ذکر سند از ((وهیب)).
- ۳- ۴۲. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.
- ۴- ۴۳. ابن ابی الحدید معتزلی (( در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.
- ۵- ۴۴. ابو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالتحیضه در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم.
- ۶- ۴۵. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.
- ۷- ۴۶. شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الأرب فی الفنون الأدب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از أسلم.
- ۸- ۴۷. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوافیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).
- ۹- ۴۸. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبد العزیز که می گفت: خبر داد به ما ابوزید، عمر بن شُبّه.
- ۱۰- ۴۹. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۵-۱۱۴.

۱۱- ۵۰. ابن قتیبه در الامه و السياسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.

۱۲- ۵۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۳- ۵۲. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۱۴- ۵۳. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موئید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۱۵- ۵۴. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موئید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

حسین (۱) و زبیر و کسانی که با او هستند (۲) بروید (۳) و آندو را به همراه هر که با ایشان است از خانه فاطمه خارج کنید (۴) و نزد من بیاورید (۵) و عمر (۶) را باتفاق خالد بدنبال آنها فرستاد (۷) و به وی دستور داد: علی را با بدترین صورت نزد من حاضر کن! (۸) و اگر از خارج شدن خانه خودداری کردند با آنها به جنگ (۹) بپردازد! (۱۰) عمر باتفاق اطرافیانش از جای خود برخاست (۱۱) و بطرف خانه فاطمه حرکت کرد (۱۲).

عبد الفتاح عبد المقصود می نویسد (۱۳): عمر چون دید مردم در نهان و آشکار، دسته دسته اطراف یکدیگر جمع می شوند، و این مطلب را بخوبی می دانند که فرزند ابی طالب برترین فردی است که باید ولی مردم باشد، لذا یکدیگر را به حمایت از وی می خوانند و اطراف خانه اش جمع شده و به نام، او را می خوانند که از خانه بیرون بیا میراث از دست رفته ات را دریاب! عمر می نگرد که، مسلمانان دو دسته و دو حزب شده اند و

ص: ۲۵

۱- ۵۵. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۲- ۵۶. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۳- ۵۷. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۴- ۵۸. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۵- ۵۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۶- ۶۰. أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجد الثانیة فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۷- ۶۱. یعقوبی مورخ مشهور اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ می گوید: به نقل از ((مدائنی)) و او از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون.

۸- ۶۲. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۷ حدیث شماره ۱۱۸۸ به نقل از ابی بکر بن هیشم و او از عبدالرزاق و او از معمر و او هم از کلبی و او از

ابی صالحی و او از ابن عباس.

- ۹-۶۳. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.
- ۱۰-۶۴. احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقدالفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامہ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت اَبی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت اَبی بکر تخلف کردند- در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.
- ۱۱-۶۵. ابن قتیبه در الامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند...عمررضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۵-۱۱۴.
- ۱۲-۶۶. ابن اَبی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.
- ۱۳-۶۷. عبد الفتاح عبد المقصود از علماء و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((الامام علی بن اَبی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

آن وحدت کلمه مورد انتظار بود! به شکاف و فاصله ای تبدیل شده که عاقبت آن جز خدا نمی داند! اکنون در نظر عمر، علی ابن ابی طالب چرا مانند سعد بن عباده سزاوار قتل نباشد تا فتنه و اختلاف از میان مردم رخت بندد. اینگونه نظر و اندیشه به سر سختی و بیشتر خشونت به خرج دادن عمر سازگارتر بوده از غیرت و دلسوزی او برای وحدت اسلام و مسلمین، مردم در این زمینه سخنها می گفتند آن هم سخنانی که بیانگر مکنونات ضمیر آنان می بود. کم کم تصورات و اندیشه بصورت مسائل مسلّم و یقینی در می آمد ولی کسی نمی توانست درباره خوی و تصمیم و عزم فرزند خطاب سخنی بگوید و آنچه از وی متصور بود و انتظار می رفت همان تند روی هایی بود که در برخی موارد دیگر، از وی سراغ داشتند! البته شاید در این میان مردمی بودند که حوادث را پیش بینی می کردند و قبل از دیدن با چشم سر، با چشم خیال

حس می کردند. می دیدند که اگر عمر قدم پیش گذارد و از راه تهدید از علی بخواهد که در برابر ابابکر تسلیم شود و به خلافت او تن در دهد وی مقاومت نموده و ایستادگی از خود نشان خواهد داد، ناچار عمر از جاده بیرون می رود و با این مخالفت و این مخالف سر سخت با سختی و تنیدی رفتار خواهد نمود. با این پیش بینی هادر آن روز میان مردم شایع شد که عمر قدم پیش گذارده و با گروهی از یاران و همدستانش بسوی خانه فاطمه زهرا رهسپار گشته و اندیشه آن را دارد که عمو زاده رسول خدا را چه بخواهد چه نخواهد به آنچه تا حال نپذیرفته و اداری نماید. مردم حدسهایی می زدند: عده ای می گفتند تنها در برابر شمشیر سر اطاعت خم خواهد کرد: عده ای پیش بینی می کردند که شمشیر با شمشیر رو در رو خواهد گردید: دسته سوم یگانه وسیله حفظ وحدت و اطاعت را آتش می پنداشتند!! و مگر دهان مردم بسته

است و بر دهان آنها بند زده اند که داستان هیزم را بازگو نمایند چه، با این دستور زاده خطاب، دور خانه فاطمه را که علی و اصحابش در آن می بودند محاصره نمود، تا بدین وسیله آنان را تسلیم نماید یا بی مهابا بر آن خانه بتازد!! همه این داستان ها که با نقشه سابق یا ناگهانی پیش آمد مانند کف روی موج دریا ظاهر شد و اندکی نپائید که همراه جوش و خروش عمر از میان رفت. این مرد خشمگین و خروشان به خانه علی روی آورد و همدستانش دنبال او راه افتادند و به خانه هجوم آوردند(۱)(پایان کلام عبد الفتاح).

### حمله به خانه فاطمه علیها السلام

پس آندو (۲) عمر (۳) بن الخطاب (۴) و خالد (۵) نیز (۵) به همراه عده ای (۶) قابل توجه (۷) از انصار (۸) و عده کمی از مهاجرین (۹) و از جمله: ((عبد الرحمن بن عوف)) (۱۰) و ((أسید بن حضیر)) (۱۱) و ((سلمه بن سلامه بن وقش)) که

ص: ۲۸

۱- ۶۸. عبد الفتاح عبد المقصود از علماء و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((الامام علی بن ابی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

۲- ۶۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۳- ۷۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شبه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۴- ۷۱. عبد الفتاح عبد المقصود از علماء و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۵- ۷۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۶- ۷۳. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۷- ۷۴. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شبه.

۸- ۷۵. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۹- ۷۶. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شبه.

۱۰- ۷۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از سعد بن ابراهیم.

۱۱- ۷۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الاسود.

هر دو از قبیله ((بنی عبد الاشهل)) (۱) بودند (۲) و ((ثابت بن قیس شماس)) (۳) ((محمد بن مسلمه)) (۴) و ((زیاد بن لید)) (۵) و ((اسید بن حضیر)) و ((سلمه بن أسلم)) (۶) و غیر آنان، با شعله ای (۷) از آتش (۸) روانه (۹) به خانه علی (۱۰) و فاطمه (۱۱) حمله ور (۱۲) شدند (۱۳) تا آنجا را به آتش (۱۴) بکشند (۱۵)!

آری! عمر بن الخطاب (۱۶) در این روز در حالی که در میان اصحاب و معاونینش بطرف خانه فاطمه حرکت می کرد (۱۷) به این نتیجه رسیدند که آتش بهترین وسیله برای حفظ وحدت و آرامش میان مسلمانان می باشد!! (۱۸) چرا که آنان از بیعت با ابی بکر خودداری کرده بودند (۱۹).

همینکه عمر و اصحابش پشت درب خانه فاطمه جمع شدند (۲۰) و دقّ الباب (۲۱) کردند (۲۲) فاطمه که صدای آنها را شنید با صدای بلند گفت: ((ای پدر! ای رسول خدا! چه بر سر ما آمد بعد از تو از ابن خطاب (عمر) ابن ابی

ص: ۲۹

۱- ۷۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود. ۲- ۸۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزیز و او از ابوزید، عمر بن شُبّه.

۳- ۸۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر جوهری با سندی دیگر. ۴- ۸۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۱ به نقل از ابوبکر جوهری با سندی دیگر. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از سعد بن ابراهیم نقل می کند که ((محمد بن مسلمه)) کسی بود که شمشیر ((زبیر)) را شکست.

۵- ۸۳. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شُبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۶- ۸۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری. ۷- ۸۵. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۸- ۸۶. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موئید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۹- ۸۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبدالعزیز ابی بکر جوهری

۱۰- ۸۸. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ به نقل از مدائنی، و او از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.



- ۱۱- ۸۹. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.
- ۱۲- ۹۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الاسود.
- ۱۳- ۹۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عزیز به نقل از ابوزید، از عمر بن شبه. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شبه. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴- قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.
- ۱۴- ۹۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.
- ۱۵- ۹۳. احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجد الثانیه فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.
- ۱۶- ۹۴. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.
- ۱۷- ۹۵. ابن قتیبه دینوری در الامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.
- ۱۸- ۹۶. در کتاب دبگر خود بنام ((الامام علی بن ابی طالب)) چاپ بیروت جلد اول صفحه ۱۹۰.
- ۱۹- ۹۷. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.
- ۲۰- ۹۸. محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) به نقل از ابن حمید و او از جریر و او از مغیره و او از زیاد پسر کلب.
- ۲۱- ۹۹. ابن قتیبه در الامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.
- ۲۲- ۱۰۰. ابن قتیبه در الامه و السیاسه ج ۱ صفحه ۱۳ با ذکر سند. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴- ۱۱۵.

قحافه (ابی بکر) (۱)) عمر گفت (۲): ای دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بخدا قسم هیچکس نزد ما دوست داشتنی تر از تو نیست (۳)، و لکن بخدا قسم! این محبت مانع از آن نمی شود که این افرادی که نزد خود جمع کرده ای (۴) دستور بدهم (۵) خانه را بر آنها به آتش (۶) بکشند!! (۷) بخدا قسم! برای بیعت خارج شوید و اِلّا خانه را بر شما می سوزانم!! (۸).

همینکه عمر این سخن را گفت (۹)، فاطمه نزد علی و زبیر آمده و گفت: می دانید که عمر به من چه گفت، همانا قسم خورد (۱۰) که اگر بیرون نروید خانه را بر شما می سوزاند (۱۱)، و بخدا قسم! این کار را خواهد کرد (۱۲) و بر آنچه قسم خورده (۱۳) پایدار (۱۴) و استوار (۱۵) است (۱۶). پس آنها از خارج شدن از خانه و بیعت (۱۷) خودداری (۱۸) نمودند (۱۹)، در این هنگام دستور داد که: هیزم حاضر کنید (۲۰)!! و خطاب به اهل

ص: ۳۰

۱- ۱۰۱. ابن قتیبه در الامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۲- ۱۰۲. شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الارب فی الفنون الادب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)).

۳- ۱۰۳. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوافیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).

۴- ۱۰۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.

۵- ۱۰۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.

۶- ۱۰۶. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۷- ۱۰۷. أبو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه

الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم با تفاوت اینکه ابن عبد البر برای سرپوش گذاشتن روی این جنایت خلیفه خود و برای اثبات وفای خود به خلیفه خود عبارت آتش می کشم را تعبیر به: ((.)) تبدیل

کرده است.. همچنین صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوافیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)) برای سرپوش

گذاشتن روی این جنایت خلیفه خود و برای اثبات وفای خود به خلیفه خود عبارت آتش می کشم را تعبیر به: ((چنین و چنان خواهم کرد)) تبدیل کرده است.. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی

مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم

صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۸-۱۰۸. محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) به نقل از ابن حمید و او از جریر و او از مغیره و او از زیاد پسر کلب.. شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الارب فی الفنون الادب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)). با عبارت چنین و چنان کرد.

۹-۱۰۹. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۰-۱۱۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری. ۱۱-۱۱۱. أبو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفة الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم با تفاوت اینکه ابن عبد البر برای سرپوش گذاشتن روی این جنایت خلیفه خود و برای اثبات وفای خود به خلیفه خود عبارت آتش می کشم را تعبیر به: ((چنین و چنان خواهم کرد)) تبدیل کرده است..

۱۲-۱۱۲. ابن هشام در گذشته ۲۱۸ هجری در کتاب خود بنام ((السیرة النبویه)) جلد چهارم صفحه ۳۰۶. ابن ابی شیبہ ابوبکر، عبدالله بن محمد بن عثمان عبسی معروف به ابن ابی شیبہ در گذشته ۲۳۵ هجری در کتاب خود بنام ((المصنّف)) جلد هفتم صفحه ۴۳۲ روایت شماره ۳۷۰۴۵، چاپ اول بیروت، سال چاپ ۱۴۰۹ هجری با ذکر سند از أسلم.

۱۳-۱۱۳. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۴-۱۱۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری. ۱۵-۱۱۵. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۶-۱۱۶. أبو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفة الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم.. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)) با عبارت چنین و چنان خواهم کرد و بخدا سوگند که عمر بر قسم خود پایدار و استوار است!!.. شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الارب فی الفنون الادب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)). با

عبارت چنین و چنان خواهم کرد.

۱۷-۱۱۷. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ به نقل از مدائنی، و او از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون..

۱۸-۱۱۸. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.. عبد الفتاح عبد المقصود در کتاب السقیفه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مورخین مهم و معتبر.

۱۹-۱۱۹. عبدالرحمن بن هبه الله بن محمد بن أبی الحدید عَزَّ الْعَدین مدائنی معتزلی معروف به ابن أبی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیه)) ((جریان سقیفه))، جلد دوم صفحه ۲۱ با تائید اینکه این مطلب مورد قبول عده ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد.

۲۰-۱۲۰. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

خانه گفت: قسم به آن کس که جان عمر (۱) در دست اوست! باید برای بیعت از خانه خارج شوید (۲) و الا (۳) خانه را (۴) با اهلش به آتش (۵) میکشم (۶) شخصی (عده ای از مردم (۷)) به عمر گفت (گفتند): ای اباحفص! آیا می دانی فاطمه در این است؟! عمر گفت: اگرچه فاطمه در خانه باشد! (۸).

محمد حافظ ابراهیم این کار عمر را فضیلتی برای او می شمرد و در این باره چنین می گوید: (۹)

وَ قَوْلِهِ لَعَلِّيَ قَالَهَا عُمَرُ \*\*\* أَكْرَمَ بِسَامِعِهَا أَعْظَمَ بِمُلْقِيهَا

حَرَقْتُ دَارَكَ لَا أَبْقَى عَلَيْكَ بِهَا \*\*\* إِنَّ لَمْ تُبَايِعْ وَ بِنْتُ الْمُصْطَفَى فِيهَا

مَا كَانَ غَيْرُ أَبِي حَفْصٍ يَفُوهُ بِهَا \*\*\* أَمَامَ فَارِسِ عَدْنَانٍ وَ حَامِيهَا...

چه نیکو سخنی عمر به علی زد، شنونده این کلام را گرامی بدار و گوینده اش را بزرگ بدار!!

ص: ۳۱

۱- ۱۲۱. با عبارت ((قسم به آنکه جانم در دست اوست)) همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه.

۲- ۱۲۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه.

۳- ۱۲۳. با عبارت ((در غیر این صورت...)): ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری ... از عمر بن شَبَّه.

۴- ۱۲۴. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک. و می نویسد شبیه این عبارت در کلنات مورخین بسیار دیده می شود.

۵- ۱۲۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبَّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک.

۶- ۱۲۶. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه.. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند و...

۷- ۱۲۷. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک.

۸- ۱۲۸. ابن قتیبه ابو محمد بن مسلم بن قتیبه دینوری (معروف به ابن قتیبه) در گذشته سال ۲۷۶ هجری، در کتاب خود بنام

((الامامه و السياسه)) جلد اول صفحه ۱۲، چاپ سوم، چاپ مصر، ۲ جلد در یک جلد، تحت عنوان: كيف كانت بيعة علي بن ابي طالب كرم الله وجهه ((علي كرم الله وجهه چگونه بيعت كرد)) با ذكر سند از عبدالله بن عبد الرحمن انصاري.. عمر رضا كحاله از اعضاي علمای اهل سنت، (معاصر)، در كتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بيروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) با ذكر سند.. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در كتاب خود بنام ((السقيفة و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاريخ الامم الملوک.

۹- ۱۲۹. محمد حافظ ابراهيم از شعاری معاصر و مهم اهل سنت در گذشته سال ۱۳۵۱ هجری گفته عمر بن خطاب را - ((هر آينه خانه را بر شما به آتش می کشم)) - مدح و ثناء بر او گرفته و در كتاب ديوان خود چاپ بيروت سال ۱۹۳۷ ميلادی در جلد اول صفحه در ((قصيدة عمریه)) تحت عنوان: عمر و علي اين شعر را سروده است.

به آتش می کشم خانه ات را و نمی گذارم در آن بمانی، در صورتی که بیعت نکنی اگرچه دختر محمد در آن خانه باشد.

چه کسی غیر از ابو حفص (عمر) می توانست در مقابل شهسوار دودمان عدنان و مدافع آنان چنین سخنی بگوید. (۱).

پس چون جمعیت (۲) مردم، صدای فریاد و گریه فاطمه را شنیدند، آنان نیز از گریه فاطمه گریه افتادند (۳) و چنان حالی به مردم دست داد که گویا نزدیک بود قلبهایشان از هم بپاشد و جگرهایشان تکه تکه شود (۴) تا آن که مردم متفرق شدند. لاکن عمر و اصحابش همانجا ماندند (۵).

در این هنگام عمر و یارانش جهت آتش زدن خانه ایشان، به آنها حمله ور شدند (۶) و به خانه فاطمه هجوم بردند (۷).

عمر فریاد کشید (۸): خانه را با اهلش به آتش بکشید!

ص: ۳۲

---

۱- ۱۳۰. محمد حافظ ابراهیم این قصیده خود را در کنفرانس شعرای مصر که در اوائل سال ۱۹۱۸ میلادی در مصر برگزار شد مقابل تمام اهل سنت می خواند و همه او را مورد تشویق خود قرار می دهند و بزرگان از اهل سنت چون امین و احمد الزین و ابراهیم الابیاری و علی جارم و علی امین و خلیل مطران و مصطفی الدمیاطی یک و غیر اینها همت به چاپ و شرح نویسی بر آن می گمارند و از شاعر، بسیار تعجید و قدرانی می کنند و دیوان او را بر چندمین بار، مورد قرار می دهند. نگاه کنید به: الغدیر ج ۷ ص ۸۶.

۲- ۱۳۱. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۳- ۱۳۲. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۴- ۱۳۳. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۵- ۱۳۴. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۶- ۱۳۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.

۷- ۱۳۶. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت

۸- ۱۳۷. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

در حالی که کسی در خانه نبود مگر علی و فاطمه و حسن و حسین (۱).

عبد الفتاح عبد المقصود می نویسد (۲): ناگاه چهره ای چون رسول خدا در میان درب ظاهر شد، چهره ای که بر آن آثار اندوه و تأثر و رنج و مصیبت آشکار بود! در چشمهایش قطرات اشک می درخشید و بر پیشانیش علائم غضب هویدا بود، عمر بر جای خود خشک شد و جوش و خروشش به ناگاه از میان رفت و همراهانش که به دنبال وی براه افتاده بودند در مقابل، بهت زده ایستادند زیرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را از خلال روی حبیبه اش زهرا دیدند و سرهای آنها از شدت حیا و شرمندگی و خواری به زمین افتاد دیگر تاب از دلها رفت! و همین که دیدند فاطمه مانند سایه ای حرکت نموده و با قدمهای حزن زده و لرزان، اندک اندک به سوی قبر پدر نزدیک شد، چشم ها و گوشها یکسره متوجه وی شد! در این هنگام بود که ناله زهرا بلند شد:

ص: ۳۳

---

۱- ۱۳۸. ابو الفتاح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر، أحمد شهرستانی در گذشته سال ۵۴۸ هجری در کتاب معروف خود ((الملل و النحل)) چاپ بیروت دارالمعرفه سال چاپ: ۱۴۰۲، جلد اول صفحه ۵۷ به نقل از نظام ابراهیم بن سیتار بن هانی معتزلی که از رؤسای مذهب معتزله در زمان خود بود و در سال ۲۳۱ هجری از دنیا رفته.

۲- ۱۳۹. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((علی بن ابی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.



((بابا! ای رسول خدا!! ای بابا! رسول خدا!! .. ((تو گویی که از تکان این صدا زمین زیر پای آن گروه ستم پیشه لرزه در آمد !!

باز زهرا نزدیک تر رفت و به آن تربت پاک روی آورد، آن غائبی که هماره در بین مردم است و از بین آنان نمی رود و این چنین استغاثه نمود:

(( ای بابا! ای رسول خدا!! پس از تو از دست زاده خطاب و زاده ابی قحافه چه ها بر سر ما آمد!؟ دیگر دلی نماند که نلرزد و چشمی نماند که اشک نریزد، آری آن مردم آرزو می کردند زمین شکافته شود و در میان خود پنهانشان سازد!!(۱) (پایان کلام عبد الفتاح).

فاطمه در پشت درب با عمر مواجه شد (۲) و عمر با فاطمه برخورد(۳) کرد (۴) فاطمه گفت: ای پسر خطاب کجا؟! (۵) آیا ترا در حال آتش زدن خانه ام می بینم؟! و آیا برای آتش کشیدن خانه ما آمده ای؟! (۶) عمر گفت: آری! و آنچنان به این عمل مصر و محکم هستم چنانکه

ص: ۳۴

---

۱- ۱۴۰. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((علی بن ابی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

۲- ۱۴۱. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۳- ۱۴۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.

۴- ۱۴۳. أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامہ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۵- ۱۴۴. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۶- ۱۴۵. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

پدرت بر دینی که آورده بود محکم بود! (۱) مگر آن که با ابوبکر بیعت کنی (۲) چنانچه امت چنین کردند. (۳)

پس بین علی و عمر سخنانی رد و بدل شد. علی گفت: (ای عمر! بدوش پستانی را که نیمی از آن مال توست، بخدا قسم! آنچه امروز تو را اینچنین بر امارت و حکومت ابوبکر حریص کرده چیزی نیست جز آن که فردا حکومت را به تو بسپارد. (۴)

علی از خانه خارج شد در حالیکه به شمشیر مسلح بود، پس با عمر برخورد کرد، عمر شمشیر را از علی گرفت! آنگاه علی دوباره به خانه برگشت در این هنگام زبیر با شمشیر کشیده (۵) خود (۶) به آنها حمله ور شد از خانه خارج (۷) شد (۸) در حالی که فریاد می کشید و گریه میکرد و مردم او را از گریه و ناله نهی کرده و میگفتند: گناهی بر مانیت چرا که در امری که مردم بر آن اجتماع کرده اند اختلاف شود! (۹) عمر به زبیر گفت: این شمشیر برای چیست؟ (۱۰) زبیر

ص: ۳۵

۱- ۱۴۶. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ میگوید: ((روایت کرده مدائنی))، که از از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون.

۲- ۱۴۷. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۳- ۱۴۸. أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامۀ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت اَبی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت اَبی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۴- ۱۴۹. أحمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۷ حدیث شماره ۱۱۸۸ به نقل از اَبی بکر بن هیشم و او از عبدالرزاق و او از معمر و او هم از کلبی و او از اَبی صالحی و او از ابن عباس.

۵- ۱۵۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۶- ۱۵۱. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۷- ۱۵۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.

۸- ۱۵۳. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.

۹- ۱۵۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری.

۱۰-۱۵۵. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّالدّین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی )) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجمیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

گفت: این شمشیر را برای بیعت با علی مهیا کردم!<sup>(۱)</sup>

و هرگز آن را غلاف نخواهم کرد تا اینکه با علی بیعت شود<sup>(۲)</sup> و با هیچکس جز علی بیعت نخواهم کرد<sup>(۳)</sup> عده ای از انصار از جمله زیاد بن لیت<sup>(۴)</sup> انصاری<sup>(۵)</sup> همراه با عمر<sup>(۶)</sup> و شخصی دیگر با او گلاویز شده<sup>(۷)</sup> و بطرف او حمله کردند<sup>(۸)</sup> پس پای در پای زبیر پیچید و شمشیر از دستش<sup>(۹)</sup> افتاد<sup>(۱۰)</sup>، عمر<sup>(۱۱)</sup> گفت<sup>(۱۲)</sup>: شمشیر زبیر را بگیرید<sup>(۱۳)</sup> و آن را به سنگ بزنید<sup>(۱۴)</sup>.

پس آنها<sup>(۱۵)</sup> شمشیر علی و زبیر را نزد ابوبکر بردند در حالی که ابوبکر بر منبر تکیه زده و خطبه می خواند، سپس ابوبکر گفت: این شمشیر را به سنگ بزنید.<sup>(۱۶)</sup>

هر دو را به دیوار زده تا آنها را شکستند<sup>(۱۷)</sup> ابو عمرو بن حماص<sup>(۱۸)</sup> می گوید: هر آینه من سنگی را که آن ضربه به آن خورد، دیدم، و می گفتند این اثر ضربه شمشیر زبیر است<sup>(۱۹)</sup>. پس به زبیر حمله ور شده و او را دستگیر نمودند.<sup>(۲۰)</sup> اما زبیر دوباره به خانه

ص: ۳۶

- 
- ۱- ۱۵۶. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.
  - ۲- ۱۵۷. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از ابوعوانه و او از داود بن عبدالله لاوردی و او از حمید بن عبدالرحمن حمیری.
  - ۳- ۱۵۸. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.
  - ۴- ۱۵۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.
  - ۵- ۱۶۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.
  - ۶- ۱۶۱. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.
  - ۷- ۱۶۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.
  - ۸- ۱۶۳. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.
  - ۹- ۱۶۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه و به نقل از نصر بن شَمیل.
  - ۱۰- ۱۶۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید،

عمر بن شَبَّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه.

۱۱- ۱۶۶. عبارت: ((ابی بکر که بالای منبر بود فریاد کشید شمشیر...)) رجوع شود به: شرح ابن ابی الحدید معتزلی بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبَّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیا و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۱۲- ۱۶۷. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۱۳- ۱۶۸. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ و جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه می نویسد: عمر خودش شمشیر را از دست زبیر گرفت و آن را به سنگ زد تا آنکه شکست!!

۱۴- ۱۶۹. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت برای ما ((زکریا بن یحیی ضریر)) که او گفت: روایت کرد برای ما ((أبوعوانه)) که او گفت: روایت کرد برای ما ((داود بن عبدالله لاوردی)) و او از ((عبد الرحمن حمیری)).

۱۵- ۱۷۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از از سعد بن ابراهیم نقل می کند که محمد بن مسلمه بود که شمشیر را از زبیر گرفت.

۱۶- ۱۷۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه و به نقل از نصر بن شمیل.

۱۷- ۱۷۲. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن العزیز که می گفت: خیر داد به ما ((ابوزید))، عمر بن شَبَّه.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۱ به نقل از ابو بکر جوهری با سندی دیگر می نویسد: و روایت شده محمد بن مسلمه که در این روز همراه با مهاجرین از یاران عمر بود و او بود که شمشیر ((زبیر)) را شکست.. ابن ابی الحدید معتزلی)) در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۱۸- ۱۷۳. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه. با عبارت ((عمرو بن حماس)).

۱۹- ۱۷۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبَّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن می نویسد وی یکی از شاهدان بوده که می گوید من خودم شاهد بودم و این گفته او شاید اشاره دارد که وی نیز یکی از یاران عمر در این روز بوده است.

۲۰- ۱۷۵. محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) می گوید: ((روایت کرد برای ما ((ابن حمید)) و گفت: روایت کرد برای ما ((جریر)) از ((مغیره)) و او از ((زیاد)) پسر ((کلب)).

برگشت! در این هنگام فاطمه فریاد زد و آنها را بخدا قسم داد (۱) و در این هنگام به خانه علی حمله ور شدند (۲) و به آنجا هجوم آوردند و درب خانه اش را به آتش کشیدند (۳) و وارد خانه شدند (۴) در خانه فاطمه عده زیادی از مردم بودند از آن جمله مقصد بن أسود و تمام هاشمیون (۵) عمر داخل خانه (۶) شده (۷) و خالد بن ولید در آستانه درب خانه ایستاد (۸) و از جمله کسانی که بزور وارد خانه فاطمه شدند قیس بن شماس بود (۹). سپس عمر دست زبیر را گرفته و او را از جای خود بلند کرد و او را بزور از خانه خارج ساخت (۱۰) و گفت: ای خالد! مواظب این مرد باش (۱۱) و او را محکم بگیر! (۱۲) در بیرون خانه عده زیادی از مردم که ابوبکر آنها را به کمک خالد و عمر فرستاده بود جمع شده بودند (۱۳). سپس عمر دوباره داخل خانه شد و به علی گفت: برخیز و بیعت کن! علی از بلند شدن خودداری کرد (۱۴)، عمر دست علی را گرفت و

ص: ۳۷

۱- ۱۷۶. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن العزیز که می گفت: خبر داد به ما ((ابوزید))، عمر بن سبّه)).. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۲- ۱۷۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۳- ۱۷۸. أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).

۴- ۱۷۹. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

۵- ۱۸۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۶- ۱۸۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۷- ۱۸۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۸- ۱۸۳. ابن ابی الحدید معتزلی)) در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی..

۹- ۱۸۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ((شهاب بن ثابت)).

۱۰- ۱۸۵. عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب السقیفه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مؤرخین مهم و معتبر.

۱۱- ۱۸۶. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۲- ۱۸۷. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۳-۱۸۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.  
۱۴-۱۸۹. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در  
گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر  
سند.

گفت: برخیز! (۱) باز علی از بلند شدن خودداری کرد (۲) و خود را به زمین چسبانید (۳) پس عمر بزور (۴) علی را بلند کرد و مانند زیر کشاند (۵) و در حالی که ریسمان (۶) به گردنشان (۷) بود به خارج خانه کشانید (۸)، سپس خالد آندو را گرفته و عمر آندو را و کسانی که با آندو بودند با صورتی بسیار بد می کشانید، مردم جمع شده و نگاه می کردند، کوچه های مدینه پر از مردم بود، مهاجمین داخل خانه شدند، فاطمه از خانه خارج شده و گفت: یا آنکه از خانه ام خارج شوید یا آنکه که معجز از سربر داشته و نزد خدا شما را نفرین خواهم کرد! در این هنگام آنان و هرکس در خانه بود از خانه خارج شدند. (۹) تا آنکه عمر تمامی افراد داخل خانه را از خانه خارج کرده و در حالی که ریسمان به گردنشان (۱۰) بود آنها را بصورتی بد می کشانید و علی را کشان کشان جهت بیعت کردن به طرف ابی بکر می کشاندند (۱۱) و

ص: ۳۸

- ۱- ۱۹۰. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.
- ۲- ۱۹۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.
- ۳- ۱۹۲. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.
- ۴- ۱۹۳. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السَّقِیْفَه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ با تأیید اینکه این مطلبی مورد قبول عدّه ای زیاد از محدّثین اهل سنت می باشد.
- ۵- ۱۹۴. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.
- ۶- ۱۹۵. عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب السَّقِیْفَه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مورخین مهم و معتبر.
- ۷- ۱۹۶. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.
- ۸- ۱۹۷. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.
- ۹- ۱۹۸. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۶ تحت عنوان ((خبر سقیفه بنی ساعده)) ((گزارشی از سقیفه بنی ساعده)).
- ۱۰- ۱۹۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.
- ۱۱- ۲۰۰. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.



می بردند (۱) تا آنکه با ابوبکر بیعت کنند. (۲) در حالی که علی می گفت: من بنده خدا هستم و برادر رسول خدایم! (۳) پس چون که فاطمه این منظره را دید که چگونه با علی و زبیر برخورد کردند (۴) ناله های سوزناک برکشید و ولوله می کرد، عده ای از زنان هاشمیه و غیر هاشمیه اطراف او جمع شده بودند، وقتی که هجوم کنندگان به خانه فاطمه حمله ور شدند فاطمه در آستانه درب خانه اش ایستاد (۵) فریاد زد: ای ابابکر! چه زود بر اهل بیت رسول خدا حمله بردید! (۶) بخدا قسم هرگز با عمر سخن نخواهم گفت تا آنکه خدای خود را ملاقات نمایم. (۷) هیچ قومی را که بدتر از شما به دیدن کسی رفته باشد سراغ ندارم جنازه رسول خدا را مقابل ما گذارید و برای در برکردن جامه خلافتش بدون آنکه با مشورت کنید به مشورت نشستید در حالی که حق ما را اداء نکردید (۸).

فاطمه در آستانه درب ایستاده بود که عمر لگدی (۹)

ص: ۳۹

- 
- ۱- ۲۰۱. عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب السقیفه و الخلافة صفحه ۱۵ به نقل از مؤرخین مهم و معتبر.
  - ۲- ۲۰۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شبه.
  - ۳- ۲۰۳. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.
  - ۴- ۲۰۴. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.
  - ۵- ۲۰۵. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.
  - ۶- ۲۰۶. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.
  - ۷- ۲۰۷. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.
  - ۸- ۲۰۸. ابن قتیبه دینوری در کتاب الامامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.. عمر رضا کحاله در همان اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.
  - ۹- ۲۰۹. شهرستانی به نقل از نظام: ابراهیم بن سیار بن هانی معتزلی که تاز رؤسای مذهب معتزله در زمان خود بشمار می رفت، وی در سال ۲۳۱ هجری از دنیا رفت.

محکم (۱) بر در زد (۲) و فاطمه را کتک زد (۳) آنگاه قنذ عدوی (۴) سیده زان فاطمه را در پشت درب فشار سختی (۵) داد (۶) به حدی که محسن بن علی (۷) راسقط کرد (۸). آری! فاطمه محسن (۹) بن علی (۱۰) فرزندی را که در شکم داشت سقط کرد (۱۱) و در نتیجه محسن کشته (۱۲) شد (۱۳).

فاطمه فریاد کشید: ای ابابکر! چه زود فراموش کردید و چه بد با اهل بیت رسول خدا رفتار کردید!! بخدا قسم! با عمر سخن نخواهم گفت تا خدای خود را ملاقات کنم! (۱۴)

انس گوید (۱۵): فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بطرف قبر پدرش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفت و بر قبر ایستاد و گریه کرد سپس یک مشت از خاک قبر برداشت و بر چشمان و صورت مالیده و این شعر را شروع به خواندن کرد: *مَاذَا عَلِيٌّ مَن شَمَّ تُرْبَهُ أَحْمَدٌ \* \* \* أَن لَّا يَشَمُّ مَدَى الزَّمَانِ عَوَالِيًّا*

ص: ۴۰

---

۱- ۲۱۰. ذهبی مورخ مشهور در گذشته سال ۷۴۸ هجری در کتاب خود بنام ((لسان المیزان)) جلد اول صفحه ۲۶۸-شمارل ۸۲۴ تحت عنوان ((احمد)) با ذکر سند به نقل از ((محمد بن احمد حماد کوفی)) (از حافظین حدیث اهل سنت).

۲- ۲۱۱. أبی الفتح محمد بن عبد الکریم بن أبی بکر احمد شهرستانی در گذشته سال ۵۴۸ هجری در کتاب خود بنام ((الملل و النحل)) چاپ بیروت ۱۴۰۲ هجری جلد اول صفحه ۵۷ گوید: نظام گفته است.

۳- ۲۱۲. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد ششم صفحه ۱۷ تحت عنوان ((حرف الالف))- ابراهیم بن سیار- شماره ۲۴۴۴- به نقل از نظام معتزلی.

۴- ۲۱۲. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد ششم صفحه ۱۷ تحت عنوان ((حرف الالف))- ابراهیم بن سیار- شماره ۲۴۴۴- به نقل از نظام معتزلی.

۵- ۲۱۴. أبی الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)).

۶- ۲۱۵. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

۷- ۲۱۶. لازم به یاد آوری است که تمام کسانی که نام ((محسن)) علیه السلام را در تعداد فرزندان حضرت علی علیه السلام ذکر کرده اند یاد آور شده اند که: در کوچکی از دنیا رفته است لکن هیچکدام از مورخین اشاره به روز تولد یا دنیا آمدن حضرت ((محسن)) علیه السلام را نکرده اند و این مطلب سری بسیار سنگین، در درون دارد آن اینکه: تولد و شهادت محسن علیه السلام در یک روز بوده است.

۸- ۲۱۷. أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) (جریان سقیفه).

۹-۲۱۸. بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ در کتاب خود بنام ((انساب الشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۴۰۴ می گوید: فاطمه برای علی چند فرزند بدنیا آورد که عبارتند از: حسن با کنیه ابا محمد، حسین با کنیه ابا عبدالله و محسن که در کودکی از دنیا رفت!

۱۰-۲۱۹. محب الدین أبو العباس أحمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد طبری در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام ((ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی)) چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ صفحه ۵۵ تحت عنوان: ذکر ولد فاطمه علیها السلام ازلیث بن سعد.

۱۱-۲۲۰. أبی الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان (( حکایه السقیفه)).

۱۲-۲۲۱. بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ در کتاب خود بنام ((انساب الشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۴۰۴.

۱۳-۲۲۲. ابن شهر آشوب سروری در گذشته سال ۵۸۸ هجری در کتاب ((المناقب)) خود جلد سوم صفحه ۱۳۲ از کتاب ((المعارف)) ابن قتیبه دینوری در گذشته سال ۲۷۶ هجری در بیان ذکر اولاد فاطمه علیهما السلام.. در چاپهای امروزی کتاب معارف ابن قتیبه چنین آمده است: پس علی دارای چند فرزند شد بنامهای: حسن وحسین و محسن و ام کلثوم کبری و زینب کبری؛ مادرشان فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود لکن ((محسن بن علی)) در سن کوچکی به هلاکت رسید!! اهل مطالعه و تحقیق مستحضرند که تحریف و دستبرد در کتب، خصوصاً در کتب اهل سنت آنقدر بسیار است که این مورد در میان آن می باشد.. محب الدین أبو العباس أحمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد طبری در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام ((ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی)) چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ صفحه ۵۵ تحت عنوان: ذکر ولد فاطمه علیها السلام ازلیث بن سعد چنین نقل می کند فاطمه فرزندی بنام محسن داشت که در کودمی به هلاکت رسید!!

۱۴-۲۲۳. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۵-۲۲۴. شبلنجی در گذشته اوائل قرن چهاردهم در کتاب خود بنام ((نورالابصار)) صفحه ۴۷ چاپ مصر از انس.

چه باکی است بر کسی که خاک قبر احمد را بوئیده که در تمام زندگی هیچ عطری را نبوید.

آنچنان مصیبتها بر من باریدن گرفته اند که اگر اینگونه بر روزها می باریدند، روزها شب می شدند. (۱)

در این هنگام عمر، علی و زبیر و بنی هاشم را با زور (۲) از خانه خارج (۳) نموده (۴) و به طرف ابوبکر کشانده (۵) و نزد ابابکر (۶) حاضر کرد (۷) زمانی که علی را نزد ابی بکر کشانند! شخصی (عمر) به علی گفت: بیعت کن! علی گفت: من سزاوارترم به بیعت از شما، هرگز با شما بیعت نخواهم کرد در حالی که شما سزاوتری در اینکه با من بیعت کنید (۸) عمر گفت: بهر صورت باید بیعت کنی! چه آنکه با رضایت باشد و چه آنکه با زور بیعت نمائی (۹) تا بیعت نکنی تو را رها نخواهم کرد. (۱۰) اما علی از بیعت ممانعت می ورزید پس باز به علی گفتند: بیعت کن! علی گفت: اگر بیعت

ص: ۴۱

۱- ۲۲۵. شبلنجی در گذشته اوائل قرن چهاردهم در کتاب خود بنام ((نورالابصار)) صفحه ۴۷ چاپ مصر از انس.

۲- ۲۲۶. ((أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی)) در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیة)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).. ابی الفدا اسماعیل بن کثیر معروف به ((ابن کثیر)) در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیرة النبویة)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان ((قصه السقیفه)) با ذکر سند از ((وهیب)).

۳- ۲۲۷. ابن ابی الحدید معتزلی)) در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزیز)) به نقل از ابوزید، عمر بن شبه.

۴- ۲۲۸. عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ با تأیید اینکه این مطلب مورد قبول عدّه ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد و از این گونه روایات ((محمد بن جریر طبری زیاد نقل کرده است.

۵- ۲۲۹. عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ ابن ابی الحدید معتزلی)) در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الاسود.

۶- ۲۳۰. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن العزیز و از ابوزید، عمر بن شبه.

۷- ۲۳۱. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ با تأیید اینکه این مطلب مورد قبول عدّه ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد.. ابی الفدا اسماعیل بن کثیر معروف به ((ابن کثیر)) در گذشته

سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السيره النبويه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان ((قصه السقیفه)) با ذکر سند از ((وهیب)).

۸- ۲۳۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۹- ۲۳۳. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از ابوعوانه و از داود بن عبدالله لاوردی و از از حمید بن عبد الرحمن حمیری.

۱۰- ۲۳۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

نکنم چه می کنید؟

گفتند: (عمر گفت): اگر بیعت نکنی به خدایی که جز او خدایی نیست گردنت را خواهیم زد؟! (۱).

آنها می خواستند از علی بیعت بگیرند لکن ممانعت کرده و گفت: هرگز چنین کاری نخواهم کرد، پس به وی گفتند: تو را می کشیم! علی گفت: اگر مرا بکشید پس همانا بنده خدا و برادر رسول خدا را کشته اید. در این هنگام دست علی را در حالی که مشت کرده بود و باز کردنش بر آنها سخت بود بطرف ابوبکر کشیده، و دست ابوبکر را به دست علی کشیدند. در حالی که دست علی مشت و بسته بود. (۲).

علی گفت: ای عمر! بدوش از پستان که نیمی از آن مال توست! امروز بیعت گرفتن را برای ابوبکر سخت بگیر تا آنکه فردا خلافت را به تو باز گرداند! آگاه باش! بخدا سوگند! که سخت را قبول نمی کنم و با ابی بکر بیعت نخواهم کرد. (۳).

ص: ۴۲

۱- ۲۳۵. ابن قتیبه دینوری در کتاب الامامه و السیاسه ج ۱ ص ۱۳ با ذکر سند.

۲- ۲۳۶. ابوالحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان (( حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).. عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ می نویسد: تا اینکه بالاخره تمام آنها با ابوبکر بیعت کردند مگر علی به تنهایی! در این هنگام علی به خانه فاطمه سلام الله علیها پناه برد (و آنجا را پناهگاه خویش قرار داد) لکن به خانه فاطمه حمله ور شدند و با زور و بدترین صورت علی را از خانه خارج ساختند. در این موقع فاطمه علیه سلام درب خانه ایستاده بود؛ پس هجوم آوردگان متفرق شده و گفتند: علی به تنهایی ضرری به حال آنها ندارد.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۲۲ می نویسد: اما آنچه اکثر محدثین و بزرگان آنها گفته اند آن است که: همانا علی از بیعت با ابی بکر تا ششماه خودداری کرد و در خانه نشست و بیعت نکرد تا آنکه فاطمه از دنیا رفت.. همچنین ابن اثیر در جلد دوم کتاب ((الکامل فی التاریخ)) صفحه ۳۳۱ به نقل از زهری می نویسد: علی و بنی هاشم وزیر تا شش ماه با ابوبکر بیعت نکردند تا آنکه فاطمه رضی الله عنها از دنیا رفت.

۳- ۲۳۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

تا آنکه علی بدون آنکه بیعت کند به خانه اش بازگشت، و هرگز بیرون نیامد تا آنکه فاطمه از دنیا رفت (۱).

## ماجرای فدک

از همان زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت از طرف عایشه اذیت ها و آزارهای زیادی به علی و فاطمه می رسید و خبر بعضی از حرفهای ناخوش آیند که عایشه می زد به گوش علی و فاطمه می رسید در حالی که علی و فاطمه بر تمام مشکلات و سختی ها صبر می کردند و این مصیبت ها و ناراحتی ها از طرف عایشه ادامه داشت تا آنکه فاطمه از دنیا رفت، علی و فاطمه تنها بدون یاور ماندند، فدک از فاطمه مصادره شد، و به خاطر همین فاطمه چندین بار اقدام به مجادله نمود لکن کاری از پیش نبرد (۲).

## ادعای ملکیت فدک

ص: ۴۳

---

۱- ۲۳۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عقیل انصاری.  
۲- ۲۳۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد نهم صفحه ۱۹۸ تحت عنوان (( ماجرت بین فاطمه علیها السلام و علی و عایشه)) با ذکر سند از قول شیخ ابی یعقوب ابن ابی الحدید در پایان کلام شیخ ابی یعقوب می گوید: این خلاصه ای از گفتار شیخ ابی یعقوب که خدایش رحمت کند و بدانکه ابی یعقوب شیعه نبود بلکه سنی معتزلی متعصبی بود.

فاطمه برای گرفتن فدک ابتدا ادعای ملکیت کرد به همین خاطر فاطمه نزد ابی بکر رفت و به وی گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان حیات خود فدک را به من اختصاص داد (۱) و آن را به من بخشید! فدک را به من برگردان (۲)! سپس ابی بکر از فاطمه بی‌تنبه و شاهد خواست.

علی ابن ابی طالب برای فاطمه شهادت داد (۳). ابوبکر در ظاهر برای اثبات اینکه پیامبر فدک را در زمان حیات خود به فاطمه بخشیده از فاطمه شاهد کامل خواست!! به همین خاطر به فاطمه گفت: ای دختر رسول خدا تو خود می دانی که برای قبول کردن این امر باید یا دو مرد یا یک مرد و دو زن شهادت بدهند!! (۴) یک شاهد دیگر بیاور (۵)! این ادعای، ادعائی است که ثابت نمی شود مگر به شهادت یک مرد و دو زن (۶)! فاطمه هم ام ایمن (۷) و رباح (۸) غلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را حاضر خواست و آندو نیز شهادت دادند که پیامبر فدک را به وی بخشیده است.

فاطمه به ابی بکر گفت: ام ایمن شهادت می دهد که

ص: ۴۴

- 
- ۱- ۲۴۰. عمررضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذری.
  - ۲- ۲۴۱. ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر بن داود بغدادی بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ میلادی صفحه ۴۴ با ذکر سند از جعفر بن محمد (علیهما السلام).
  - ۳- ۲۴۲. عمررضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذری.
  - ۴- ۲۴۳. عمررضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذری.. این ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان ((ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک)) به نقل از ابوبکر جوهری.
  - ۵- ۲۴۴. ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر بن داود بغدادی بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ میلادی صفحه ۴۴ با ذکر سند از جعفر بن محمد (علیهما السلام).
  - ۶- ۲۴۵. ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر بن داود بغدادی بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ میلادی صفحه ۴۴ با ذکر سند از جعفر بن محمد (علیهما السلام).
  - ۷- ۲۴۶. عمررضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذری.
  - ۸- ۲۴۷. ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر بن داود بغدادی بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((فتح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ میلادی صفحه ۴۴ با ذکر سند از جعفر بن محمد (علیهما السلام).



رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فدک را به من بخشید. ابوبکر که دیگر تمام راهها را بر خود بسته دید گفت: این مال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود تا به کسی بیخشد!!<sup>(۱)</sup>

## ادعای ارث

پس از آنکه فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از راه ملکیت نتوانست به حق خود برسد ادعای ارث نمود لذا نزد ابی بکر رفت و با ناله ای جانسوز به ابوبکر گفت: ای ابابکر! وقتی مردی چه کسی از تو ارث می برد؟ ابوبکر گفت: خانواده و فرزندانم! فاطمه گفت: تو را چه می شود که تو از پیامبر ارث ببری ولی من که دختر او هستم ارث نبرم!<sup>(۲)</sup>

فاطمه گفت: به خدا قسم! من از تو ناراحت نیستم و تو را ترک نخواهم کرد. فاطمه گفت: بخدا قسم! تو را نفرین خواهم کرد.<sup>(۳)</sup>

ص: ۴۵

---

۱- ۲۴۸. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان ((ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک)) به نقل از ابوبکر جوهری.

۲- ۲۴۹. بلاذری در کتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ میلادی صفحه ۴۵ با ذکر سند از ((أم هانی))

۳- ۲۵۰. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان ((ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک)) به نقل از ابوبکر جوهری.

عمر بن خطاب در این باره می گوید:

همان روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت برای ابوبکر بیعت گرفته شد؛ فردای آنروز فاطمه نزد ابی بکر آمده در حالی که علی نیز وی را همراهی می کرد، پس فاطمه گفت: ارث پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به من برگردان!

لکن ابوبکر گفت: پیامبر گفت ما پیامبران را ارثی نیست! فاطمه گفت: اُمّ ایمن برای من شهادت می دهد. (۱)

ابی هریره در این باره می گوید:

فاطمه نزد ابوبکر و عمر آمده از آنها میراث خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را طلب نمود پس عمر و ابوبکر گفتند: از پیامبر شنیدیم که: ((مرا ارثی نیست))! (۲)

عمر رضا کحاله در این باره می گوید:

چون فاطمه با ابی بکر صحبت کرد، ابوبکر گریه کرد! و گفت: ای دختر رسول خدا! بخدا قسم! پدرت چیزی به ارث باقی نگذاشت! هیچ درهم و دیناری!! پس فاطمه گفت: همانا فدک را پیامبر در زمان حیاتش به من

ص: ۴۶

---

۱- ۲۵۱. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۲۲ حدیث شماره ۱۴۰۹۷ با ذکر سند عمر بن الخطاب.

۲- ۲۵۲. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۲۲ حدیث شماره ۱۴۰۹۷ با ذکر سند از عمر بن الخطاب.. صاحب کنز العمال در جلد پنجم صفحه ۶۳۶ حدیث شماره ۱۴۱۲۰ از ابی هریره.

بخشید. ابوبکر گفت: چه کسی حاضر است در مورد این ادعای تو شهادت دهد؟! فاطمه علی بن ابی طالب را برای شهادت آورد و سپس ام ایمن را حاضر ساخت و هر دو شهادت دادند. پس عمر بن الخطاب و عبدالرحمن بن عوف آمدند و شهادت دادند به اینکه پیامبر در زمان حیاتش فدک را تقسیم کرد!!

ابوبکر گفت: ای دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) راست گفتی! و علی هم راست گفت، و عمر و عبدالرحمن بن عوف هم راست گفتند!! و این بخاطر آن است که آنچه از تو بوده مال پدرت بوده است و پدرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز خرج شما را از فدک جدا می کرد و باقی را در بین مردم و در راه خدا تقسیم می نمود.

ای فاطمه تو می خواهی با فدک چه کنی؟ فاطمه گفت: می خواهم همان کاری که پدرم می کرد انجام دهم. ابوبکر گفت: برای تو بخدا سوگند می خورم که من همان کاری که پدرت انجام میداد انجام دهم!!<sup>(۱)</sup>

ص: ۴۷

---

۱- ۲۵۳. عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت در کتاب معروف خود بنام (( اعلام النساء )) چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ جلد چهارم صفحه ۱۱۹.

زمانی که فاطمه دید ابوبکر بر مصادره فدک تصمیم قاطع گرفته است سر بند خود را بر سر بست و چادر خویش را بر خود پیچید و با عده ای از زنان قومش و خدمتکارانش بسوی مسجد حرکت کرد. وی در حالی که به شدت خود را پوشانیده بود و راه رفتنش بدون هیچ تفاوتی مانند راه رفتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود بر ابوبکر که در میان عده ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد. در این هنگام پرده ای بین فاطمه و مردم آویختند. (۱)

آنگاه ناله ای جانسوز از دل بر آورد، ناله ای که تمام مردم به گریه و زلزله در آورد.

سپس لحظه ای سکوت فرمود تا فریاد و همهمه مردم خاموش شد و جوش و خروش آنان آرام یافت. سپس کلام خود را با حمد و ستایش خدا آغاز نموده و درود بر رسول خدا فرستاد. سپس فرمود هان ای مردم! من

ص: ۴۸

---

۱- ۲۵۴. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۱ تحت عنوان: ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک (گزارشی از تاریخ درباره فدک) با ذکر سند از چند تن از راویان حدیث و تاریخ اهل سنت نقل می کند.

فاطمه ام دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! آنچه را از ابتدا بگویم همان را در انتها نیز به زبان خواهم آورد آنچه می گویم زیاده روی نیست و آنچه انجام دهم ظلم و جور نیست. پس بشنوید با گوشهای باز و قلبهای آماده...

سپس کلام و خطبه ای طولانی ایراد فرمود تا آنجا که در آخر خطبه اش گفت: سپس اکنون شما می پندارید که مرا ارثی از پدرم نیست؟ و به این آیه استناد کرد که: آیا به زمان و احکام جاهلیت برگشته اید؟ و چه کس در مقام حکم از خداوند بهتر است برای قومی که به یقین رسیده اند(۱).

گوش فرا دهید ای جمعیت مسلمان! به زور و ظلم و جفا ارث پدرم را از من گرفتند.

ای پسر قحافه (ابوبکر)! خداوند هیچگاه نمیگوید که تو از پدرت ارثی ببری ولی من از پدرم ارث نبرم! عجب کار تازه و زشتی آورده ای! اینک این تو و این شتر، شتری مهار زده و رحل نهاد شده برگیر و ببر.

ص: ۴۹

با تو در روز رستاخیز و محشر ملاقات خواهم کرد. پس چه نیکو داوری است خداوند و نیکو دادخواهی است محمد(ص) و چه خوش وعده گاهی است قیامت. آنروز و آن ساعت اهل باطل زیان می برند و برای هر اتفاقی قرارگاهی است و بزودی خواهید دانست که عذاب خوار و ذلیل کننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد و عذاب همیشگی بر سر چه کسی حلول خواهد نمود.

سپس به طرف قبر پدرش متوجه شد و شعر هند دختر اُثانه را سرود که گفته است:

((بعد از تو خبرها و مسائل مختلفه و بلاهای درهم و برهمی اتفاق افتاد که اگر تو می بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی کرد)).

((مردانی چند از امت تو همین که رفتی و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه ها را آشکار کردند)).

((همین که تو رفتی مردانی به ما روی ترش کردند و

خفیفمان شمردند و هر میراثی از ما غضب شد)).

راوی گوید: هیچ زنی و مردی از مردم در آن روز دیده نمی شد مگر آنکه به گریه در آمدند.

سپس فاطمه رو به جانب انصار کرده و فرمود: ای بازوان ملت! ای حافظان اسلام! این ضعف و سستی و غفلت در مورد حق من از چیست؟ و این سهل انگاری از کمک به دادخواهی من چراست؟! مگر پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی فرمود: ((حرمت و احترام هر کس در مورد فرزندان او حفظ می شود))؟ چه زود مرتکب این اعمال شدید! و چه زود بی احترامی را شروع کردید! آیا اینک که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفته است دین او را نیز می کشید و می گوئید: ما هیچ وظیفه ای نداریم؟!

آگاه باشید! که همانا رحلت پیامب، مصیبت بزرگی بود، و ضعف و سستی در میان شما که بر اثر این مصیبت پدید آمد نیز وسیع و زیاد است، و اشتباه و کج روی ناشی از این مصیبت نیز بسیار زیاد است و آن

ص: ۵۱

همبستگی که در میان شما بود از بین رفت و زمین بواسطه غیبت و رحلت او تاریک و ظلمانی شد و کوهها از هم متلاشی شدند و آرزوها به ناامیدی و بی‌خیری کشیده شدند و حریم و حرم پیامبر بعد از او ضایع شد و حرمت او هتک گردید و مصونیت و امنیت حرم او از بین رفت و خداوند در کتاب خود (قرآن) -قبل از رحلت پیامبر- این حوادث را به شما گوشزد کرد و قبل از رحلتش به شما هشدار داد آنجا که فرمود: (و محمد صلی الله علیه و اله و سلم نیست مگر پیامبری که پیش از او فرستادگان دیگری از دنیا رفتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته شود به عقب بر می‌گردید؟ و آن کس که به عقب برگردد به خدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکر کنندگان را پاداش خواهد داد) (۱).

خیلی دور و بعید است از شما ای گروه انصار! آیا من بخاطر ارث پدرم خُرد شوم و مظلوم واقع شوم؟! در حالی که شما در جلوی دیدگان من هستید و صدایتان

ص: ۵۲



را می شنوم و در یک اجتماع قرار داریم؟! و در حالی که شما دارای افراد و نفوذ گفتار می باشید و در حالی که دارای شمشیر و سلاح و سپر هستید و در حالیکه شما نخبه گانی هستید که خداوند از میان مردم انتخابتان کرد، و با اینکه شما با سران عرب - از مشرکین - جنگیدید و سختیها و رنجها را تحمل کردید و به مبارزه با ملتهای مشرک و شجاعان بی منطق رفتید، تا آنجا که سنگ آسیای اسلام را به گردش در آوردید و در نتیجه، برکات روزگار همچون شیر جریان و کثرت پیدا کرد و آتشیهای جنگ خاموش شد و فواره شرک از جریان باز ایستاد و موج فتنه و طغیان آرام گرفت و نظام و حکومت دین محکم و استوار گردید.

آیا پس از حرکت، باز ماندید و پس از آن اقدام محکم و داغ به عقب برگشتید و به سردی گرائیدید؟ و بعد از آن محکم شجاعتها ترسیدید؟ آن هم ترس از قومی که قسمهای خود را بعد از عهد و پیمانشان شکستند و بر دین و

ایمان شما ضربه وارد کردند؟!!

پس بکشید پیشوایان کفر را، چرا که به تحقیق هیچ حرمتی از آنها بر شما نیست شاید که به این ضربه زدنها و کج دهنی های به دین پایان بدهند.

آگاه باشید که همانا من می بینم که شما به رفاه و خوشگذرانی پناه آوردید! و به سکونت و آرامش کاذب میل پیدا کرده اید، و در نتیجه رها ساختید آنچه را نگهداری می کردید، و آنچه از غذای شیرین و لذیذ خورده بودید بالا آوردید، پس اگر شما و هرکس که بر روی زمین زندگی می کند کافر شوید هیچ ضرری به خدا نمی رسد چرا که خداوند بی نیاز و مورد حمد و ستایش خواهد بود.

آگاه باشید! همانا من برای شما گفتم آنچه را در اینجا گفتم، در حالی که می دانم که شما یاریم نمی کنید و این ترک نصرت و یاری با روح شما عجین شده است چرا که سرنیزه هایتان کند و شکسته شده و یقین شما به

ص: ۵۴

دین به ضعف و سستی تبدیل شده.

پس بگیریید فدک را و آن را محکم بر پشت این شتر مجروحی که پاهای آن ضعیف و سست می باشد ببندید ولی بدانید که ننگ و عار آن در طول تاریخ برایتان باقی خواهد ماند. و داغ و نشانی آن با صدائی رسا به آیندگان خواهد رسید و عاقبت این فدک و غصب خلافت و سکوت شما، شما را به آتشی که بر دلها زبانه می کشد و بدانید که آنچه انجام می دهید در حضور خداوند است ( و بزودی ستمکاران می فهمند چه عاقبتی در انتظار آنهاست)(۱)

پس چون ابو بکر خطبه فاطمه را شنید، گفته های فاطمه بر او سنگین تمام شد، لذا بر منبر رفت و گفت(۲):

ای مردم! این چه سست عنصری است که در برابر هر سخنی که می شنوید، از شما می بینم؟! این ادعاها و آرزوها در زمان رسول خدا کجا بود؟ هر که شنیده

ص: ۵۵

---

۱- ۲۵۷. شعراء: آیه ۲۲۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۱ تحت عنوان: ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک (گزارشی از تاریخ درباره فدک) با ذکر سند از چند تن از راویان حدیث و تاریخ اهل سنت نقل می کند.. همچنین عمر رضا کحاله در همان کتاب جلد چهارم صفحه ۱۱۶ تا ۱۲۴ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را با اختلاف بسیار کم با خطبه ای که ابن ابی الحدید نقل کرده و ما آنرا در صفحه ۱۰۵ تا ۱۰۸ آوردیم نقل نموده است.

۲- ۲۵۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۴ و ۲۱۵ با ذکر سند .

بگویند و هر که دیده سخن بگوید!

آنکه سخن گفت روباه ماده ای بود که شاهدش دمش بود، آنچه اتفاق باعث ایجاد فتنه خواهد شد!!!

علی کسی است که می خواهد جنگ خلافت را از سر بگیرد و می گویند: این موضوع کهنه را پس از آنکه از هم مندرس شده تازه کنید! و برای این منظور از زنان کمک و یاری می طلبید، زنانی مانند ام طحال (۱) که محبوبترین افراد نزدش زن بدکاره و زناکار بود. (۲)

بدانید: که اگر می خواستم می گفتم، و اگر می گفتم صریح و روشن بیان می کردم ولی تا زمانی که کسی با من کار نداشته باشد من هم سکوت اختیار می کنم).

آنگاه بطرف انصار روی کرده و گفت | ((ای گروه انصار! گفته هایی از بی خردان شما به من رسیده ولی من شما را سزاوارترین افراد و ملتزم ترین آنان به پیمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم می دانم). ما به سوی شما مهاجرت کردیم و شما پناهمان دادی و یاریمان کردید. بدانید که

ص: ۵۶

---

۱- ۲۵۹. ام طحال: ام طحال زنی بدکاره در مزان جاهلیت بود که پرچم بدکاری بر فراز خانه اش نصب نموده بود و لذا به بدکاری ضرب المثل شد. ابن ابی الحدید ۲۱۵/۱۶.

۲- ۲۶۰. ابن ابی الحدید می گویند: این سخن را برای ((نقیب ابی یحیی جعفر بن ابی یحیی بن ابی یزید بصری)) خواندم و به او گفتم ابو بکر به چه کسی اینگونه کنایه و گوشه می زند؟ ((نقیب)) گفت: بلکه بگو به چه کسی چنین تصریح و بی پرده سخن می گویند: گفتم: اگر ابوبکر تصریح می کرد لازم نبود که از تو سوال کنم که مقصودش که بوده؟ نقیب خندید و گفت: مقصود ابوبکر ((علی بن ابی طالب)) است. گفتم آیا تمام آنچه ابوبکر گفته خطاب به علی بن ابی طالب است؟ نقیب گفت: آری فرزندانم! بحث، بحث خلافت و حکومت است. گفتم: در میان انصار چه گفتند؟ گفت آنان نیز گفتند: علی ترسیده که در میان مردم اضطراب و اختلاف ایجاد شود و لذا مردم از هرگونه اقدامی برحذر داشته اشد.

من، دست و زبانم در برابر کسانی که استحقاق آن را از ما نداشته باشند! بسته است.)

سپس از منبر پائین آمد. و فاطمه نیز بطرف منزلش حرکت نمود. (۱)

ابن ابی الحدید در جای دیگر می نویسد: فاطمه بر ای پس گرفتن فدک نزد ابی بکر رفت و چونکه فاطمه با ابی بکر سخن گفت، ابوبکر گریه کرد! و گفت: ((ای دختر رسول خدا، بخدا سوگند چیزی از پدرت به تو ارث نمی رسد. هیچ درهم و دیناری...)) فاطمه گفت: همانا فدک را رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من بخشید. ابوبکر گفت: چه کسی حاضر است به این مطلب شهادت بدهد؟

پس علی بن ابی طالب آمده و شهادت داد. سپس ام ایمن آمد و شهادت داد. سپس عمر بن الخطاب و عبد الرحمن بن عوف آمدند و شهادت دادن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فدک را بین مسلمانان تقسیم می کرد. ابوبکر گفت: راست و درست گفתי ای دختر رسول خدا (ص)

ص: ۵۷

---

۱- ۲۶۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۱ تحت عنوان: ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک (گزارشی از تاریخ درباره فدک) با ذکر سند از چند تن از راویان حدیث و تاریخ اهل سنت نقل می کند.

و راست گفت علی و راست گفت أم ایمن و راست گفت عمر! و راست گفت عبدالرحمن بن عوف! و این به خاطر آن است که مال تو از پدرت است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خرج شما را از فدک می داد و باقی را بین مسلمانان تقسیم می کرد و قسمتی از آن نیز در راه خدا می داد. پس تو می خواهی با فدک چه کنی؟ فاطمه گفت: می خواهم همان کنم که پدرم می کرد. ابوبکر گفت: برای تو بخدا سوگند می خورم که من انجام می دهم آنچه را پدرت انجام می داد! (۱)

## حدیث عایشه

عایشه گوید: (۲): بعد از آنکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت (۳) روزی فاطمه (۴) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (۵) کسی (۶) را (۷) نزد ابی بکر (۸) فرستاد (۹) و از وی خواست (۱۰) که ما ترک و میراث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۱۱) را (۱۲) که خداوند به پیامبر اختصاص (۱۳) داده بود، در اختیار

ص: ۵۸

- ۱- ۲۶۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۶ با ذکر سند.
- ۲- ۲۶۳. ابن دیبع در جلد چهارم تیسیر الوصول خود صفحه ۱۱ و ۱۲، حدیث اول در قسمت کتاب فرائض فصل سوم در ((میراث رسول الله و آنچه از خود باقی گذاشت)). با عبارت: پس فاطمه سخت در غضب شده و ابوبکر را ترک کرد و این غضب و متارکه ادامه داشت تا آنکه فاطمه از دنیا رفت. ابن دیبع پس از نقل این عبارت می نویسد: این روایت را صحاح خمسہ ترمذی آورده اند و لفظ و عبارت بخاری مختصرین عبارت می باشد.
- ۳- ۲۶۴. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.
- ۴- ۲۶۵. ابو السعادت ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام ((جامع الاصول الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء)) - کتاب چهارم - کتاب خلافت و امارت تحت عنوان ((ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه با عبارت ((فاطمه و عباس...)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت
- ۵- ۲۶۶. عنوان طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ابیها به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.
- ۶- ۲۶۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند \* ابی الفداء اسماعیل بن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((الدایه و النهایه)) چاپ ششم بیروت در جلد پنجم صفحه ۲۸۵ به نقل از ((بخاری)) در صحیح خود باب گفته پیامبر ((ما را ارثی نیست آنچه از ما باقی بماند صدقه است)) با ذکر سند از عایشه.
- ۷- ۲۶۸. بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه گوید: فاطمه و ((عباس)) نزد دبی بکر آمده و از او در خواست ارث خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را، کردند. همچنین محمد بن جریر طبری در گذشته سال ۳۱۰ هجری در متاب خود بنام ((تاریخ الامم و الملوک)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۴۴۸ در ضمن حوادث سال ۱۱ هجری با ذکر سند از عایشه گوید: فاطمه و ((عباس)) نزد دبی بکر آمده و از او در خواست ارث خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را، کردند. همچنین

ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه با عبارت فاطمه و عباس. \* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند با عبارت فاطمه و عباس.

۸- ۲۶۹. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تاوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری در حلب حرف الخاء کتاب الخلافه مع الاماره-باب اول-خلافه ابی بکر در جلد پنجم ص ۵۸۴ حدیث شماره ۱۴۰۶۹ با ذکر سند از عایشه.

۹- ۲۷۰. محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوه خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۱۰- ۲۷۱. ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه.

۱۱- ۲۷۲. ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ گوید: احمد بن حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند روایت یک اختلاف وجود دارد سپس ((احمد)) این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش و او از عروه عایشه -با اختلاف کم- آورده است.

۱۲- ۲۷۳. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۱۳- ۲۷۴. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

او قرار دهد (۱) و به او (۲) برگرداند (۳).

ابی هریره گوید: فاطمه خود نزد ابوبکر آمده و گفت: چه کسی از تو ارث می برد؟ ابوبکر گفت: خانواده و بچه هایم. فاطمه گفت: پس چرا من از پدرم ارث نبردم؟! (۴) لکن ابوبکر گفت: پیامبر گفته است (۵) که ما را ارثی (۶) نیست (۷) و ماترک ما و آنچه از ما باقی بماند (۸)، صدقه (۹) و جزء بیت المال (۱۰) است (۱۱)! و از پرداخت هر گونه (۱۲) چیزی (۱۳) به فاطمه (۱۴) خودداری کرد (۱۵) عایشه می گوید:

بخاطر همین بود که فاطمه ابوبکر را ترک گفته و تا زنده بود هرگز با وی سخن نگفت. (۱۶) به همین (۱۷) خاطر (۱۸) فاطمه رضی الله عنها از ابی بکر سخت (۱۹) ناراحت (۲۰) و غضبناک (۲۱) شد (۲۲) و با ناراحتی او را ترک کرد (۲۳) و با او هرگز صحبت نکرد (۲۴) و ابی بکر (۲۵) کناره گیری کرد (۲۶) و او را ترک (۲۷) کرد (۲۸) و حال آنکه

ص: ۵۹

۱- ۲۷۵. محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوه خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۲- ۲۷۶. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۳- ۲۷۷. ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الاثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه. \* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه. / شیخ حسین بن محمد بن دیار بکری در گذشته سال ۹۶۶ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الخمیس)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۷۳ با ذکر سند از ابی هریره.

۴- ۲۷۸. ((ابن اثیر)) در جلد دهم ((جامع الاصول)) صفحه ۳۸۸ حدیث شماره ۷۴۱۸ از ((ترمذی)) از ابی هریره. \* شیخ حسین بن محمد بن دیار بکری در گذشته سال ۹۶۶ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الخمیس)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۷۳ با ذکر سند از ابی هریره.

۵- ۲۷۹. ابوزید عمر بن شهبه نمیری بصری در گذشته سال ۲۶۲ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ المدینه المنوره)) چاپ ۱۴۱۰ هجری در جلد اول ص ۱۹۸ با ذکر سند از ((ابی سلمه)) نقل می کند که می گفت: همان فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد ابی بکر آمده و این مطلب را به یاد ابی بکر آورد که: ((فدک را پیامبر به وی بخشیده چرا که فدک ملکی بود که خداوند به پیامبر اختصاص داده بود.)) لکن ابوبکر گفت: من از پیامبر شنیدم که گفت: ((پیامبران را ارثی نیست)) فاطمه در جواب وی گفت: ای ابابکر! آیا دختران تو از تو ارث ببرند و دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از وی ارث نبرند؟ ابوبکر گفت: آری چنین است!

۶- ۲۸۰. نور الدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار



المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان ((طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ایها)) به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.

۷- ۲۸۱. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۸- ۲۸۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند.

۹- ۲۸۳. ((ابن اثیر)) در جلد دهم ((جامع الاصول)) صفحه ۳۸۶ تحت عنوان احکام الفرائض و ذکر الوارثین - فصل سوم در میراث رسول الله حدیث شماره ۷۴۱۷ از مسلم در صحیح و ابی داود و نسائی در سنن آنها به نقل از عایشه. \* ابو عبدالله عبدالرحمن ابن دبیع شیبانی در گذشته سال ۹۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت ((کتاب الخلافه و الاماره)) از عایشه.

۱۰- ۲۸۴. ابو السّیّعات ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام ((جامع الاصول الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء)) - کتاب چهارم - کتاب خلافت و امارت تحت عنوان (( ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه. \* ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه.

۱۱- ۲۸۵. محمد بن جریر طبری در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الامم و الملوک)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۴۴۸ در ضمن حوادث سال ۱۱ هجری با ذکر سند از عایشه \* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سند دیگر از عایشه.

۱۲- ۲۸۶. ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الاثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه.

۱۳- ۲۸۷. بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۱۴- ۲۸۸. ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه.

۱۵- ۲۹۰. ((احمد حنبل)) در صفحه ۱۰ از کتاب خود با ذکر سندی دیگر \* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه. \* ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((الدایه والنهایه)) چاپ ششم بیروت در جلد پنجم صفحه ۲۸۵ به نقل از بخاری در صحیح خود باب گفته پیامبر ((ما را ارثی نیست آنچه از ما باقی بماند صدقه است)). با ذکر سند از عایشه.

۱۶- ۲۹۱. ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((الدایه والنهایه)) چاپ ششم بیروت در جلد پنجم صفحه ۲۸۵ به نقل از بخاری در صحیح خود باب گفته پیامبر ((ما را ارثی نیست آنچه از ما باقی بماند صدقه است)). با ذکر سند از عایشه.

۱۷- ۲۹۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند.

۱۸- ۲۹۳. بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۱۹- ۲۹۴. ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود جلد ششم صفحه ۴۶ تحت عنوان ((ما رُوِيَ من امر فاطمه مع ابی بکر)) به نقل از ((بخاری)) و ((مسلم)) در صحیح خود با ذکر سند از عایشه.

۲۰- ۲۹۵. ((احمد حنبل)) در صفحه ۱۰ از کتاب خود با ذکر سندی دیگر\* ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدر آباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه\* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه می گوید: و این روایت را نیز از بخاری در صحیح خود از ابی الیمان آورده است.

۲۱- ۲۹۶. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه\* ابو الیسعادات ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام ((جامع الاصول لاحادیث الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء)) - کتاب چهارم - کتاب خلافت و امارت تحت عنوان ((ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه\* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند\* ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه\* علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تاوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلفاء مع الأماراء - باب اول - خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۵۸۴ حدیث شماره ۱۴۰۶۹ با ذکر سند از عایشه\* ورالدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان ((طلب فاطمه من ابی بکر صدقات اییها)) به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.

۲۲- ۲۹۷. محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوة خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه نکته جالب توجه آنکه همین بخاری در همین کتاب خود روایتی از پیلمبر با چند طریق نقل می کند که پیامبر فرمود: فاطمه پاره تن من است هر که او را بیازارد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده و به غضب در آورده است و در قرآن کریم چنین آمده که ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخره و اعدلهم عذابا مهینا یعنی کسانی که خدا و رسول را اذیت کنند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت می کند و برای آنان عذابی دردناک مهیا نموده است!!\* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه\* ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ((ابن کثیر)) در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبوه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ گوید: احمد حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند یک اختلاف وجود دارد سپس ((احمد)) این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش... از عروه از عایشه - با اختلاف کم - آورده است.

- ۲۳- ۲۹۸. ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود جلد ششم صفحه ۴۶ تحت عنوان ((ما رُوِيَ من امر فاطمه مع ابی بکر)) به نقل از ((بخاری)) و ((مسلم)) در صحیح خود با ذکر سند از عایشه.
- ۲۴- ۲۹۹. بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه. \* ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود جلد ششم صفحه ۴۶ تحت عنوان ((ما رُوِيَ من امر فاطمه مع ابی بکر)) به نقل از ((بخاری)) و ((مسلم)) در صحیح خود با ذکر سند از عایشه.
- ۲۵- ۳۰۰. محمد بن جریر طبری در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الامم و الملوک)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۴۴۸ در ضمن حوادث سال ۱۱ هجری با ذکر سند از عایشه.
- ۲۶- ۳۰۱. بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.
- ۲۷- ۳۰۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند.
- ۲۸- ۳۰۴. نور الدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان طلب فاطمه من ابی بکر صدقات اییها به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.

شش (۱) ماه (۲) بعد از پیامبر (۳) زنده بود (۴) و دیگر تا زنده بود (۵) با وی صحبت نکرد. (۶) و با او سخن (۷) نگفت (۸)! و این ناراحتی ادامه داشت (۹) تا فاطمه (۱۰) از دنیا (۱۱) رفت. (۱۲)

و همانا فاطمه از دنیا رفت در حالی که بر ابی بکر (۱۳) و عمر به سختی غضبناک (۱۴) بود (۱۵) و این غضب در حدی بود (۱۶) که وصیت کرد که عمر و ابوبکر بر او نماز نخوانند. (۱۷)

## عیادت

ابن قتیبه دینوری می نویسد:

پس از چندی که گذشت عمر به ابی بکر گفت: بیا تا نزد فاطمه برویم، چرا که ما او را به غضب در آوردیم. پس به اتفاق یکدیگر نزد فاطمه رفته و از او اجازه ورود گرفتند لکن فاطمه به آنها اجازه ورود نداد ناچار نزد علی آمده و با او سخن گفتند؛ تا آنکه علی آنها را بر

ص: ۶۰

۱- ۳۰۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند نظریه شش ماه از اهل سنت نقل شده است ولی شیعه معتقد است که آنحضرت بعد از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بین ۴۵ روز یا ۷۵ روز یا ۹۵ روز بیشتر زنده نبود.

۲- ۳۰۶. ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدر آباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه\* ابو عبدالله عبد الرحمن ابن دیبع شیبانی در گذشته سال ۹۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت ((کتاب الخلافه و الاماره)) از عایشه.

۳- ۳۰۷. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۱۵ تحت عنوان ((الوفاه)) وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند می نویسد: و پیامبر فرزندی از خود باقی نگذاشت مگر فاطمه و فاطمه هم بعد از رحلت پیامبر چهل شب بیشتر زنده نماند.

۴- ۳۰۸. محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوه خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۵- ۳۰۹. بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۶- ۳۱۰. احمد بن حنبل امام حنبله در گذشته سال ۲۴۱ هجری در کتاب خود بنام ((المسند)) چاپ بیروت (در حاشیه کتاب منتخب کنز العمال) جلد اول صفحه ۹ و ۱۰ و با ذکر سند از عروه پسر زبیر\* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۷- ۳۱۱. ابو السعادت ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام ((جامع الاصول الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء)) - کتاب چهارم - کتاب خلافت و امارت تحت عنوان (( ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه.

۸- ۳۱۲. ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه. \* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند. \* ابو عبدالله عبد الرحمن ابن دیبع شیبانی در گذشته سال ۹۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت ((کتاب الخلافة و الاماره)) از عایشه.

۹- ۳۱۳. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سند دیگر از عایشه و گوید: این حدیث را بخاری در صحیح خود از اویسی و همچنین مسلم در صحیح خود از طریق دیگر نیز نقل کرده اند.

۱۰- ۳۱۴. ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در کتاب دیگر خود بنام ((السیره النبویه)) جلد چهارم صفحه ۴۹۶ تحت عنوان ((قصه سقیفه)) می گوید: آری! فاطمه زنی مانند زنان بنی آدم بود! وی سخت غضبناک شد و هرگز تا زنده بود با ابوبکر صدیق! صحبت نکرد.

۱۱- ۳۱۵. ((ابن اثیر)) در جلد دهم ((جامع الاصول)) ۹ خود صفحه ۳۸۶ تحت عنوان احکام الفرائض و ذکر الوارثین - فصل سوم در میراث رسول الله حدیث شماره ۷۴۱۷ از مسلم در صحیح و ابی داود و نسائی در سنن آنها به نقل از عایشه.

۱۲- ۳۱۶. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سند دیگر از عایشه. \* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند. \* ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه. \* ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ گوید: احمد حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند روایت یک اختلاف وجود دارد سپس ((احمد)) این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش از عروه از عایشه - با اختلاف کم - آورده است. و این روایت را تحقیقا<sup>۱۱</sup> بخاری در کتاب مغازی صحیح خود آورده با اضافه اینکه: چون که فاطمه از دنیا رفت علی او را شبانه به خاک سپرد و ابوبکر را برای حضور اذن نداد و خود علی بر فاطمه نماز خواند. \* شیخ حسین بن محمد بن دیار بکری در گذشته سال ۹۶۶ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت (( کتاب الخلافة و الاماره)) از عایشه. ابن دیبع پس از نقل این روایت می نویسد: اینم روایت را مسلم و بخاری آورده اند و عبارت از مسلم آورده است.

۱۳- ۳۱۷. نور الدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ایها به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه. سمهودی پس از نقل این روایت می نویسد: این روایت را ((ابن شَبَه)) نیز نقل کرده است و لفظش اینگونه است: همانا فاطمه که خداوند تعالی از او راضی باشد کسی را نزد ابوبکر فرستاد و از او خواست که میراثش از پیامبر را به او باز گرداند پس ابوبکر از پرداخت هر گونه چیزی به فاطمه خودداری کرد به همین خاطر فاطمه بر ابی بکر سخت

غضبناک شد و او را ترک کرده و با او هرگز سخن نگفت تا از دنیا رفت. همچنین سمهودی در صفحه ۹۹۶ همان کتاب می گوید: و در روایتی دیگر از «ابن شَبّه» آمده است که: فاطمه و عباس نزد ابی بکر آمدند چنانچه در روایت صحیح بخاری نیز آمده است و در آن روایت آمده است که: «پس فاطمه ابوبکر را ترک کرد و با او هرگز صحبت نکرد تا از دنیا رفت.»

۱۴-۳۱۸. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۵۳ چنین می گوید: آنچه که سید مرتضی (بعنوان اثبات غضب فاطمه بر ابی بکر) آورده است دلالت نمی کند مگر آنکه فقط زمان ملاقات (فاطمه با ابی بکر) این غضب از فاطمه بر ابوبکر حاصل شده است و این اخبار دلالت بر آن ندارد که بعد از آنکه فاطمه از نزد ابوبکر خارج شد هنوز هم غضبناک بوده لکن من اعتقاد ندارم که فاطمه با رضایت از نزد ابوبکر خارج شده باشد - چنانچه قاضی القضاة گفته است - بلکه به من ثابت شده و می دانم که فاطمه با غضب از نزد ابوبکر خارج شد و از دنیا رفت در حالی که بر ابوبکر غضبناک بود لکن نه از این خبر بلکه از اخبار دیگر و بر سید مرتضی هم سزاوار بود که به آن روایات استدلال کند که مستقیماً دلالت بر خارج شدن و غضبناک بودن فاطمه از نزد ابوبکر می کند.

۱۵-۳۱۹. ابن کثیر در گوید: احمد حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند روایت یک اختلاف وجود دارد سپس «احمد» این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش از عروه از عایشه - با اختلاف کم - آورده است.

۱۶-۳۲۰. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۶۴ از ابوعثمان جاحظ نقل می کند که گفته است: و این مطلب واضح و روشن است که فاطمه سخت غضبناک بود و این غضب فاطمه به حدی رسید بود که وصیت نمود که ابوبکر بر او نماز نخواند.

۱۷-۳۲۱. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد ششم شرح خود صفحه ۵۰ و می گوید: این مطلب نزد من صحیح و ثابت است.

فاطمه وارد کرد. پس همین که آندو نزد فاطمه صورت خود را به دیوار برگرداند. در این هنگام فاطمه صورت خود را به دیوار برگرداند. در این هنگام آندو به فاطمه سلام کردند لکن جواب سلامشان را نداد، لذا ابوبکر شروع به سخن کرده و گفت:

ای حبیبۀ رسول خدا! آیا ما در مورد ارث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین در مورد شوهرت تو را به غضب در آوریم؟! فاطمه گفت: چه می شود تو را، که اهل و خانواده ات از تو ارث ببرند لکن ما از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ارث نبریم؟ سپس فاطمه گفت: آیا اگر حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به یاد شما بیاورم قبول می کنید و به ان اعتقاد پیدا می کنید؟ عمر و ابی بکر گفتند: آری! پس فاطمه گفت: شما را به خدا قسم آیا از پیامبر نشنیدید که می گفت: ((رضایت فاطمه، رضایت من و غضب فاطمه، غضب من است. پس هر کس فاطمه دختر مرا دوست بدارد همانا مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را راضی کند مرا راضی کرده است و هر کس فاطمه را به غضب در آورد همانا مرا به

عمر و ابی بکر گفتند: آری! شنیده ایم از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فاطمه گفت: پس همانا من، خداوند و ملائکه را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا بسخط و غضب در آوردید و مرا راضی نکردید، و هر گاه پیامبر را ملاقات کنم از شما دو نفر به او شکایت خواهم کرد!! در این هنگام، ابوبکر شروع به گریه کرد در حالی که فاطمه می گفت: بخدا قسم! تو را (ابوبکر) در هر نمازی که بخوانم نفرین خواهم کرد. (۱)

عمر رضا کحاله در این باره چنین می نویسد:

سپس عمر به ابوبکر گفت: بیا با هم به سراغ فاطمه برویم، چرا که ما او را غضبناک کردیم: پس به اتفاق یکدیگر به خانه فاطمه رفتند و از وی اجازه ورود خواستند، ولی فاطمه به آندو اجازه ورود نداد. پس به علی رفته و با وی صحبت کردند، علی آندو را نزد فاطمه برد. وقتی آندو نزد فاطمه نشستند وی روی

ص: ۶۲

---

۱ - ۳۲۳. عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت، معاصر، در کتاب خود بنام «اعلام النساء» چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴ - قسمت حرف «فاء» فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.



خویش را از آنان بطرف دیوار برگرداند، سپس عمر و ابوبکر به فاطمه سلام کردند، ولی فاطمه جواب سلام آندو را نداد؛ ابوبکر شروع به سخن گفتن کرد. پس از آنکه سخنان ابوبکر تمام شد.

فاطمه گفت: آئی اگر حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شما بخوانم به آن عمل می کنید؟ عمر و ابوبکر به فاطمه گفتند: آری! فاطمه گفت: شما را به خدا قسم، آیا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این حدیث را نشنیدید که می فرمود: رضای فاطمه رضای من است و سخط و غضب از سخط و غضب من است، هر که فاطمه را دوست بدارد همانا مرا دوست داشته و هر که فاطمه را دوست بدارد همانا مرا دوست داشته و هر که فاطمه را به غضب آورد همانا مرا به غضب آورده است؟ آندو گفتند: آری! شنیده ایم. فاطمه گفت: همانا خدا و ملائکة او را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا به غضب در آوردید و رضای خاطر مرا به جای نیاوردید؛ زمانی که

رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را ملاقات کنم از شما دو نفر نزد او شکایت خواهم نمود!<sup>(۱)</sup>

عبد الفتاح عبد المقصود می نویسد<sup>(۲)</sup>:

ابوبکر پیوسته برای دیدن از علی و فاطمه دست و پا می زد تا اینکه آن دو را از خود راضی کند. لکن عمر در این خصوص به او راه نمی داد تا آنکه بالاخره رأی عمر را طبق نظر خود جلب نمود و به اتفاق بطرف خانه علی و فاطمه حرکت کردند از فاطمه اجازه ورود و ملاقات خواستند، لکن وی اجازه نداد! دو مرتبه اجازه خواستند باز هم اجازه نداد! تا اینکه بالاخره با درخواست علی از فاطمه بر وی وارد شدند و به او سلام کردند اما فاطمه جواب آنها را نداد!! پیش آمده در مقابل او نشستند لکن فاطمه روی خود را از آن دو بطرف دیوار برگرداند!!

فاطمه در حالی که ابوبکر را مخاطب قرار داده لکن روی سخن وی با هر دوی آنها بود گفت: آیا اگر حدیثی از

ص: ۶۴

- 
- ۱- ۳۲۳. عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت، معاصر، در کتاب خود بنام «اعلام النساء» چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴ - قسمت حرف «فاء» فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.
  - ۲- ۳۲۴. عبد الفتاح عبد المقصود در کتاب الامام علی بن ابی طالب جلد اول صفحه ۱۹۲.

احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیاد شما بیاورم آن را قبول کرده و به آن عمل می کنید؟ ابوبکر و سپس عمر جواب دادند: آری! فاطمه گفت: شما را بخدا قسم می دهم! آیا نشنیدید از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که می گفت: رضایت فاطمه در رضایت من و سخط و غضب فاطمه در سخط و غضب من است، پس هر کس فاطمه دختر مرا دوست بدارد پس بتحقیق مرا دوست داشته است و هر کس فاطمه را راضی بدارد هر آینه مرا راضی داشته است و هر کس فاطمه را به سخط و غضب در آورد بتحقیق مرا بسخط و غضب در آورده است؟ ابوبکر و عمر گفتند: آری بدون شک این حدیث را از رسول خدا را شنیده ایم!! در این هنگام صورت خود و سپس دو دست خود را به آسمان بلند کرده و با سوز و ناله ای آتش زننده گفت: ((پس همانا من خدا و ملائکه و او را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا به سخط و غضب در آوردید و هرگز مرا راضی نگاه نداشتید!! هرگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را ملاقات

کردم از شما دو نفر به او شکایت خواهم کرد))<sup>(۱)</sup>

## احتضار

روزی از روزهایی که فاطمه در بستر بیماری بود عده ای از زنان پیامبر و زنان دیگر قریش به عیادت وی آمدند و گفتند: حالت چگونه است؟ فاطمه گفت: حالم آنگونه است که بخدا قسم از دنیای شما بیزارم، و از این که از میان شما می روم مسرور!! خدا و رسولش را در حالی ملاقات می کنم که از شما شکایت دارم چرا که هیچ حقی را از من، حفظ نکرده و مراعات نکردید، هیچ ذمه ای از من را رعایت نکردید و هیچ وصیتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در مورد من قبول نکردید و حرمت مرا نشناختید.<sup>(۲)</sup> گفتند ای دختر رسول خدا! بر ما منت گذار و اجازه بده در مراسم غسل تو شرکت کنیم! فاطمه گفت: آیا شما همانهایی نیستید که می گوئید

ص: ۶۶

---

۱- ۳۲۵. عبد الفتاح عبدالمقصود در کتاب الامام علی بن ابی طالب جلد اول صفحه ۱۹۲.

۲- ۳۲۶. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در تاریخ خود چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۱۵ تحت عنوان «الوفاه» وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ذکر سند.

آنچه را در مورد مادرم خدیجه گفتید و انجام دادید؟

نه! هیچ احتیاجی به حضورتان ندارم. (۱)

پس چون فاطمه به حالت احتضار (لحظة قبل از فوت) رسید، وصیت کرد که ابوبکر و بر او نماز نخواند (۲) و شبانه دفن شود. (۳) و وصیت کرد که ابوبکر و عمر بر او نماز نخوانند. (۴) فاطمه که در بستر بیماری آخرین روزهای زندگی خود را می گذراند (۵) به أسماء بنت عمیس گفت: ای أسماء! همانا من دوست ندارم که پس از مرگم چنان کنند که با زنان انجام می دهند که پارچه ای بر روی بدن زن می اندازند لکن حجم بدن او پیدا می باشد. اسماء گفت: ای دختر رسول خدا! در سرزمین حبشه چیزی برای میت درست می کنند، آیا می توانم ان را به شما نشان دهم؟ سپس اسماء مقداری برگ مرطوب خرما را به یکدیگر پیچیده و پارچه ای بر روی آنها انداخت. فاطمه گفت: چه زیبا و نیکوست اینگونه، چرا که میت در این

ص: ۶۷

- 
- ۱- ۳۲۷. یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در تاریخ خود چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۱۵ تحت عنوان «الوفاه» وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ذکر سند.
  - ۲- ۳۲۸. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۶۴ از ابوعثمان جاحظ.
  - ۳- ۳۲۹. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان «ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک» به نقل از ابوبکر جوهری.
  - ۴- ۳۳۰. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد ششم شرح خود صفحه ۵۰ و می گوید: این مطلب نزد من صحیح و ثابت است.
  - ۵- ۳۳۱. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

صورت مشخص نیست که زن است یا مرد. ای اَسْمَاء! زمانی که من از دنیا رفتم تو و علی مرا غسل دهید، و به اجازه ورود به هیچ کس ندهید. (۱)

و أم سلمه می گوید:

روزی از روزهایی که فاطمه دختر رسول (خدا صلی الله علیه و آله و سلم) در مرضی سخت خود بسر می برد- پس از آنکه علی بن ابی طالب برای انجام کارهای خود از خانه خارج شد- به من گفتم: مقداری آب برای غسل کردن برایم آماده کن!

أم سلمه می گوید: آب برای غسل کردن آماده کردم! پس فاطمه شروع به شستشو و غسل نمود آنهم با بهترین صورت غسل کردنی که من از او دیدم! سپس فرمود: بهترین لباس مرا حاضر کن!

ام سلمه گوید: لباس را آوردم، آنرا پوشید سپس به اطاق خود رفت و فرمود: بسترم را در وسط اطاق پهن کن پس بستر او را آوردم و پهن نمودم!! سپس وی

ص: ۶۸

---

۱- ۳۳۲. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه- ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی اَسْمَاء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

خواهید و دست راست خود را زیر صورت خود گذاشت و سپس روی به طرف قبله کرد و به من فرمود: همانا من اکنون از دنیا خواهم رفت پس هیچ کسی را بر من حاضر نکن! و احدی مرا غسل ندهد چرا که علی مرا غسل خواهد داد!

أم سلمه گوید: در همان مکان فاطمه از دنیا رفت! وقتی علی به خانه برگشت آنچه فاطمه فرموده بود و دستور داده بود را به او گفتم!

پس علی گفت: بخدا قسم! احدی را نخواهم گذاشت که بر جنازه او حاضر شود! پس او را غسل داده و دفن نمود درحالی که هیچ کس در مراسم او حاضر نبود!<sup>(۱)</sup>

## شهادت

انس گوید: بخدا قسم فاطمه که خداوند از او راضی باشد بعد از وفات پدرش (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز خنده ای از او دیده

ص: ۶۹

---

۱- ۳۳۳. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

زمانی که فاطمه از دنیا رفت در همان روز عایشه آمد و خواست بر جنازه فاطمه وارد شود لکن ((أسماء بنت عمیس)) - کنیز فاطمه - از ورود عایشه به حجره جلوگیری کرد و گفت: داخل نشو! (۲)

عایشه نزد پدرش ابی بکر، رفت و از ((أسماء)) شکایت کرد! و گفت: این زن خُثعمیه از ورود من نزد دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) جلوگیری می کند و بین ما و دختر پیامبر حائل شده (۳).

ابوبکر آمد و در آستانه درب خانه فاطمه ایستاد و دید که أسماء چیزی مانند هودج عروس ساخته است! گفت: ای ((أسماء))! به چه علت از ورود زنان پیامبر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جلوگیری می کنی؟ چرا نمی گذاری زنان پیامبر وارد بر دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می شوند؟ و این هودجی که ساخته ای چیست؟ و چرا برای فاطمه چیزی مثل هودج عروس درست کرده ای؟ أسماء گفت: خود فاطمه به من

ص: ۷۰

---

۱- ۳۳۴. شبلنجی در گذشته اوئل قرن چهاردهم در کتاب خود بنام «نور الأبصار» صفحه ۴۷ چاپ مصر از آنس.

۲- ۳۳۵. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳- ۳۳۶. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».



دستور داده که کسی را بر او وارد نکنم و این چیزی که ساخته ام در زمانی که زنده بود به او نشان دادم و او دستور داد برای او چنین کنم، فاطمه به من دستور داد که برای او چنین هودجی بسازم (۱) ابوبکر گفت: آنچه فاطمه به تو دستور داده انجام بده سپس برگشت. (۲)

زمانی که فاطمه از دنیا رفت تمام زنان پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در مراسم تغزیه بنی هاشم شرکت نمودند مگر عایشه، که خود را به مریضی زده و در مراسم تغزیه شرکت نکرد و و کلامی نیز از عایشه به علی منتقل شد که حاکی از آن بود که عایشه از مرگ فاطمه خوشحال شده (۳).

## غسل

و فاطمه را علی و أسماء غسل دادند و هیچکس دیگر در مراسم غسل و دفن فاطمه حاضر نبود. (۴)

## پشیمانی ابی بکر دم مرگ

تا آنکه ابابکر دو سال و چند ماه حکومت کرد، و پانزده

ص: ۷۱

---

۱- ۳۳۷. عمر رضا کحاله در کتاب «اعلام النساء» جلد چهارم صفحه ۱۳۱ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴. \* حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه- ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۲- ۳۳۸. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه- ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳- ۳۳۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد نهم صفحه ۱۹۸ تحت عنوان «ماجرت بین فاطمه علیها السلام و علی و عایشه» با ذکر سند از قول شیخ ابی یعقوب ابن ابی الحدید در پایان کلام شیخ ابی یعقوب می گوید: این خلاصه ای از گفتار شیخ ابی یعقوب که خدیش رحمت کمند و بدانکه ابی یعقوب شیعه نبود بلکه سنی معتزلی متعصبی بود.

۴- ۳۴۰. حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه- ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

روز قبل از آنکه از دنیا برود مریض شد (۱)، زمانی ابوبکر پسر ابی قحافه (۲) مریض شد (۳) در همان مرضی که مُرد، چون به حالت احتضار رسید (۴) ((عبد الرحمن بن عوف)) به عیادت او رفته (۵) و از او پرسید ای خلیفه پیامبر! حالت چگونه است؟ ابوبکر بسختی در بستر نشست (۶) عبد الرحمن گوید به او گفتم الحمد لله حالت خوب است (۷) ابوبکر گفت همانا درد شدید بر من غلبه کرده است. بخدا قسم بر هیچ چیز دنیا تأسف نمی خورم مگر بر سه چیز که انجام دادم، و ای کاش آن سه را انجام نداده بودم.

ای کاش خانه علی را بحال خود وا می گذاشتم (۸)! ای کاش قلاده خلافت را به گردن نینداخته بودم (۹)! ای کاش خانه فاطمه را تفتیش نکرده بودم (۱۰) و مورد هجوم آن عده قرار نداده بودم (۱۱) ای کاش به خانه فاطمه بی احترامی نکرده بودم (۱۲) ای کاش به خانه فاطمه حمله نشده بودم و آنجا را ترک می کردم (۱۳)

ص: ۷۲

۱ - ۳۴۱. «أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی» در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «مروج الذهب» چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۹۴، تحت عنوان ذکر نسبه و لمع من اخباره و سیره «نسب ابی بکر و گوشه هایی از سیره و روش حکومتی و حوادث زمان وی» در قسمت مرض ابی بکر «مریضی ابوبکر».

۲ - ۳۴۲. ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنباع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۳ - ۳۴۳. یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان آیام ابی بکر «دوران حکومتی ابوبکر».

۴ - ۳۴۴. «أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی» در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «مروج الذهب» چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۹۴، تحت عنوان ذکر نسبه و لمع من اخباره و سیره «نسب ابی بکر و گوشه هایی از سیره و روش حکومتی و حوادث زمان وی» در قسمت مرض ابی بکر «مریضی ابوبکر».

۵ - ۳۴۵. یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان آیام ابی بکر «دوران حکومتی ابوبکر».

۶ - ۳۴۶. ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنباع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۷ - ۳۴۷. ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنباع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

- ۸- ۳۴۸. «محمد بن جریر طبری» در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام «تاریخ الامم و الملوک» در حوادث سال ۱۳ هجری، در جلد دوم صفحه ۶۱۹، چاپ بیروت، تحت عنوان ذکر اسماء قضات و کتابه و عماله علی الصیدقات «گزارشی از اسامی قضات و حسابداران و رؤسای مالیاتی در زمان ابوبکر» به نقل از یونس بن عبدالاعلی و او از یحیی بن عبدالله بن بکیر و او از لیث بن سعد و او از صالح بن کیسان و او از عمر بن عبدالرحمن و او از پدرش عبدالرحمن بن عوف.
- ۹- ۳۴۹. یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان آیام ابی بکر «دوران حکومتی ابوبکر».
- ۱۰- ۳۵۰. «أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی» در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «مروج الذهب» چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۹۴، تحت عنوان ذکر نسبه و لمع من اخباره و سیره «نسب ابی بکر و گوشه‌هایی از سیره و روش حکومتی و حوادث زمان وی» در قسمت مرض ابی بکر «مریضی ابوبکر».
- ۱۱- ۳۵۱. «ابن أبی الحدید معتزلی» در شرح خود بر نهج البلاغه جلد هفدهم صفح ۱۶۸ تحت عنوان ذکر ما طعن به الشیعه فی امامه ابی بکر و الجواب عنها «در بیان آنچه شیعه به امامت ابی بکر اعتراض می کند و جواز از آنها» در اعتراض دوم شیعه، می نویسد: اما حدیث «حملة به خانه فاطمه»، را قبلاً ذکر کردیم، و ظاهر نزد من آن است که آنچه سید مرتضی (در کتاب شافی) و شیعه می گوید صحیح می باشد لکن نه هرچه آنها می گویند بلکه بعضی از آن، و ابوبکر هم حق داشت که از این کار اظهار ندامت و پشیمانی کند و از این کرده خود ناراحت باشد. لکن این ندامت و پشیمانی وی حاکی از محکم بودن دین وی و ترس وی از خدا می باشد!! پس این پشیمانی ابوبکر بهتر است جزو مناقب وی بشمار رود تا در مطاعن وی!!
- ۱۲- ۳۵۲. «محمد بن جریر طبری» در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام «تاریخ الامم و الملوک» در حوادث سال ۱۳ هجری، در جلد دوم صفحه ۶۱۹، چاپ بیروت، تحت عنوان ذکر اسماء قضات و کتابه و عماله علی الصیدقات «گزارشی از اسامی قضات و حسابداران و رؤسای مالیاتی در زمان ابوبکر» به نقل از یونس بن عبدالاعلی و او از یحیی بن عبدالله بن بکیر و او از لیث بن سعد و او از صالح بن کیسان و او از عمر بن عبدالرحمن و او از پدرش عبدالرحمن بن عوف.
- ۱۳- ۳۵۳. ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحْمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزنابع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

اگر چه بر علیه من پیمان جنگ (۱) در آنجا بسته می شد (۲) و با من اعلان جنگ می کردند (۳).

## استدراکات

(۴)

((عمر بن الخطاب! وقتی به حکومت رسید روزی بر منبر رفت و گفت: از حوادثی که زمان رحلت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) رخ داد، آن بود که، ((علی)) و ((زبیر)) و عده ای با آندو از بیعت با ما سرپیچی کردن و در خانه فاطمه جمع شده بودند)) (۵).

(۶)

در زمانی که عمر به حکومت رسید روزی بر منبر رفت و گفت: از اخباری که نزد ماست آن است که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا علی و زبیر از بیعت با ما تخلف کرده و در خانه فاطمه با عده ای جمع شده بودند (۷).

ص: ۷۳

۱- ۳۵۴. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان «متقی هندی» تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال» چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف «حاء» الخلافه مع الاماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء - خلافت اُبی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۳۱ حدیث شماره ۱۴۱۱۳ با ذکر سند از عبدالرحمن بن عوف.

۲- ۳۵۵. ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحْمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنْبَاع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۳- ۳۵۶. ابن قتیبه در کتاب «الامامه و السیاسه» جلد ۱ صفحه ۱۸ تحت عنوان ذکر السقیفه و ما جرى فیها من القول «گزارشی از سقیفه و گفتارها در آن» با ذکر سند از عبدالله بن عبدالرحمن انصاری. \* یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان اُیّام اُبی بکر «دوران حکومتی ابوبکر». \* «محمد بن جریر طبری» در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام «تاریخ الامم و الملوک» در حوادث سال ۱۳ هجری، در جلد دوم صفحه ۶۱۹، چاپ بیروت، تحت عنوان ذکر اسماء قضاته و کتّابه و عمّاله علی الصّیّدقات «گزارشی از اسامی قضات و حسابداران و رؤسای مالیاتی در زمان ابوبکر» به نقل از یونس بن عبدالاعلی و او از یحیی بن عبدالله بن بکیر و او از لیث بن سعد و او از صالح بن کیسان و او از عمر بن عبدالرحمن و او از پدرش عبدالرحمن بن عوف. \* ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحْمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنْبَاع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از

«حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن. \* ابن ابی الحدید معتزلی» در جلد دوم صفحه ۴۶ و ۴۷ شرح خود عیادت عبدالرحمن را با تمامی آنچه در این روایت هست را از و «احمد» و «میرد» در کتاب «کامل» خود از «عبدالرحمن بن عوف» نقل کرده است. \* همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۵۱ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از لیث بن سعد این روایت را نقل کرده است. \* همچنین «ابن ابی الحدید معتزلی» در شرح خود بر نهج البلاغه جلد هفدهم صفحه ۱۶۴ این روایت را نقل کرده است. و پس از نقل این روایت می نویسد: این گفته ابوبکر دلالت بر صحیح بودن آنچه که روایت شده: از اقدامی که بر خانه فاطمه کرد - همان موقعی که «علی» و زبیر و غیر این دو در خانه (دست به مبارزه منفی زده بودند - می کنند. و همچنین دلالت بر این مطلب دارد که ابوبکر حق را به غیر خود داده نه بخود!! \* ولی الله بن مولی عبدالرحیم عمری أبو عبدالعزیز دهلوی هندی حنفی در گذشته سال ۱۱۷۶ هجری در کتاب خود بنام «إزالة الخفاء» چاپ لاهور ۱۳۹۶ هجری جلد دوم صفحه ۲۹ و همچنین در کتاب دیگر خود بنام «قره العینین» صفحه ۷۸ با ذکر سند از أسلم. \* همچنین ولی الله بن مولی عبدالرحیم عمری ابو عبدالعزیز دهلوی هندی حنفی در گذشته سال ۱۱۶۷ هجری در کتاب خود بنام «قره العینین» صفحه ۷۸ با ذکر سند از أسلم.

۴-۱. در ادامه به اسناد و مدارک خواهیم پرداخت.

۵-۳۵۷. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۶ گوید: روایت کرد برایم «علی بن مسلم» که گفت: روایت کرد برای ما «عبادین عباد» که او گفت: روایت کرد برای ما «عبادین راشد» که او گفت: روایت کرد برای ما «زهوی» و او از «عبیدالله بن عتبه» و او از «ابن عباس».

۶-۲. أبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن ((ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان قصه السقیفه با ذکر سند از ((وهیب)).

۷-۳۵۸. ابن ابی الحدید در جلد دوم شرح خود صفحه ۲۳ به نقل از ابوجعفر محمد بن جریر طبری در تاریخ خود از ابن عباس.

زمانی که عمر به حکومت رسید روزی بر فراز منبر رفته و گفت: همانا علی و زبیر و کسانی که با آن دو بودند به همراه عده ای از انصار از ما تخلف کرده و در خانه فاطمه رفتند و دست به مبارزه منفی زدند. (۲).

ابن ابی الحدید تحت عنوان ایراد کلام ابی المعالی الجوینی فی أمر الصّیحه و الرّد علیه ((نقل اعتراضات ابی المعالی جوینی در امور صحابه و رد بر آن)) به نقل از ابی المعالی جوینی می گوید (۴):

اگر گفته شود که:

خانه فاطمه بخاطر ((حفظ نظام اسلام)) و بخاطر جلوگیری از تفرقه میان مسلمانان مورد هجوم واقع شد و صیانتش شکسته شد چرا که مسلمانان آن زمان از دین بر می گشتند و دست از اطاعت بر میداشتند.

ص: ۷۴

---

۱- ۳. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).

۲- ۳۵۹. عزّ الدین ابی الحسن علی بن ابی الکرّم، محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی معروف به «ابن کثیر» در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام «الکامل فی التاریخ» چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.

۳- ۴. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریابن یحیی ضریر و او از ابوعوانه و او از داود بن عبدالله لاودی و او از حمید بن عبدالرحمن حمیری.

۴- ۳۶۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۶ و ۱۷ تحت عنوان ایراد کلام ابی المعالی الجوینی فی امر الصّحابه و الرّد علیه «نقل اعتراضات ابی المعالی جوینی در امور صحابه و رد بر آن» به نقل از ابی المعالی جوینی.

در جواب گفته می شود:

همین کلام و جواب را بدهید آنجا که: در جنگ جمل ((هودج عایشه)) مورد هتک واقع شد چرا که عایشه بر علیه خلیفه اصلی مسلمانان قیام کرده و هودج او مورد حمله قرار گرفت تا آنکه ریسمان اطاعت پاره نشود و اجتماع مسلمین از هم نپاشد و خون مسلمانان بهدر نرود...

پس وقتی که جایز باشد حمله به خانه فاطمه بخاطر امری که هنوز واقع نشده بود، بدون شک جایز است حمله به هودج عایشه بخاطر امری که قطعاً واقع شده بود.

چگونه هتک حرمت از هودج عایشه از گناهان کبیره، آنهم از گناهان کبیره ای که موجب ورود ابدی در جهنم است می باشد، و باید از انجام دهنده آن بیزاری جست و این بیزاری مهمترین ارکان ایمان بشمار می رود.

ص: ۷۵

لکن حمله به خانه فاطمه و ورود وحشیانه در منزلش و جمع آوری هیزم، و تهدید به آتش زدن، از ارکان ایمان بشمار می رود؛ و خداوند بوسیله این کار به مسلمانان عزت بخشید! و آتش فتنه و خونریزی با این کار خاتمه پیدا کرد!

چرا که اولاً "این کار ستون های دین را محکم نکرد! و ثانیاً" حرمت هر دو زن یکی بود! اگر نگوئیم که: حرمت فاطمه بیشتر و شأن و منزلت فاطمه بالاتر و صیانت او بخاطر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مهمتر بود. چرا که فاطمه پاره ای از پیامبر بود و جزئی از گوشت و خون آن حضرت بود. و فاطمه مانند زن نسبت به شوهر، اجنبیه نبود چرا که بین زن و شوهر نسبتی نیست مگر وصله ای آن هم بطور عاریه، و عقدی که بجای عقد اجازه منفعت جاری می شود...

نه! هرگز! چگونه عایشه یا غیر او، در منزلت با فاطمه یکسان باشد و حال آنکه تمام مسلمانان چه آنها که



فاطمه راد دوست دارند و چه آنکه فاطمه را دوست ندارند می دانند که فاطمه سیده زنان عالمیان می باشد؟! در پایان ابن ابی الحدید می نویسد: ابی المعالی جوینی چنین گفته با وجود آنکه او سنی متعصبی بود و هرگز احتمال شیعه در او داده نمی شود!<sup>(۱)</sup>

(۲)

ابن ابی الحدید معتزلی می گوید: مسعودی (مورخ مشهور) در ضمن داستان زندگینامه عبدالله بن زبیر گفته است:

سپس عبدالله بن زبیر، حسن بن محمد بن حنفیه رادر زندانی بسیار تاریک زندانی کرده و تصمیم به قتل او گرفت، لکن ((حسن)) حيله ای به کار زده و از زندان عبدالله فرار کرده و به کوه و بیابان زد تا آنکه به سرزمین ((منا))-- که پدرش ((محمد بن حنفیه)) در آنجا بود- رسید.

ص: ۷۷

---

۱- ۳۶۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۶ و ۱۷ تحت عنوان ایراد کلام ابی المعالی الجوینی فی امر الصّیّحابه و الرّد علیه «نقل اعتراضات ابی المعالی جوینی در امور صحابه و رد بر آن» به نقل از ابی المعالی جوینی، وی پس از نقل کلام جوینی می نویسد: جوینی در حالی چنین گفته که از سنّیان بسیار متعصب بود.

۲- ۵. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شبه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.

((عبدالله بن زبیر)) به قصد انتقام جویی، تمام بنی هاشم را در زندانی که شب و روز در آنجا بسیار سخت می گذشت زندانی کرده و سپس قصد سوزاندن آنها را کرد و دهانه زندان را مملو از هیزم کرد، لکن از طرفی ((مختار)) شخصی بنام ((ابوعبدالله خدیجی)) با چهار هزار نفر به طرف عبدالله بن زبیر روانه کرد... تا آنکه به آن زندان حمله کرده و تمام بنی هاشم را از آنجا نجات داد. (۱)

مسعودی می نویسد: روزی ((عروه بن زبیر)) برادر ((عبدالله بن زبیر)) از طرف وی در مورد زندان کردن بنی هاشم و جمع آوری هیزم برای آتش زدن آنها عذر خواهی می کرد و می گفت: برادرم عبدالله بخاطر آنکه در میان مسلمانان تفرقه نیفتد و اجتماع مسلمانان از هم نپاشد و اینکه همه را تحت اطاعت در آورد تا وحدت کلمه! در میان آنها ایجاد شود دست به چنین کاری زد همانطور که ((عمر بن الخطاب)) با بنی هاشم زمانی که

ص: ۷۸

---

۱ - ۳۶۲. «ابن ابی الحدید معتزلی» در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۴۶ تحت عنوان عبدالله بن زبیر و ذکر طرف من أخباره «نگاهی به زندگی عبدالله بن زبیر» به نقل از مسعودی می نویسد.

از بیعت با اَبی بکر خود داری کردند\_انجام داد و هیزم حاضر کرد تا خانه را بر آنها به آتش بکشد (۱).

(۲)

أبی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی می گوید: آنان در هجوم خود به خانه فاطمه سیده زنان را در پشت درب چنان فشردند که ((محسن)) را سقط کرد! (۳)

(۴)

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود به نقل از محمد بن اسحاق می گوید: (۵)

چون که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)) اراده کرد که ابی العاص را آزاد کند با او شرط کرد که زینب را به مدینه بفرستد (۶) زمانی که ابی العاص به مکه رسید به زینب گفت: آماده شو تا به پدرت در مدینه ملحق شوی! زینب شروع به آماده شدن کرد! ابی العاص، برادرش ((کنانه بن ربیع)) را

ص: ۷۹

---

۱- ۳۶۳. «ابن ابی الحدید معتزلی» در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۴۶ تحت عنوان عبدالله بن زبیر و ذکر طرف من أخباره «نگاهی به زندگی عبدالله بن زبیر» به نقل از مسعودی می نویسد.

۲- ۶. عَزَّ الْمَدِينِ ابی الحسن علی بن ابی الکریم، محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد شیبانی معروف به ابن اثیر در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام الکامل فی التاریخ چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.

۳- ۳۶۴. أبی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «اثبات الوصیه» صفحه ۱۴۲ تحت عنوان «حکایت السقیفه».

۴- ۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۵- ۳۶۵. عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن محمد بن ابی الحدید عَزَّ الدَّین مدائنی معتزلی معروف به «ابن ابی الحدید معتزلی» در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال ۱۴۰۷ هجری جلد چهاردهم صفحه ۱۹۲ به نقل از محمد بن اسحاق.

۶- ۳۶۶. أبی العاص (به نقل تواریخ اهل سنت) شوهر زینب یکی از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که قبل از اسلام به ازدواج زینب درآمده بود وی دختر خواهر خدیجه بهترین همسر پیامبر بود. أبی العاص بعد از ظهور اسلام به پیامبر ایمان نیاورد و در جنگ بدر در گروه مشرکان به جنگ با پیامبر عازم شد. زمانی که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند و عده زیادی از مشرکان اسیر گردیدند ابی العاص داماد پیامبر نیز جزو اسرا بود. وی را خدمت پیامبر آوردند. زمانی که اهل مکه برای آزادی اسراء خود اقدام نمودند (آنها در مقابل آزادی اسیر خود مقداری پول، طلا و ... بنام فدیة می پرداختند و با توافق مسلمانان اسیر آزاد می شد) فدیة أبی المعاصی که همسرش (دختر پیامبر) فرستاده بود گردنبدی بود که در شب عروسی او حضرت خدیجه (علیها السلام) به وی هدیه کرده بود. از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علاقه

خاصی نسبت به خدیجه داشتند، به محض دیدن گردن‌بند بسیار ناراحت شده و به مسلمانان فرمود: اگر می‌خواهید، این اسیر را همراه با فدیة او آزاد نمائید، مسلمانان بزودی قبول کرده و اَبی‌المعاصی را به همراه گردن‌بند آزاد نمودند «أبی‌العاص» (که این گذشت را از مسلمانان دید) به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وعده داده که به محض رسیدن به مکه دختر پیامبر، زینب را روانه مدینه خواهد کرد. به شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید جلد چهاردهم صفحه ۱۸۹ تا ۱۹۲ و همچنین به سیره ابن‌هشام جلد دوم صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ مراجعه کنید.

مأمور بردن زینب به مدینه کرد. زینب\_دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در هودجی که بر شتر بود نشسته و کنانه ریسمان شتر را گرفته و بطرف مدینه حرکت کردند. این خبر در میان مردان و زنان قریش در مکه پیچید و همه جا سخن از رفتن زینب \_ آن هم به این صورت \_ بود.

عده ای از مشرکین از جمله ((هباربن أسود بن عبدالمطلب بن أسدبن عبد العزی بن قصی)) به قصد اذیت کردن زینب، ناقه او را تعقیب کردند، اول کسی از مشرکین به ناقه زینب رسید هباربن اسود بود. وی به محض رسیدن نیزه ای بطرف هودج زینب رها کرد زینب که حامله بود از این حمله ترسید چون که به مدینه رسید فرزندی را که در شکم داشت سقط کرده و بچه از شکم انداخت.

به همین خاطر روز فتح مکه وقتی مسلمانان مکه را فتح کردند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد که هر کجا هباربن أسود

را دیدند آن را به قتل برسانند.

ابن ابی الحدید بعد از نقل این خبر می گوید: این خبر را همچنین برای ((نقیب ابی جعفر)) که خدایش رحمت کند خواندم. ((نقیب)) گفت: وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بخاطر ترساندن زینب و افتادن بچه از شکم او، خون ((هباربن أسود)) را مباح کرد، روشن است که اگر در زمان فاطمه زنده بود بدون شک، خون کسانی که فاطمه را ترسانده تا بچه از شکمش انداخت مباح می کرد. ابن ابی الحدید می گوید به ((نقیب)) گفتم: آیا می توانم این خبر را که ((عده ای فاطمه را ترسانند تا اینکه فرزندش محسن را از شکم انداخت)) از شما نقل کنم؟ نقیب گفت: نه! از من نقل نکن و لکن بطلان این خبر را نیز از من نقل نکن چرا که من در مورد این خبر نظر و عقیده ای نمی دهم!!<sup>(۱)</sup>

(۲)

محب الدین طبری از لیث بن سعد روایت می کند که

ص: ۸۱

---

۱- ۳۶۷. این کلام نقیب رساننده این مطلب است که چقدر این خبر دارای حساسیت بوده است بطوری که یک عالم سنی جرأت نقل این خبر را نداشته است و جای تعجب نیست که این خبر در کتب اهل سنت مورد سانسور شدید قرار نگیرد!

۲- ۸. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

گفت (۱):

علی فاطمه را به ازدواج خود در آورد برای او چند فرزند بنامهای ((حسن))، ((حسین))، ((محسن))، ((زینب))، ((آم کلثوم)) و ((رقیه)) بدنیا آورد که ((رقیه)) قبل از بلوغ از دنیا رفت.

دیگری (غیر از لیث می گوید: فاطمه برای او ((حسن)) ((حسین)) ((محسن)) را بدنیا آورد لکن ((محسن)) در کودکی به هلاکت رسید ((فهلک محسن صغیراً)).

(۲)

ذهبی مورخ مشهور می نویسد:

((بدون شک عمر چنان لگدی به فاطمه زد که ((محسن)) از او سقط شد)). (۳)

(۴)

صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال

ص: ۸۲

---

۱- ۳۶۸. محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد طبری در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ صفحه ۵۵ تحت عنوان: ذکر ولد فاطمه رضی الله عنها از لیث بن سعد.

۲- ۹. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شیبّه و او از ابوزید عمر بن شیبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.

۳- ۳۶۹. ذهبی مورخ مشهور در گذشته سال ۷۴۸ هجری در کتاب خود بنام «لسان المیزان» جلد اول صفحه ۲۶۸ - شماره ۸۲۴ تحت عنوان «احمد» با ذکر سند به نقل از «محمد بن احمد حماد کوفی» (از حافظین حدیث اهل سنت).

۴- ۱۰. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت ۱۴۰۱ هجری جلد ششم صفحه ۱۷ تحت عنوان ((حرف الالف))\_ ابراهیم بن سیار\_ شماره ۲۴۴۴\_ به نقل از نظام معتزلی می گوید: نظام معتزلی معتقد است که: ((بدون شک عمر در روز بیعت چنان فاطمه را زد که ((محسن)) را از شکم انداخت)).

(۱)

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۹ با ذکر سند از داود بن مبارک نقل می کند که: نزد عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب رفتیم و در مورد ابی بکر و عمر از وی سوال کردیم.

وی گفت: جواب تو را آنچه جدم عبدالله بن حسن گفته می گویم و آن اینکه:

ص: ۸۳

---

۱- ۱۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شبه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.



مادر ما دختر پیامبر مرسل زنی راستگو بود، وی از دنیا رفت در حالی که بر عده ای غضبناک بود. پس ما هم غضبناکیم، بخاطر غضب او.

ابن ابی الحدید معتزلی بعد از نقل این خبر می گوید:

این مطلب را عده ای از شعراء طالبین حجاز به شعر در آورده اند که نقیب حلال الدین عبدالحمید بن محمد بن عبد الحمید علوی گفت: خود شاعر این شعر که نامش در ذهنم نیست برایم نقل کرد که:

یا ابا حفص الهوینی و ما\*\*\*کنت ملّیا بذاک لولا الحمام

أتموت البتول غضبی و نرضی\*\*\*ما کذا یصنع البنون الکرام

(۱)

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۸۶ می گوید:

آنچه که سید مرتضی به آن عقیده دارد و (در کتاب خود بنام شافی) گفته است \_ که فاطمه در ابتدا برای

ص: ۸۴

---

۱- ۱۲. عَزَّ الْمَدِينُ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْكَرَمِ، مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ شَيْبَانِي مَعْرُوفٌ بِابْنِ اثِيرٍ فِي مَاضِيهِ. كُتِبَ فِيهِ فِي رَجَبِ سَنَةِ ۶۳۰ هِجْرِي فِي كِتَابِ خُودِ بَنَامِ الْكَامِلِ فِي التَّارِيخِ فِي بَيْرُوتِ سَنَةِ ۱۳۹۹ فِي جُلْدِ دَوِّمِ صَفْحَةِ ۳۲۷ بِذِكْرِ سُنْدِ.

گرفتن فدک؛ ادعا کرد که پیامبر در زمان حیاتش فدک را به او بخشیده است. نزد من نیز صحیح می باشد و اما پنهان کردن قبر کتمان خبر رحلت او و نماز نخواندن آبی بکر و همچنین تمام آنچه سید مرتضی گفته است (۱) واضح و روشن است و اینگونه اخبار نزد من قوی است چرا که روایاتی که حاکی از این مطلب اند بیشتر و صحیحتر از باقی است و همینطور در مورد ناراحتی و غضب فاطمه عقیده من صحت و اعتبار در اینگونه روایات است.

(۲)

روزی عمر به علی برخورد کرد در حالی که ابن عباس نیز همراه علی بود. عمر به ابن عباس گفت: ای ابن عباس! همانا بخدا سوگند بدون شک و تردید کسی که همراه توست علی سزاوارترین مردم به خلافت بعد از وفات رسول خدا می باشد مگر آنکه ما بر دو چیز

ص: ۸۵

۱- ۳۷۰. آنچه که سید مرتضی ده در کتاب شافی خود گفته است و ابن ابی الحدید به آن اشاره می کند چند مطلب است که خود ابن ابی الحدید در شرحش آورده است. ۱- تکذیب روایه «نحن معاشر الانبیاء» «ما پیامبران از خود ارثی بجای نمی گذاریم». نگاه کنید به «شرح ابن ابی الحدید ۲۵۹/۱۶ - ۲۶۰. ۲- سکوت صحابه در مقابل ادعای ابوبکر که پیامبر گفت: «ما را ارثی نیست» دلیلی بر صحت گفته اش نیست چرا که همین سکوت در مقابل ادعای فاطمه سلام الله علیها بر هدیه بودن فدک و بعد از آن ادعای ارث حکمفرما بود. نگاه کنید به شرح ابن ابی الحدید ۲۶۳/۱۶ - ۲۶۵. ۳- نفرین فاطمه به ابی بکر و اینکه آن حضرت ابی بکر را در هر نمازی نفرین می کند. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۷۴/۱۶. ۴- شهادت دادن علی علیه السلام و ام ایمن به هدیه بودن فدک و اینکه ابوبکر شهادت این دو را باطل دانست. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۱۶۸/۱۶. ۵- برگرداندن ابی بکر فدک را به فاطمه علیها السلام و گرفتن فدک از فاطمه علیها السلام توسط، عمر و آب دهان انداختن عمر در نامه فدک و پاره کردن آن. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۷۴/۱۶. ۶- اینکه فاطمه علیها السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز خندان و شاد دیده نشد و اینکه عمر و ابی بکر خبر از رحمت او نداشتند. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۸۰/۱۶. ۷- اینکه فاطمه علیها السلام وصیت فرمود که در شب دفن شود تا آنکه عمر و ابوبکر در نماز وی حاضر نشوند و همچنین رد کردن درخواست ملاقات آندو و قبل از رحلت او و عهد بستن علی علیه السلام با او که آندو بر بدن شریفش نماز نگذارند و همچنین بر سر مزارش حاضر نشوند. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۸۱/۱۶. ۸- اثبات حدیث «آتش کشیدن» چرا که سید مرتضی ره می گوید: و روشن است که غیر از شیعه نیز این مطلب را نقل کرده اند. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۸۳/۱۶.

۲- ۱۳. ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزیز و از ابوزید عمر بن شُبّه.



ترسیدیم. ابن عباس گفت پرسیدم آندو چیز کدامند؟ عمر گفت: کم سنی و جوانی علی و محبت وی به اولاد عبدالطلب! (۱)

(۲)

پس از آنکه ابی بکر مرد و عمر بر اریکه قدرت تکیه زد روزی علی به عمر برخورد نمود؛ سپس به وی فرمود: تو را بخدا قسم میدهم آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تو را خلیفه و جانشین خود قرار داد؟ عمر گفت: نه. علی فرمود: پس این چه کاری بود که تو و رفیق ابوبکر انجام دادید؟ عمر گفت: اما رفیقم ابوبکر که از دنیا رفت دنبال کارش و اما من پس بزودی لباس خلافت را از خود می کنم و قلاده اش را از گردنم به گردنت می اندازم. (۳)

## پایان نامه

جای بسیار تعجب است که عده ای خوش باور و ساده و جاهل از تاریخ به این انتظار نشسته اند که مسأله ((حمله عمر و یارانش به خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها)) در تاریخ بدون هیچ سانسوری ذکر شده باشد. باید گفت: افرادی که منتظرند مسأله آتش کشیدن خانه علی علیه السلام در این تاریخ مندرس و پاره پاره شده ذکر شده باشد، یا افرادی معاند و یا اشخاصی جاهل می باشند، چرا که این تاریخ از کانالها و گمرکات خلفات سه گانه و بعد از آنها از زیر نظر خلفای بنی امیه و بنی عباس و ... گذشته است، لذا هیچ امیدی برای نقل واقعیات در آن نیست. در نتیجه وقتی برای این حادثه تاریخی کوچکترین اشاره ای یافتیم می توان با رجوع به اخبار و احادیث شیعه در مورد این حادثه به نتیجه مطلوب رسید، اینجاست که به جرات می توان گفت: تو

ص: ۸۷

۱- ۳۷۱. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند از ابن عباس.

۲- ۱۴. طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از ابوعوانه و او از داود بن عبدالله لاودی و او از حمید بن عبد الرحمن حمیری. عبدالرحمن بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عز الدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیه)) یا جریان سقیفه، جلد دوم صفحه ۲۱ یا تایید اینکه این مطلب مورد قبول عده ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد. عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت، معاصر، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴- قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۳- ۳۷۲. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۸ با ذکر سند از عمرو بن قتاده.

خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

بعنوان مثال در همین نوشتار از اهل سنت نقل می شود که:

۱\_ وقتی عمر پشت درب خانه فاطمه (علیها السلام) واقع شد فریاد زد: یا خارج شوید برای بیعت و با آنکه خانه شما را بر شما به آتش می کشم.

۲\_ در جایی دیگر هست که می گویند: علی و حامیانش از خانه خارج نشدند.

۳\_ در جایی دیگر هست که می گویند: ((وَدَخَلَ عُمَرُ وَقَامَ الْخَالِدُ الْبَابَ))، عمر داخل خانه شد و خالد در آستانه درب ایستاد.

۴\_ و جایی دیگر که علی و زبیر را با بدترین صورت می کشیدند و...

آیا ذکر همین نکته های تاریخی آن هم در تاریخ اهل سنت جای تعجب نیست! آیا شما انتظاری داشتید با این سیر تاریخ در چنگالهای آنها بگویند: خانه را به آتش

ص: ۸۸

کشیدند. با آنکه به این مطلب مسعودی در اثبات الوصیة خود و دیگران اشاره نموده است و شواهد بسیاری دیگر که در کتب شیعه هست برای اثبات این مطلب کافی می باشد، که انشاء الله در جزوه ای جداگانه به ذکر و جمع آوری آن می پردازیم.

ص: ۸۹









پاورقی ها و آدرسها:

۱- در ادامه به اسناد و مدارک خواهیم پرداخت.

۲- أبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن ((ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان قصه السقیفه با ذکر سند از ((وهیب)).

۳- صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).

۴- طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از أبوعوانه و او از داود بن عبدالله لاودی و او از حمید بن عبدالرحمن حمیری.

۵- ابن أبی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شبه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.

۶- عز الدین ابی الحسن علی بن أبی الکریم، محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد شیبانی معروف به ابن اثیر در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام الکامل فی التاریخ چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.

۷- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۸- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شُبّه و او از ابوزید عمر بن شُبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.

۱۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۱۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید عمر بن شُبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبدالرحمن.

۱۲- عَزَّ الْمَدِينِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْكَرَمِ، مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ شَيْبَانِي مَعْرُوفٌ بِابْنِ اثِيرٍ فِي مَاضِيهِ، كُتِبَ فِيهِ فِي كِتَابِ خُصَمَاءِ الْإِسْلَامِ فِي تَارِيخِ بَيْرُوتَ سَنَةِ ١٣٩٩ فِي جُلْدِ دَوِّمٍ صَفْحَةَ ٣٢٧ بِذِكْرِ سُنْدِ.

۱۳- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزیز و از ابوزید عمر بن شُبّه.

۱۴- طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از أبوعوانه و او از داود بن عبدالله لاودی و او از حمید بن عبد

الرحمن حمیری. عبدالرحمن بن هبه الله بن محمد بن أبي الحديد عَزَّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ابن أبي الحديد معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: (( حدیث السقیه )) یا جریان سقیفه، جلد دوم صفحه ۲۱ یا تایید اینکه این مطلب مورد قبول عده ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد. عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت ، معاصر، در کتاب خود بنام (( اعلام النساء )) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴- قسمت حرف (( فاء )) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) با ذکر سند.

۱۵- احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام (( عقد الفرید )) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیه فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت (( ایام خلافت اَبی بکر )) قسمت (( سقیفه بنی ساعده )) - کسانی که از بیعت اَبی بکر تخلف کردند - در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۱۶- احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام (( عقد الفرید )) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیه فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت (( ایام خلافت اَبی بکر )) قسمت (( سقیفه بنی ساعده )) - کسانی که از بیعت اَبی بکر تخلف کردند - در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۱۷- محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) به نقل از ابن حمید و او از جریر و او از مغیره و او از زیاد پسر کلب.

۱۸- یعقوبی مورخ مشهور اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت. \*عز الدین ابی الحسن علی ابی کرم، محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالوحد شیبانی معروف به ابن اثیر در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام ((الکامل فی التاریخ)) چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.

۱۹- عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۲۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبد العزیز ابی بکر جوهری.

۲۱- احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۷ حدیث شماره ۱۱۸۸ به نقل از ابی بکر بن هیشم و او از عبدالرزاق و او از معمر و او هم از کلبی و او از ابی صالحی و او از ابن عباس.

۲۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با

ذکر سند از ابوبکر جوهری و او از ابی السواد.

۲۳- شهاب الدین ابو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الأرب فی الفنون الأدب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از أسلم.

۲۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری و او از ابی السواد.

۲۵- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماة من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۲۶- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۲۷- أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیة فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامۀ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

ص: ۹۷

۲۸- صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم))

۲۸- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.

۲۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبدالعزیز ابی بکر جوهری. و در جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.

۳۰- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۳۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبدالعزیز ابی بکر جوهری. صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)). شهاب الدین ابو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الأرب فی الفنون الأدب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)).

۳۲- ابو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳

هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از اسلم.

۳۳- علاء الدین علی بن حسام الدین عبد الملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از اسلم.

۳۴- صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوافیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((اسلم)).

۳۵- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری.

۳۶- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

۳۷- أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان (( حکایه السقیفه )) ((جریان سقیفه)).

۳۸- با عده ای از بنی هاشم رجوع کنید به: شرح ابی الحدید معتزلی بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شبه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه



۳۹- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۴۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه سیزدهم تحت عنوان ((یوم السقیفه)) ((ماجرای روز سقیفه)) با اسناد خود از ابی بکر احمد بن عبدالعزیز جوهری از جعفر بن محمد بن علی (علیه السلام).

۴۱- ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان قصه السقیفه با ذکر سند از ((وهیب)).

۴۲- عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۴۳- ابن ابی الحدید معتزلی (( در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۴۴- ابو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم.

۴۵- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام

((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((خاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۴۶- شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهايه الأرب فی الفنون الأدب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از أسلم.

۴۷- صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوافیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).

۴۸- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبد العزیز که می گفت: خبر داد به ما ابوزید، عمر بن شُبّه.

۴۹- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۵-۱۱۴.

۵۰- ابن قتیبه در الامه و السياسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.

۵۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۵۲- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۵۳- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی

ص: ۱۰۱

أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۵۴- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک مؤید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۵۵- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۵۶- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک مؤید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۵۷- عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۵۸- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک مؤید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۵۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۶۰- أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب

خود به نام ((عقدالفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و ائیامهم یا: یاقوت نامہ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت اَبی بکر)) قسمت ((سقیفہ بنی ساعدہ)) - کسانی که از بیعت اَبی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۶۱- یعقوبی مورخ مشهور اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.. احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفہ)) ((گزارشی از سقیفہ)) حدیث شماره ۱۱۸۴ می گوید: به نقل از ((مدائنی)) و او از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون.

۶۲- احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۷ حدیث شماره ۱۱۸۸ به نقل از اَبی بکر بن هیشم و او از عبدالرزاق و او از معمر و او هم از کلبی و او از اَبی صالحی و او از ابن عباس.

۶۳- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۶۴- احمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقدالفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و

تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامۀ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت (( ایام خلافت اُبی بکر )) قسمت (( سقیفه بنی ساعده )) - کسانی که از بیعت اُبی بکر تخلف کردند- در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۶۵- ابن قتیبه در الامه و السياسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.. عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۵-۱۱۴.

۶۶- ابن اُبی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۶۷- عبد الفتاح عبد المقصود از علماء و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((الامام علی بن اُبی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

۶۸- عبد الفتاح عبد المقصود از علماء و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((الامام علی بن اُبی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

۶۹- ابن اُبی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۷۰- ابن اُبی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شُبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۷۱- عبد الفتاح عبد المقصود از علماء و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

ص: ۱۰۴

۷۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۷۳- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۷۴- همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شُبّه.

۷۵- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی )) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: (( حدیث السَّقِیْفَه )) (( جریان سقیفه )) جلد دوم صفحه ۲۱.

۷۶- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شُبّه.

۷۷- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از سعد بن ابراهیم.

۷۸- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی ألاسود.

۷۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی ألاسود.

۸۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به

ص: ۱۰۵

نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزيز و او از ابوزید، عمر بن شُبّه.

۸۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر جوهری با سندی دیگر.

۸۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۱ به نقل از ابوبکر جوهری با سندی دیگر.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از سعد بن ابراهیم نقل می کند که ((محمد بن مسلمه)) کسی بود که شمشیر ((زبیر)) را شکست.

۸۳- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شُبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۸۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۸۵- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۸۶- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۸۷- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن عبدالعزيز ابی بکر جوهری .

۸۸- احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ به نقل از مدائنی، و او از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۷ به نقل از ابوبکر جوهری از شعبی.

۸۹- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

۹۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۹۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن اعزیز به نقل از ابوزید، از عمر بن شبه.. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شبه.. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴- قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۹۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.



۹۳- أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامہ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت اُبی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت اُبی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۹۴- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۹۵- ابن قتیبہ دینوری در الامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.

۹۶- در کتاب دبگر خود بنام ((الامام علی بن ابی طالب)) چاپ بیروت جلد اول صفحه ۱۹۰.

۹۷- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل قول از تاریخ الامم و والملوک اثر طبری.

۹۸- محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) به نقل از ابن حمید و او از جریر و او از مغیره و او از زیاد پسر کلب.

۹۹- ابن قتیبہ در الامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.

- ۱۰۰- این قتیبه در الامه و السياسه ج ۱ صفحه ۱۳ با ذکر سند. /عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.
- ۱۰۱- این قتیبه در الامه و السياسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند..عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.
- ۱۰۲- شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهايه الارب فی الفنون الادب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)).
- ۱۰۳- صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)).
- ۱۰۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.
- ۱۰۵- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.
- ۱۰۶- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.
- ۱۰۷- أبو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳

هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم با تفاوت اینکه ابن عبد البر برای سرپوش گذاشتن روی این جنایت خلیفه خود و برای اثبات وفای خود به خلیفه خود عبارت آتش می کشم را تعبیر به: ((.)) تبدیل کرده است.. همچنین صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)) برای سرپوش گذاشتن روی این جنایت خلیفه خود و برای اثبات وفای خود به خلیفه خود عبارت آتش می کشم را تعبیر به: ((چنین و چنان خواهم کرد)) تبدیل کرده است.. علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((خاء)) الخلافه مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۰۸- محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوک)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) به نقل از ابن حمید و او از جریر و او از مغیره و او از زیاد پسر کلب.. شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه الارب فی الفنون الادب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)). با عبارت چنین و چنان

کرد.

۱۰۹- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تاوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۱۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.

۱۱۱- أبو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم با تفاوت اینکه ابن عبد البر برای سرپوش گذاشتن روی این جنایت خلیفه خود و برای اثبات وفای خود به خلیفه خود عبارت آتش می کشم را تعبیر به: ((چنین و چنان خواهم کرد)) تبدیل کرده است..

۱۱۲- ابن هشام در گذشته ۲۱۸ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) جلد چهارم صفحه ۳۰۶.

ابن ابی شیبیه ابوبکر، عبدالله بن محمد بن عثمان عبسی معروف به ابن ابی شیبیه در گذشته ۲۳۵ هجری در کتاب خود بنام ((المصنّف)) جلد هفتم صفحه ۴۳۲ روایت شماره ۳۷۰۴۵، چاپ اول بیروت، سال چاپ ۱۴۰۹ هجری با ذکر سند از أسلم.

ص: ۱۱۱

۱۱۳- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تاوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۱۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.

۱۱۵- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تاوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۵۱ حدیث شماره ۱۴۱۳۸ از أسلم.

۱۱۶- أبو عمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر در گذشته سال ۴۶۳ هجری در کتاب خود بنام ((الستیعاب فی معرفه الاصحاب)) چاپ دارالنهضة در قاهره جلد سوم صفحه ۹۷۵ با ذکر سند از أسلم..صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد هفدهم صفحه ۳۱۱، تحت عنوان عبدالله بن عثمان با ذکر سند از ((أسلم)) با عبارت چنین و چنان خواهم کرد و بخدا سوگند که عمر بر قسم خود پایدار و استوار است!!..شهاب الدین أبو العباس أحمد بن عبد الوهاب بکری نویری در گذشته سال ۷۳۳ هجری در کتاب خود بنام ((نهایه

الارب فی الفنون الادب)) چاپ قاهره سال ۱۳۹۵ هجری جلد نوزدهم صفحه ۴۰ با ذکر سند از ((أسلم)). با عبارت چنین و چنان خواهم کرد.

۱۱۷- احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ به نقل از مدائنی، و او از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون..

۱۱۸- عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.. عبد الفتاح عبد المقصود در کتاب السقیفه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مورخین مهم و معتبر.

۱۱۹- عبدالرحمن بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیه)) ((جریان سقیفه))، جلد دوم صفحه ۲۱ با تائید اینکه این مطلب مورد قبول عده ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد.

۱۲۰- عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۱۲۱- با عبارت ((قسم به آنکه جانم در دست اوست)) همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شبنه.

۱۲۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شُبّه.

۱۲۳- با عبارت ((در غیر این صورت...)): ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری ...از عمر بن شُبّه.

۱۲۴- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک. و می نویسد شبیه این عبارت در کلمات مورخین بسیار دیده می شود.

۱۲۵- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شُبّه و او از احمد بن معاویه و او از نضر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافه)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک.

۱۲۶- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شُبّه.. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند و...

۱۲۷- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب

خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک.

۱۲۸- ابن قتیبہ ابو محمد بن مسلم بن قتیبہ دینوری (معروف به ابن قتیبہ) در گذشته سال ۲۷۶ هجری، در کتاب خود بنام ((الامامہ و السیاسہ)) جلد اول صفحه ۱۲، چاپ سوم، چاپ مصر، ۲ جلد در یک جلد، تحت عنوان: کیف کانت بیعه علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ((علی کرم الله وجهه چگونه بیعت کرد)) با ذکر سند از عبدالله بن عبد الرحمن انصاری.. عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.. عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((السقیفه و الخلافة)) چاپ قاهره صفحه ۱۴ به نقل از تاریخ الامم الملوک.

۱۲۹- محمد حافظ ابراهیم از شعاری معاصر و مهم اهل سنت در گذشته سال ۱۳۵۱ هجری گفته عمر بن خطاب را - ((هر آینه خانه را بر شما به آتش می کشم)) - مدح و ثناء بر او گرفته و در کتاب دیوان خود چاپ بیروت سال ۱۹۳۷ میلادی در جلد اول صفحه در ((قصیده عمریه)) تحت عنوان: عمر و علی این شعر را سروده است.

۱۳۰- محمد حافظ ابراهیم این قصیده خود را در کنفرانس شعرای مصر که در اوائل سال ۱۹۱۸ میلادی در مصر برگزار شد مقابل تمام اهل سنت می خواند و همه او را مورد تشویق خود قرار می دهند و بزرگان از اهل سنت چون امین و احمد الزین و ابراهیم الابیاری و علی جارم و علی امین و خلیل مطران و

ص: ۱۱۵



مصطفی الدمیاطی یک و غیر اینها همت به چاپ و شرح نویسی بر آن می گمارند و از شاعر، بسیار تعجید و قدرانی می کنند و دیوان او را بر چندمین بار، مورد قرار می دهند. نگاه کنید به: الغدیر ج ۷ ص ۸۶.

۱۳۱- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۱۳۲- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۱۳۳- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۱۳۴- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۱۳۵- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.

۱۳۶- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت

۱۳۷- عمر رضا کحاله از اعضای علمای اهل سنت، (معاصر)، در کتاب خود بنام ((اعلام النساء)) چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴\_ قسمت حرف ((فاء)) فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۱۳۸- ابو الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر، أحمد شهرستانی در گذشته سال ۵۴۸ هجری در کتاب معروف خود ((الملل و النحل)) چاپ بیروت دارالمعرفه سال چاپ: ۱۴۰۲، جلد اول صفحه ۵۷ به نقل از نظام ابراهیم بن سیار بن هانی معتزلی که از رؤسای مذهب معتزله در زمان خود بود و در سال ۲۳۱ هجری از دنیا رفته.

۱۳۹- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب

ص: ۱۱۶

خود بنام ((علی بن ابی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

۱۴۰- عبد الفتاح عبد المقصود از علما و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب خود بنام ((علی بن ابی طالب)) جلد اول صفحه ۱۹۰.

۱۴۱- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۱۴۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۴۵ به نقل از احمد بن العزیز ابی بکر جوهری.

۱۴۳- أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامہ دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت ابی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴.

۱۴۴- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۱۴۵- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

ص: ۱۱۷

۱۴۶- احمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۶ تحت عنوان ((امر السقیفه)) ((گزارشی از سقیفه)) حدیث شماره ۱۱۸۴ میگوید: ((روایت کرده مدائنی))، که از سلمه بن محارب، و او از سلیمان تیمی، و او از ابن عون.

۱۴۷- اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۱۴۸- أحمد بن محمد عبد ربّه آندلسی در گذشته سال ۳۲۸ هجری در کتاب خود به نام ((عقد الفرید)) تحت عنوان کتاب العسجدہ الثانیہ فی الخلفاء و تواریخهم و آیامهم یا: یاقوت نامه دوم در مورد خلفاء و تاریخ ایشان و حوادث زمان ایشان، در قسمت ((ایام خلافت اَبی بکر)) قسمت ((سقیفه بنی ساعده)) - کسانی که از بیعت اَبی بکر تخلف کردند - چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ در چاپ بیروت سال ۱۴۰۴ هجری جلد پنجم صفحه ۱۳ و ۱۴ و در چاپ مصر سال ۱۳۵۳ هجری جلد سوم صفحه ۶۴. اسماعیل بن علی بن محمد بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملک موید عماد الدین در گذشته سال ۷۳۲ هجری در کتاب خود بنام ((المختصر فی أخبار البشر)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۱۵۶ با ذکر سند.

۱۴۹- أحمد بن یحیی معروف به ((بلاذری)) در گذشته سال ۲۷۹ هجری در کتاب خود بنام ((انساب الأشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۵۸۷ حدیث شماره ۱۱۸۸ به نقل از اَبی بکر بن هیشم و او از عبدالرزاق و او از معمر و او هم از کلبی و او از اَبی صالحی و او از ابن عباس.

۱۵۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبَّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۱۵۱- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزَّالدِّین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السَّقِیْفَه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۱۵۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَّه.

۱۵۳- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری در روایتی دیگر.

۱۵۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری.

۱۵۵- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزَّالدِّین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۵۶- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۵۷- طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحییٰ ضریر و او از أبوعوانه و او از داود بن عبدالله لاوردی و او از حمید بن

۱۵۸- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۱۵۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۱۶۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.

۱۶۱- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفیر انصاری.

۱۶۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.

۱۶۳- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۱۶۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از

ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه و به نقل از نصر بن شَمیل.

۱۶۵- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.. همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه.

۱۶۶- عبارت: ((ابی بکر که بالای منبر بود فریاد کشید شمشیر...)) رجوع شود به: شرح ابن ابی الحدید معتزلی بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبّه و او از احمد بن معاویه و او از نصر بن شَمیا و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن.

۱۶۷- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السَّقِیْفَه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱.

۱۶۸- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عَزَّالْدَین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السَّقِیْفَه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ و جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبّه می نویسد: عمر خودش شمشیر را از دست زبیر گرفت و آن را به سنگ زد تا آنکه شکست!!

۱۶۹- طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت برای ما ((زکریا بن یحیی ضریر)) که او گفت: روایت کرد برای ما ((أبو عوانه))

ص: ۱۲۱

که او گفت: روایت کرد برای ما ((داود بن عبدالله لاوردی)) و او از ((عبدالرحمن حمیری)).

۱۷۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از از سعد بن ابراهیم نقل می کند که محمد بن مسلمه بود که شمشیر را از زبیر گرفت.

۱۷۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَه و به نقل از نضر بن شمیل.

۱۷۲- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن العزیز که می گفت: خبر داد به ما ((ابوزید))، عمر بن شَبَه)).. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۱ به نقل از ابوبکر جوهری با سندی دیگر می نویسد: و روایت شده محمد بن مسلمه که در این روز همراه با مهاجرین از یاران عمر بود و او بود که شمشیر ((زبیر)) را شکست.. ابن ابی الحدید معتزلی)) در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۱۷۳- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شَبَه. با عبارت ((عمرو بن حماس)).

۱۷۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۵۶ به نقل از ابوبکر جوهری و او از ابوزید، عمر بن شَبَه و او از احمد بن معاویه و او از نضر بن شمیل و او از محمد بن عمر و او از سلمه بن عبد الرحمن می نویسد وی یکی از شاهدان بوده که می گوید من خودم شاهد بودم و این گفته او شاید اشاره

دارد که وی نیز یکی از یاران عمر در این روز بوده است.

۱۷۵- محمد بن جریر طبری گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود را بنام ((تاریخ الأمم و الملوك)) جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت (حوادث سال ۱۱ هجری) می گوید: ((روایت کرد برای ما ((ابن حمید)) و گفت: روایت کرد برای ما ((جریر)) از ((مغیره)) و او از ((زیاد)) پسر ((کلب)).

۱۷۶- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن العزیز که می گفت: خبر داد به ما ((ابوزید))، عمر بن شبنه)).. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۱۷۷- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ابی الأسود.

۱۷۸- أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).

۱۷۹- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

۱۸۰- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۸۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

ص: ۱۲۳



۱۸۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۸۳- ابن ابی الحدید معتزلی ((در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی..

۱۸۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از ((شهاب بن ثابت)).

۱۸۵- عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب السقیفه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مؤرخین مهم و معتبر.

۱۸۶- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجمیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۸۷- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود با ذکر سند. از ابوبکر جوهری از شعبی.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجمیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۸۸- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۸۹- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّالدّین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجمیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۹۰- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّالدّین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجمیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۹۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۱۹۲- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّالدّین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجمیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۹۳- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّالدّین مدائنی معتزلی معروف به (( ابن ابی الحدید معتزلی )) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: (( حدیث السّقیفه )) (( جریان سقیفه )) جلد دوم صفحه ۲۱ با تأیید اینکه این مطلبی مورد قبول عدّه ای زیاد از محدّثین اهل سنت می باشد.

۱۹۴- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزّالدّین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح

نهج البلاغه خود چاپ بيروت دارالجيل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۱۹۵- عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب السقیفه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مؤرخین مهم و معتبر.

۱۹۶- همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شیبّه.

۱۹۷- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۱۹۸- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۶ تحت عنوان ((خبر سقیفه بنی ساعده)) ((گزارشی از سقیفه بنی ساعده)).

۱۹۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شیبّه.

۲۰۰- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۲۰۱- عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب السقیفه و الخلافه صفحه ۱۵ به نقل از مؤرخین مهم و معتبر.

۲۰۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از عمر بن شیبّه.

۲۰۳- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از

سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۲۰۴- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۲۰۵- عمر رضا کحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۲۰۶- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۲۰۷- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال چاپ ۱۴۰۷ هجری جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند.

۲۰۸- ابن قتیبه دینوری در کتاب الامامه و السیاسه جلد اول صفحه ۱۲ با ذکر سند.. عمر رضا کحاله در همان اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۱۴-۱۱۵.

۲۰۹- شهرستانی به نقل از نظام: ابراهیم بن سیار بن هانی معتزلی که تاز رؤسای مذهب معتزله در زمان خود بشمار می رفت، وی در سال ۲۳۱ هجری از دنیا رفت.

۲۱۰- ذهبی مورخ مشهور در گذشته سال ۷۴۸ هجری در کتاب خود بنام ((لسان

ص: ۱۲۷

المیزان)) جلد اول صفحه ۲۶۸-شماره ۸۲۴ تحت عنوان ((احمد)) با ذکر سند به نقل از ((محمد بن احمد حماد کوفی)) (از حافظین حدیث اهل سنت).

۲۱۱- أبی الفتح محمد بن عبد الکریم بن أبی بکر احمد شهرستانی در گذشته سال ۵۴۸ هجری در کتاب خود بنام ((الملل و النحل)) چاپ بیروت ۱۴۰۲ هجری جلد اول صفحه ۵۷ گوید: نظام گفته است.

۲۱۲- صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی در گذشته سال ۷۶۴ هجری در کتاب خود بنام ((الوافی بالوفیات)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۱ هجری جلد ششم صفحه ۱۷ تحت عنوان ((حرف الالف))- ابراهیم بن سیار- شماره ۲۴۴۴- به نقل از نظام معتزلی.

۲۱۳- ابن اشهر آشوب سروی در گذشته سال ۵۸۸ هجری در کتاب ((المناقب)) خود جلد سوم صفحه ۱۳۲ از کتاب ((المعارف)) ابن قتیبه دینوری در گذشته سال ۲۷۶ هجری در بیان ذکر اولاد فاطمه علیهما السلام. در چاپهای امروزی کتاب معارف ابن قتیبه چنین آمده است: پس علی دارای چند فرزند شد بنامهای: حسن و حسین و محسن و ام کلثوم کبری و زینب کبری؛ مادرشان فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود لکن ((محسن بن علی)) در سن کوچکی به هلاکت رسید!! اهل مطالعه و تحقیق مستحضرند که تحریف و دستبرد در کتب، خصوصاً" در کتب اهل سنت آنقدر بسیار است که این مورد در میان آن می باشد.

۲۱۴- أبی الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)).

۲۱۵- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۲۳، چاپ بیروت.

۲۱۶- لازم به یاد آوری است که تمام کسانی که نام ((محسن)) علیه السلام را در تعداد فرزندان حضرت علی علیه السلام ذکر کرده اند یاد آور شده اند که: در کوچکی از دنیا رفته است لکن هیچکدام از مورخین اشاره به روز تولد یا بدنیا آمدن حضرت ((محسن)) علیه السلام را نکرده اند و این مطلب سری بسیار سنگین، در درون دارد آن اینکه: تولد و شهادت محسن علیه السلام در یک روز بوده است.

۲۱۷- أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).

۲۱۸- بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ در کتاب خود بنام ((انساب الشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۴۰۴ می گوید: فاطمه برای علی چند فرزند بدنیا آورد که عبارتند از: حسن با کنیه ابا محمد، حسین با کنیه ابا عبدالله و محسن که در کودکی از دنیا رفت!

۲۱۹- محب الدین أبو العباس أحمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد طبری در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام ((ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی)) چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ صفحه ۵۵ تحت عنوان: ذکر ولد فاطمه علیها السلام ازلیث بن سعد.

۲۲۰- أبی الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری

ص: ۱۲۹

در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه الشقیفه)).

۲۲۱- بلاذری در گذشته سال ۲۷۹ در کتاب خود بنام ((انساب الشراف)) چاپ مصر جلد اول صفحه ۴۰۴.

۲۲۲- ابن شهر آشوب سروری در گذشته سال ۵۸۸ هجری در کتاب ((المناقب)) خود جلد سوم صفحه ۱۳۲ از کتاب ((المعارف)) ابن قتیبۀ دینوری در گذشته سال ۲۷۶ هجری در بیان ذکر اولاد فاطمه علیهما السلام.. در چاپهای امروزی کتاب معارف ابن قتیبۀ چنین آمده است: پس علی دارای چند فرزند شد بنامهای: حسن و حسین و محسن و ام کلثوم کبری و زینب کبری؛ مادرشان فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود لکن ((محسن بن علی)) در سن کوچکی به هلاکت رسید!! اهل مطالعه و تحقیق مستحضرند که تحریف و دستبرد در کتب، خصوصاً "در کتب اهل سنت آنقدر بسیار است که این مورد در میان آن می باشد.. محب الدین أبو العباس أحمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد طبری در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام ((ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی)) چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ صفحه ۵۵ تحت عنوان: ذکر ولد فاطمه علیها السلام ازلیث بن سعد چنین نقل می کند فاطمه فرزندی بنام محسن داشت که در کودمی به هلاکت رسید!!

۲۲۳- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۴۸ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از شعبی.

۲۲۴- شبلنجی در گذشته اوائل قرن چهاردهم در کتاب خود بنام ((نورالأبصار)) صفحه ۴۷ چاپ مصر از انس.

ص: ۱۳۰

۲۲۵- شبلنجی در گذشته اوائل قرن چهاردهم در کتاب خود بنام ((نورالابصار)) صفحه ۴۷ چاپ مصر از آنس.

۲۲۶- ((أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی)) در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصیه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه)).. أبی الفدا اسماعیل بن کثیر معروف به ((ابن کثیر)) در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان ((قصه السقیفه)) با ذکر سند از ((وهیب)).

۲۲۷- ابن أبی الحدید معتزلی)) در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن عبدالعزیز)) به نقل از ابوزید، عمر بن شبنه.

۲۲۸- عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن أبی الحدید عزّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن أبی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ با تأیید اینکه این مطلب مورد قبول عدّه ای زیاد از محدثین اهل سنت می باشد و از این گونه روایات ((محمد بن جریر طبری زیاد نقل کرده است.

۲۲۹- عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن أبی الحدید عزّ الدین مدائنی معتزلی معروف به ((ابن أبی الحدید معتزلی)) در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ ابن أبی الحدید معتزلی)) در شرح خود بر نهج البلاغه جلد ششم صفحه ۴۷ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از أبی الاسود.



۲۳۰- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد دوم شرح خود بر نهج البلاغه صفحه ۵۰ به نقل از ابوبکر احمد بن العزیز و از ابوزید، عمر بن شنه.

۲۳۱- عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ با تأیید اینکه این مطلب مورد قبول عدّه ای زیاد از محدّثین اهل سنت می باشد..أبی الفدا اسماعیل بن کثیر معروف به ((ابن کثیر)) در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ تحت عنوان ((قضه السقیفه)) با ذکر سند از ((وهیب)).

۲۳۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۲۳۳- طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۳ چاپ بیروت به نقل از زکریا بن یحیی ضریر و او از ابوعوانه و از داود بن عبدالله لاوردی و از حمید بن عبد الرحمن حمیری.

۲۳۴- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۲۳۵- ابن قتیبه دینوری در کتاب الامامه و السیاسه ج ۱ ص ۱۳ با ذکر سند.

۲۳۶- ابوالحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام ((اثبات الوصییه)) صفحه ۱۴۲ تحت عنوان ((حکایه السقیفه)) ((جریان سقیفه))..عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن ابی الحدید عزالدین

مدائنی معتزلی معروف به ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه تحت عنوان: ((حدیث السقیفه)) ((جریان سقیفه)) جلد دوم صفحه ۲۱ می نویسد: تا اینکه بالاخره تمام آنها با ابوبکر بیعت کردند مگر علی به تنهایی! در این هنگام علی به خانه فاطمه سلام الله علیها پناه برد (و آنجا را پناهگاه خویش قرار داد) لکن به خانه فاطمه حمله ور شدند و با زور و بدترین صورت علی را از خانه خارج ساختند. در این موقع فاطمه علیه سلام درب خانه ایستاده بود؛ پس هجوم آوردندگان متفرق شده و گفتند: علی به تنهایی ضرری به حال آنها ندارد..! ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج البلاغه جلد دوم صفحه ۲۲ می نویسد: اما آنچه اکثر محدثین و بزرگان آنها گفته اند آن است که: همانا علی از بیعت با ابی بکر تا ششماه خودداری کرد و در خانه نشست و بیعت نکرد تا آنکه فاطمه از دنیا رفت.. همچنین ابن اثیر در جلد دوم کتاب ((الکامل فی التاریخ)) صفحه ۳۳۱ به نقل از زهری می نویسد: علی و بنی هاشم وزیر تا شش ماه با ابوبکر بیعت نکردند تا آنکه فاطمه رضی الله عنها از دنیا رفت.

۲۳۷- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۲۳۸- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۱۱ با ذکر سند از سعید بن کثیر بن عفر انصاری.

۲۳۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد نهم صفحه ۱۹۸ تحت عنوان ((ماجرت بین فاطمه علیها السلام و علی و عایشه)) با ذکر سند از قول شیخ ابی

يعقوب ابن ابى الحديد در پايان كلام شيخ ابى يعقوب مى گويد: اين خلاصه اى از گفتار شيخ ابى يعقوب كه خدايش رحمت كند و بدانكه ابى يعقوب شيعه نبود بلكه سنى معتزلى متعصبى بود.

۲۴۰- عمررضا كحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بيروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذرى.

۲۴۱- أبى الحسن احمد بن يحيى بن جابر بن داود بغدادى بلاذرى در گذشته سال ۲۷۹ هجرى در كتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ ميلادى صفحه ۴۴ با ذكر سند از جعفر بن محمد (عليهما السلام).

۲۴۲- عمررضا كحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بيروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذرى.

۲۴۳- عمررضا كحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بيروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذرى.. ابن ابى الحديد معتزلى در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان ((ذكر ما ورد من الشير فى اخبار فداك)) به نقل از ابوبكر جوهرى.

۲۴۴- أبى الحسن احمد بن يحيى بن جابر بن داود بغدادى بلاذرى در گذشته سال ۲۷۹ هجرى در كتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ ميلادى صفحه ۴۴ با ذكر سند از جعفر بن محمد (عليهما السلام).

۲۴۵- أبى الحسن احمد بن يحيى بن جابر بن داود بغدادى بلاذرى در گذشته سال ۲۷۹ هجرى در كتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ ميلادى صفحه ۴۴ با ذكر سند از جعفر بن محمد (عليهما السلام).

۲۴۶- عمررضا كحاله در اعلام النساء جلد چهارم صفحه ۱۹ چاپ بيروت سال ۱۴۰۴ به نقل از فتوح البلدان بلاذری.

۲۴۷- أبي الحسن احمد بن يحيى بن جابر بن داود بغدادى بلاذرى در گذشته سال ۲۷۹ هجرى در كتاب خود بنام ((فتح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ ميلادى صفحه ۴۴ با ذكر سند از جعفر بن محمد (عليهما السلام).

۲۴۸- ابن ابى الحديد معتزلى در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان ((ذكر ما ورد من السير فى اخبار فداك)) به نقل از ابوبكر جوهرى.

۲۴۹- بلاذرى در كتاب خود بنام ((فتوح البلدان)) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ ميلادى صفحه ۴۵ با ذكر سند از ((أم هانى))

۲۵۰- ابن ابى الحديد معتزلى در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان ((ذكر ما ورد من السير فى اخبار فداك)) به نقل از ابوبكر جوهرى.

۲۵۱- علاء الدين على بن حسام الدين عبدالملك بن قاضى خان ((متمى هندى)) تاورى شاذلى مدنى، در گذشته سال ۹۷۵ هجرى در كتاب معروف خود بنام ((كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجرى قسمت حرف ((خاء)) الخلافة مع الأماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء- خلافت ابى بكر در جلد پنجم صفحه ۶۲۲ حديث شماره ۱۴۰۹۷ با ذكر سند عمر بن الخطاب.

۲۵۲- علاء الدين على بن حسام الدين عبدالملك بن قاضى خان ((متمى هندى)) تاورى شاذلى مدنى، در گذشته سال ۹۷۵ هجرى در كتاب معروف خود بنام ((كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجرى قسمت

حرف ((خاء)) الخلافه مع الأمااره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء-خلافت ابى بكر در جلد پنجم صفحه ۶۲۲ حدیث شماره ۱۴۰۹۷ با ذکر سند از عمر بن الخطاب..صاحب كنز العمال در جلد پنجم صفحه ۶۳۶ حدیث شماره ۱۴۱۲۰ از ابى هريره.

۲۵۳- عمر رضا كحاله از علمای اهل سنت در كتاب معروف خود بنام (( اعلام النساء )) چاپ بيروت سال ۱۴۰۴ جلد چهارم صفحه ۱۱۹.

۲۵۴- ابن ابى الحديد معتزلى در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۱ تحت عنوان: ذكر ما ورد من السیر فى اخبار فدك (گزارشى از تاریخ درباره فدك) با ذكر سند از چند تن از راویان حدیث و تاریخ اهل سنت نقل می کند.

۲۵۵- مائده آیه ۵۰.

۲۵۶- آل عمران: ۱۴۴.

۲۵۷- شعراء: آیه ۲۲۷. ابن ابى الحديد معتزلى در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۱ تحت عنوان: ذكر ما ورد من السیر فى اخبار فدك (گزارشى از تاریخ درباره فدك) با ذكر سند از چند تن از راویان حدیث و تاریخ اهل سنت نقل می کند..همچنین عمر رضا كحاله در همان كتاب جلد چهارم صفحه ۱۱۶ تا ۱۲۴ چاپ بيروت سال ۱۴۰۴ خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها را با اختلاف بسیار كم با خطبه اى كه ابن ابى الحديد نقل کرده و ما آنرا در صفحه ۱۰۵ تا ۱۰۸ آوردیم نقل نموده است.

۲۵۸- ابن ابى الحديد معتزلى در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۴ و ۲۱۵ با ذكر سند .

ص: ۱۳۶

۲۵۹- ام طحال: ام طحال زنی بدکاره در میزان جاهلیت بود که پرچم بدکارگی بر فراز خانه اش نصب نموده بود و لذا به بدکارگی ضرب المثل شد. ابن ابی الحدید ۲۱۵/۱۶.

۲۶۰- ابن ابی الحدید می گوید: این سخن را برای ((نقیب ابی یحیی جعفر بن ابی یحیی بن ابی یزید بصری)) خواندم و به او گفتم ابو بکر به چه کسی اینگونه کنایه و گوشه می زند؟ ((نقیب)) گفت: بلکه بگو به چه کسی چنین تصریح و بی پرده سخن می گوید: گفتم: اگر ابوبکر تصریح می کرد لازم نبود که از تو سوال کنم که مقصودش که بوده؟ نقیب خندید و گفت: مقصود ابوبکر ((علی بن ابی طالب)) است. گفتم آیا تمام آنچه ابوبکر گفته خطاب به علی بن ابی طالب است؟ نقیب گفت: آری فرزندانم! بحث، بحث خلافت و حکومت است. گفتم: در میان انصار چه گفتند؟ گفت آنان نیز گفتند: علی ترسیده که در میان مردم اضطراب و اختلاف ایجاد شود و لذا مردم از هرگونه اقدامی برحذر داشته است.

۲۶۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۱ تحت عنوان: ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فدک (گزارشی از تاریخ درباره فدک) با ذکر سند از چند تن از راویان حدیث و تاریخ اهل سنت نقل می کند.

۲۶۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۶ با ذکر سند.

۲۶۳- ابن دیبع در جلد چهارم تیسیر الوصول خود صفحه ۱۱ و ۱۲، حدیث اول در قسمت کتاب فرائض فصل سوم در ((میراث رسول الله و آنچه از خود باقی گذاشت)). با عبارت: پس فاطمه سخت در غضب شده و ابوبکر را ترک کرد و این

غضب و متارکه ادامه داشت تا آنکه فاطمه از دنیا رفت. ابن دبیع پس از نقل این عبارت می نویسد: این روایت را صحاح  
خمسہ ترمذی آورده اند و لفظ و عبارت بخاری مختصرین عبارت می باشد.

۲۶۴- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام  
(السنن الکبری) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۲۶۵- ابو السیّعات ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام (( جامع الاصول الرسول)) چاپ دوم بیروت سال  
۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء))- کتاب چهارم- کتاب خلافت و امارت تحت عنوان (( ذکر خلفاء راشدین و بیعت  
آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه با عبارت ((فاطمه و عباس...))...

ی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت

عنوان طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ابیها به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.

۲۶۷- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند \* ابی الفداء اسماعیل بن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((الدایه و النهایه)) چاپ ششم بیروت در جلد پنجم صفحه ۲۸۵ به نقل از ((بخاری)) در صحیح خود باب گفته پیامبر ((ما را ارثی نیست آنچه از ما باقی بماند صدقه است)) با ذکر سند از عایشه.

۲۶۸- بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه گوید: فاطمه و ((عباس)) نزد دبی بکر آمده و از او در خواست ارث خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را، کردند. همچنین محمد بن جریر طبری در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الامم و الملوک)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۴۴۸ در ضمن حوادث سال ۱۱ هجری با ذکر سند از عایشه گوید: فاطمه و ((عباس)) نزد دبی بکر آمده و از او در خواست ارث خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را، کردند. همچنین ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه با عبارت فاطمه و عباس \* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند با عبارت فاطمه و عباس.

۲۶۹- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان ((متقی هندی)) تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن



الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری در حلب حرف الناء کتاب الخلافه مع الاماره-باب اول-خلافت ابی بکر در جلد پنجم ص ۵۸۴ حدیث شماره ۱۴۰۶۹ با ذکر سند از عایشه.

۲۷۰- محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوه خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۲۷۱- ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه.

۲۷۲- أبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ گوید: احمد بن حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند روایت یک اختلاف وجود دارد سپس ((احمد)) این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش و او از عروه عایشه - با اختلاف کم - آورده است.

۲۷۳- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۲۷۴- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۲۷۵- محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوه خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۲۷۶- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۲۷۷- ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه. \* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه. ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه. / شیخ حسین بن محمد بن دیار بکری در گذشته سال ۹۶۶ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الخمیس)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۷۳ با ذکر سند از ابی هریره.

۲۷۸- ((ابن اثیر)) در جلد دهم ((جامع الاصول)) صفحه ۳۸۸ حدیث شماره ۷۴۱۸ از ((ترمذی)) از ابی هریره. \* شیخ حسین بن محمد بن دیار بکری در گذشته سال ۹۶۶ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الخمیس)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۷۳ با ذکر سند از ابی هریره.

۲۷۹- ابوزید عمر بن شبنه نمیری بصری در گذشته سال ۲۶۲ هجری در کتاب

خود بنام ((تاریخ المدینه المنوره)) چاپ ۱۴۱۰ هجری در جلد اول ص ۱۹۸ با ذکر سند از ((أبی سلمه)) نقل می کند که می گفت: همان فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد ابی بکر آمده و این مطلب را به یاد ابی بکر آورد که: ((فدک را پیامبر به وی بخشیده چرا که فدک ملکی بود که خداوند به پیامبر اختصاص داده بود.)) لکن ابوبکر گفت: من از پیامبر شنیدم که گفت: ((پیامبران را ارثی نیست)) فاطمه در جواب وی گفت: ای ابابکر! آیا دختران تو از تو ارث ببرند و دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از وی ارث نبرند؟ ابوبکر گفت: آری چنین است!

۲۸۰- نور الدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان ((طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ایها)) به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.

۲۸۱- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۲۸۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند .

۲۸۳- ((ابن اثیر)) در جلد دهم ((جامع الاصول)) صفحه ۳۸۶ تحت عنوان احکام الفرائض و ذکر الوارثین - فصل سوم در میراث رسول الله حدیث شماره ۷۴۱۷ از مسلم در صحیح و ابی داود و نسائی در سنن آنها به نقل از عایشه. \* ابو عبدالله عبدالرحمن ابن دیبع شیبانی در گذشته سال ۹۴۴ هجری در کتاب

خود بنام ((تيسير الوصول الى جامع الاصول من حديث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت ((كتاب الخلافة و الاماره)) از عایشه.

۲۸۴- ابو السید عادت ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام (( جامع الاصول الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء)) - کتاب چهارم - کتاب خلافت و امارت تحت عنوان (( ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه. \* ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه.

۲۸۵- محمد بن جریر طبری در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الامم و الملوك)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۴۴۸ در ضمن حوادث سال ۱۱ هجری با ذکر سند از عایشه \* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سند دیگر از عایشه.

۲۸۶- ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه.

۲۸۷- بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((كتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۲۸۸- ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه.

۲۸۹- محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوة خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۲۹۰- ((احمد حنبل)) در صفحه ۱۰ از کتاب خود با ذکر سندی دیگر\* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.\* ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((الدایه والنهایه)) چاپ ششم بیروت در جلد پنجم صفحه ۲۸۵ به نقل از بخاری در صحیح خود باب گفته پیامبر ((ما را ارثی نیست آنچه از ما باقی بماند صدقه است)). با ذکر سند از عایشه.

۲۹۱- ابی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((الدایه والنهایه)) چاپ ششم بیروت در جلد پنجم صفحه ۲۸۵ به نقل از بخاری در صحیح خود باب گفته پیامبر ((ما را ارثی نیست آنچه از ما باقی بماند صدقه است)). با ذکر سند از عایشه.

۲۹۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند .

۲۹۳- بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۲۹۴- ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود جلد ششم صفحه ۴۶ تحت عنوان ((ما رُوِيَ من امر فاطمه مع ابی بکر)) به نقل از ((بخاری)) و ((مسلم)) در صحیح خود با ذکر سند از عایشه.

۲۹۵- ((احمد حنبل)) در صفحه ۱۰ از کتاب خود با ذکر سندی دیگر\* ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الاثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه\* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه می گوید: و این روایت را نیز از بخاری در صحیح خود از ابی الیمان آورده است.

۲۹۶- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه\* ابو السَّیِّدات ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام ((جامع الاصول لاحادیث الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء))- کتاب چهارم- کتاب خلافت و امارت تحت عنوان (( ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه\* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند\* ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه\* علاء الدین علی بن حسام الدین

عبدالملك بن قاضی خان ((متقی ہندی)) تاوری شاذلی مدنی، در گذشتہ سال ۹۷۵ ہجری در کتاب معروف خود بنام ((کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال)) چاپ حلب سال ۱۳۹۰ ہجری قسمت حرف ((حاء)) الخلافہ مع الأمارہ - باب اول - خلافت ابی بکر در جلد پنجم صفحہ ۵۸۴ حدیث شماره ۱۴۰۶۹ با ذکر سند از عایشہ.\*ور الدین علی بن احمد سمہودی در گذشتہ سال ۹۱۱ ہجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحہ ۹۹۵ تحت عنوان ((طلب فاطمہ من ابی بکر صدقات ایہا)) به نقل از کتاب صحیح از عروہ پسر زبیر از عایشہ.

۲۹۷- محمد بن اسماعیل بخاری در گذشتہ سال ۲۵۶ ہجری در کتاب مهم خود نزد اہل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوہ خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحہ ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشہ نکتہ جالب توجہ آنکہ ہمین بخاری در ہمین کتاب خود روایتی از پیلمبر با چند طریق نقل می کند کہ پیامبر فرمود: فاطمہ پارہ تن من است ہر کہ او را بیازارد مرا آزرده است و ہر کہ مرا بیازارد خدا را آزرده و بہ غضب در آورده است و در قرآن کریم چنین آمدہ کہ ان الذین یؤذون اللہ و رسولہ لعنہم اللہ فی الدنیا و الآخرہ و اعدلہم عذابا مہینا یعنی کسانی کہ خدا و رسول را اذیت کنند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت می کند و برای آنان عذابی دردناک مہیا نمودہ است!!\*ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبداللہ بن موسی بیہقی نیشابوری در گذشتہ سال ۴۵۸ ہجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحہ ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشہ.\* أبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف بہ ((ابن کثیر))

در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبوه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ گوید: احمد حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند یک اختلاف وجود دارد سپس ((احمد)) این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش... از عروه از عایشه-با اختلاف کم- آورده است.

۲۹۸- ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود جلد ششم صفحه ۴۶ تحت عنوان ((ما رَوَى من امر فاطمه مع ابی بکر)) به نقل از ((بخاری)) و ((مسلم)) در صحیح خود با ذکر سند از عایشه.

۲۹۹- بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه\* ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود جلد ششم صفحه ۴۶ تحت عنوان ((ما رَوَى من امر فاطمه مع ابی بکر)) به نقل از ((بخاری)) و ((مسلم)) در صحیح خود با ذکر سند از عایشه.

۳۰۰- محمد بن جریر طبری در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام ((تاریخ الامم و الملوک)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۴۴۸ در ضمن حوادث سال ۱۱ هجری با ذکر سند از عایشه.

۳۰۱- بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۳۰۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند .



۳۰۳- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۳۰۴- نور الدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ایها به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه.

۳۰۵- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند نظریه شش ماه از اهل سنت نقل شده است ولی شیعه معتقد است که آنحضرت بعد از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بین ۴۵ روز یا ۷۵ روز یا ۹۵ روز بیشتر زنده نبود.

۳۰۶- ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه. \* ابو عبدالله عبد الرحمن ابن دیبع شیبانی در گذشته سال ۹۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت ((کتاب الخلافه و الاماره)) از عایشه.

۳۰۷- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در کتاب تاریخ خود چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۱۵ تحت عنوان ((الوفاء)) وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند می نویسد: و پیامبر فرزندی از خود باقی نگذاشت مگر فاطمه و فاطمه

هم بعد از رحلت پیامبر چهل شب بیشتر زنده نماند.

۳۰۸- محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته سال ۲۵۶ هجری در کتاب مهم خود نزد اهل سنت بنام ((صحیح)) تحت عنوان ((کتاب المغازی)) باب غزوه خیبر حدیث شماره ۳۸ جلد پنجم صفحه ۸۲ و ۸۳ با ذکر سند از عایشه.

۳۰۹- بخاری در کتاب ((صحیح)) خود بخش ((کتاب الفرائض)) باب دوم باب قول النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ((لا نورث...)) جلد هشتم صفحه ۳ با ذکر سند از عایشه.

۳۱۰- احمد بن حنبل امام حنبله در گذشته سال ۲۴۱ هجری در کتاب خود بنام ((المسند)) چاپ بیروت (در حاشیه کتاب منتخب کنز العمال) جلد اول صفحه ۹ و ۱۰ و با ذکر سند از عروه پسر زبیر\* ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سندی دیگر از عایشه.

۳۱۱- ابو السیّد عادت ابن اثیر جزری در گذشته سال ۶۰۶ در کتاب خود بنام ((جامع الاصول الرسول)) چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۰ هجری در قسمت ((حرف خاء)) - کتاب چهارم - کتاب خلافت و امارت تحت عنوان ((ذکر خلفاء راشدین و بیعت آنان)) جلد چهارم صفحه ۴۸۲ حدیث شماره ۲۰۷۹ به نقل از مسلم از عایشه.

۳۱۲- ابی جعفر طحاوی در گذشته سال ۳۲۱ هجری در کتاب خود بنام ((مشکل الآثار)) جلد اول صفحه ۴۷ و ۴۸ چاپ حیدرآباد چاپ ۱۳۳۳ هجری با ذکر سند از عایشه\* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم

صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند.\* ابو عبدالله عبد الرحمن ابن دبیع شیبانی در گذشته سال ۹۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت ((کتاب الخلفه و الاماره)) از عایشه.

۳۱۳- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سند دیگر از عایشه و گوید: این حدیث را بخاری در صحیح خود از اویسی و همچنین مسلم در صحیح خود از طریق دیگر نیز نقل کرده اند.

۳۱۴- اَبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در کتاب دیگر خود بنام ((السیره النبویه)) جلد چهارم صفحه ۴۹۶ تحت عنوان ((قصه سقیفه)) می گوید: آری! فاطمه زنی مانند زنان بنی آدم بود!! وی سخت غضبناک شد و هرگز تا زنده بود با ابوبکر صدیق! صحبت نکرد.

۳۱۵- ((ابن اثیر)) در جلد دهم ((جامع الاصول)) ۹ خود صفحه ۳۸۶ تحت عنوان احکام الفرائض و ذکر الوارثین- فصل سوم در میراث رسول الله حدیث شماره ۷۴۱۷ از مسلم در صحیح و اَبی داود و نسائی در سنن آنها به نقل از عایشه.

۳۱۶- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی نیشابوری در گذشته سال ۴۵۸ هجری در کتاب خود بنام ((السنن الکبری)) جلد ششم صفحه ۳۰۰ با ذکر سند دیگر از عایشه.\* ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد شانزدهم صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ با ذکر سند.\* ذهبی در کتاب دیگر خود بنام ((تاریخ الاسلام)) چاپ اول سال ۱۴۱۳ هجری چاپ بیروت در قسمت عهد خلفاء

راشدین صفحه ۲۱ با ذکر سند از عایشه. \*أبی الفداء اسماعیل بن کثیر معروف به ابن کثیر در گذشته سال ۷۴۴ هجری در کتاب خود بنام ((السیره النبویه)) چاپ بیروت سال ۱۴۰۳ هجری در جلد چهارم صفحه ۴۹۵ گوید: احمد حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با تفاوت اینکه در رجال سند روایت یک اختلاف وجود دارد سپس ((احمد)) این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش از عروه از عایشه - با اختلاف کم - آورده است. و این روایت را تحقیقا" بخاری در کتاب مغازی صحیح خود آورده با اضافه اینکه: چون که فاطمه از دنیا رفت علی او را شبانه به خاک سپرد و ابوبکر را برای حضور اذن نداد و خود علی بر فاطمه نماز خواند. \*شیخ حسین بن محمد بن دیار بکری در گذشته سال ۹۶۶ هجری در کتاب خود بنام ((تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول)) چاپ مصر سال ۱۳۴۶ هجری جلد دوم صفحه ۴۶ قسمت (( کتاب الخلافه و الاماره)) از عایشه. ابن دیع پس از نقل این روایت می نویسد: اینم روایت را مسلم و بخاری آورده اند و عبارت از مسلم آورده است.

۳۱۷- نور الدین علی بن احمد سمهودی در گذشته سال ۹۱۱ هجری در کتاب خود بنام ((وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی)) چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۹۹۵ تحت عنوان طلب فاطمه من ابی بکر صدقات ایها به نقل از کتاب صحیح از عروه پسر زبیر از عایشه. سمهودی پس از نقل این روایت می نویسد: این روایت را ((ابن

شبهه» نیز نقل کرده است و لفظش اینگونه است: همانا فاطمه که خداوند تعالی از او راضی باشد کسی را نزد ابوبکر فرستاد و از او خواست که میراثش از پیامبر را به او باز گرداند پس ابوبکر از پرداخت هر گونه چیزی به فاطمه خودداری کرد به همین خاطر فاطمه بر آبی بکر سخت غضبناک شد و او را ترک کرده و با او هرگز سخن نگفت تا از دنیا رفت. همچنین سمهودی در صفحه ۹۹۶ همان کتاب می گوید: و در روایتی دیگر از «ابن شبهه» آمده است که: فاطمه و عباس نزد آبی بکر آمدند چنانچه در روایت صحیح بخاری نیز آمده است و در آن روایت آمده است که: «پس فاطمه ابوبکر را ترک کرد و با او هرگز صحبت نکرد تا از دنیا رفت.»

۳۱۸- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۵۳ چنین می گوید: آنچه که سید مرتضی (بعنوان اثبات غضب فاطمه بر آبی بکر) آورده است دلالت نمی کند مگر آنکه فقط زمان ملاقات (فاطمه با ابی بکر) این غضب از فاطمه بر ابوبکر حاصل شده است و این اخبار دلالت بر آن ندارد که بعد از آنکه فاطمه از نزد ابوبکر خارج شد هنوز هم غضبناک بوده لکن من اعتقاد ندارم که فاطمه با رضایت از نزد ابوبکر خارج شده باشد - چنانچه قاضی القضاة گفته است - بلکه به من ثابت شده و می دانم که فاطمه با غضب از نزد ابوبکر خارج شد و از دنیا رفت در حالی که بر ابوبکر غضبناک بود لکن نه از این خبر بلکه از اخبار دیگر و بر سید مرتضی هم سزاوار بود که به آن روایات استدلال کند که مستقیماً دلالت بر خارج شدن و غضبناک بودن فاطمه از نزد ابوبکر می کند.

۳۱۹- ابن کثیر در گوید: احمد حنبل نیز این حدیث را همینطور نقل کرده است با

تفاوت اینکه در رجال سند روایت یک اختلاف وجود دارد سپس «احمد» این روایت را نیز از یعقوب بن ابراهیم از پدرش از عروه از عایشه - با اختلاف کم - آورده است.

۳۲۰- همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۶۴ از ابوعثمان جاحظ نقل می کند که گفته است: و این مطلب واضح و روشن است که فاطمه سخت غضبناک بود و این غضب فاطمه به حدی رسید بود که وصیت نمود که ابوبکر بر او نماز نخواند.

۳۲۱- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد ششم شرح خود صفحه ۵۰ و می گوید: این مطلب نزد من صحیح و ثابت است.

۳۲۲- ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری در گذشته سال ۲۷۶ هجری در کتاب خود بنام «الامامه و السیاسه» چاپ سوم مصر سال چاپ ۱۳۸۲ (در دو جلد در یک جلد) - جلد ۱ صفحه ۱۳ با ذکر سند.

۳۲۳- عمر رضا کحاله از علمای اهل سنت، معاصر، در کتاب خود بنام «اعلام النساء» چاپ پنجم بیروت سال ۱۴۰۴ - قسمت حرف «فاء» فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با ذکر سند.

۳۲۴- عبدالفتاح عبدالمقصود در کتاب الامام علی بن ابی طالب جلد اول صفحه ۱۹۲.

۳۲۵- عبد الفتاح عبدالمقصود در کتاب الامام علی بن ابی طالب جلد اول صفحه ۱۹۲.

۳۲۶- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در تاریخ

خود چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۱۵ تحت عنوان «الوفاه» وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ذکر سند.

۳۲۷- یعقوبی مورخ مشهور نزد اهل سنت در گذشته سال ۲۸۴ هجری در تاریخ خود چاپ بیروت جلد دوم صفحه ۱۱۵ تحت عنوان «الوفاه» وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ذکر سند.

۳۲۸- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۶۴ از ابوعثمان جاحظ.

۳۲۹- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد شانزدهم صفحه ۲۱۳ تحت عنوان «ذکر ما ورد من السیر فی اخبار فداک» به نقل از ابوبکر جوهری.

۳۳۰- ابن ابی الحدید معتزلی در جلد ششم شرح خود صفحه ۵۰ و می گوید: این مطلب نزد من صحیح و ثابت است.

۳۳۱- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۲- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ ه-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۳- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب

ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۴- شبلنجی در گذشته اوئل قرن چهاردهم در کتاب خود بنام «نور الأبصار» صفحه ۴۷ چاپ مصر از آنس.

۳۳۵- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۶- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۷- عمر رضا کحاله در کتاب «اعلام النساء» جلد چهارم صفحه ۱۳۱ چاپ بیروت سال ۱۴۰۴. \* حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۸- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها



الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۳۹- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد نهم صفحه ۱۹۸ تحت عنوان «ماجرت بین فاطمه علیها السلام و علی و عایشه» با ذکر سند از قول شیخ ابی یعقوب ابن ابی الحدید در پایان کلام شیخ ابی یعقوب می گوید: این خلاصه ای از گفتار شیخ ابی یعقوب که خدیش رحمت کمند و بدانکه ابی یعقوب شیعه نبود بلکه سنی معتزلی متعصبی بود.

۳۴۰- حافظ محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد «طبری» در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ هـ-ق صفحه ۵۳ تحت عنوان ذکر وصیتها الی أسماء بنت عمیس بما تصنعه بعد موتها».

۳۴۱- «أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی» در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «مروج الذهب» چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۹۴، تحت عنوان ذکر نسبه و لمع من اخباره و سیره «نسب ابی بکر و گوشه هایی از سیره و روش حکومتی و حوادث زمان وی» در قسمت مرض ابی بکر «مریضی ابوبکر».

۳۴۲- ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُخَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنْبَاع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلّی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

ص: ۱۵۶

۳۴۳- یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان آیام ابی بکر «دوران حکومتی ابوبکر».

۳۴۴- «أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی» در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «مروج الذهب» چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۹۴، تحت عنوان ذکر نسبه و لمع من اخباره و سیره «نسب ابی بکر و گوشه هایی از سیره و روش حکومتی و حوادث زمان وی» در قسمت مرض ابی بکر «مریضی ابوبکر».

۳۴۵- یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان آیام ابی بکر «دوران حکومتی ابوبکر».

۳۴۶- ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُخَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنباع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلّی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۳۴۷- ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُخَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنباع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلّی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۳۴۸- «محمد بن جریر طبری» در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام «تاریخ الامم و الملوک» در حوادث سال ۱۳ هجری، در جلد دوم صفحه ۶۱۹، چاپ بیروت، تحت عنوان ذکر اسماء قضات و کتابه و عماله علی الصیدقات «گزارشی از اسامی قضات و حسابداران و رؤسای مالیاتی در زمان ابوبکر» به نقل از یونس بن عبدالاعلی و او از یحیی بن عبدالله بن بکیر و او از لیث بن سعد و او از صالح بن کیسان و او از عمر بن عبدالرحمن و او از پدرش عبدالرحمن بن عوف.

۳۴۹- یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان آیام ابی بکر «دوران حکومتی ابوبکر».

۳۵۰- «أبو الحسن، علی بن حسین بن علی مسعودی» در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «مروج الذهب» چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۹۴، تحت عنوان ذکر نسبه و لمع من اخباره و سیره «نسب ابی بکر و گوشه هایی از سیره و روش حکومتی و حوادث زمان وی» در قسمت مرض ابی بکر «مریضی ابوبکر».

۳۵۱- «ابن أبی الحدید معتزلی» در شرح خود بر نهج البلاغه جلد هفدهم صفح ۱۶۸ تحت عنوان ذکر ما طعن به الشیعه فی امامه ابی بکر و الجواب عنها «در بیان آنچه شیعه به امامت ابی بکر اعتراض می کند و جواز از آنها» در اعتراض دوم شیعه، می نویسد: اما حدیث «حمله به خانه فاطمه»، را قبلاً ذکر کردیم، و ظاهر نزد من آن است که آنچه سید مرتضی (در کتاب شافی) و شیعه می گوید صحیح می باشد لکن نه هرچه آنها می گویند بلکه بعضی از آن، و ابوبکر هم حق داشت که از این کار اظهار ندامت و پشیمانی کند و از این کرده خود ناراحت

باشد. لکن این ندامت و پشیمانی وی حاکی از محکم بودن دین وی و ترس وی از خدا می باشد!! پس این پشیمانی ابوبکر بهتر است جزو مناقب وی بشمار رود تا در مطاعن وی!!

۳۵۲- «محمد بن جریر طبری» در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام «تاریخ الامم و الملوک» در حوادث سال ۱۳ هجری، در جلد دوم صفحه ۶۱۹، چاپ بیروت، تحت عنوان ذکر اسماء قضات و کتّابه و عمّاله علی الصّیدقات «گزارشی از اسامی قضات و حسابداران و رؤسای مالیاتی در زمان ابوبکر» به نقل از یونس بن عبدالاعلی و او از یحیی بن عبدالله بن بکیر و او از لیث بن سعد و او از صالح بن کیسان و او از عمر بن عبدالرحمن و او از پدرش عبدالرحمن بن عوف.

۳۵۳- ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحْمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنْبَاع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۳۵۴- علاء الدین علی بن حسام الدین عبدالملک بن قاضی خان «متقی هندی» تآوری شاذلی مدنی، در گذشته سال ۹۷۵ هجری در کتاب معروف خود بنام «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال» چاپ حلب سال ۱۳۹۰ هجری قسمت حرف «خاء» الخلفه مع الاماره من قسم الافعال باب اول در خلافت خلفاء -

خلافت اُبی بکر در جلد پنجم صفحه ۶۳۱ حدیث شماره ۱۴۱۱۳ با ذکر سند از عبدالرحمن بن عوف.

۳۵۵- ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزُنْبَاع روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن.

۳۵۶- ابن قتیبہ در کتاب «الامامہ و السیاسہ» جلد ۱ صفحه ۱۸ تحت عنوان ذکر السقیفہ و ما جرى فیها من القول «گزارشی از سقیفہ و گفتارها در آن» با ذکر سند از عبدالله بن عبدالرحمن انصاری. \* یعقوبی در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۱۳۷ چاپ بیروت تحت عنوان اُیّام اُبی بکر «دوران حکومتی ابوبکر». \* «محمد بن جریر طبری» در گذشته سال ۳۱۰ هجری در کتاب خود بنام «تاریخ الامم و الملوک» در حوادث سال ۱۳ هجری، در جلد دوم صفحه ۶۱۹، چاپ بیروت، تحت عنوان ذکر اسماء قضاتہ و کتّابہ و عمّاله علی الصّیدقات «گزارشی از اسامی قضات و حسابداران و رؤسای مالیاتی در زمان ابوبکر» به نقل از یونس بن عبدالاعلی و او از یحیی بن عبدالله بن بکیر و او از لیث بن سعد و او از صالح بن کیسان و او از عمر بن عبدالرحمن و او از پدرش عبدالرحمن بن عوف. \* ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لُحَمی شامی طبرانی در گذشته سال ۳۶۰ هجری در کتاب معروف خود بنام «المعجم الکبیر» چاپ دوم احیاء ص: ۱۶۰

التراث العربی - جلد اول صفحه ۶۲ حدیث شماره ۴۳ به نقل از «ابوزنباغ روح بن فرح مصری» و او از «سعید بن عفیر» و او از «علوان بن داود بجلّی» و او از «صالح بن کیسان» و او از «حمید بن عبدالرحمن بن عوف» و او از پدرش عبدالرحمن. \* ابن ابی الحدید معتزلی» در جلد دوم صفحه ۴۶ و ۴۷ شرح خود عیادت عبدالرحمن را با تمامی آنچه در این روایت هست را از و «احمد» و «میرد» در کتاب «کامل» خود از «عبدالرحمن بن عوف» نقل کرده است. \* همچنین ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد ششم صفحه ۵۱ با ذکر سند از ابوبکر جوهری از لیث بن سعد این روایت را نقل کرده است. \* همچنین «ابن ابی الحدید معتزلی» در شرح خود بر نهج البلاغه جلد هفدهم صفحه ۱۶۴ این روایت را نقل کرده است. و پس از نقل این روایت می نویسد: این گفته ابوبکر دلالت بر صحیح بودن آنچه که روایت شده: از اقدامی که بر خانه فاطمه کرد - همان موقعی که «علی» و زبیر و غیر این دو در خانه (دست به مبارزه منفی زده بودند - می کند. و همچنین دلالت بر این مطلب دارد که ابوبکر حق را به غیر خود داده نه بخود!! \* ولی الله بن مولی عبدالرحیم عمری أبو عبدالعزیز دهلوی هندی حنفی در گذشته سال ۱۱۷۶ هجری در کتاب خود بنام «إزالة الخفاء» چاپ لاهور ۱۳۹۶ هجری جلد دوم صفحه ۲۹ و همچنین در کتاب دیگر خود بنام «قره العینین» صفحه ۷۸ با ذکر سند از أسلم. \* همچنین ولی الله بن مولوی عبدالرحیم عمری أبو عبدالعزیز دهلوی هندی حنفی در گذشته سال ۱۱۶۷ هجری در کتاب خود بنام «قره العینین» صفحه ۷۸ با ذکر سند از أسلم.

۳۵۷- طبری در تاریخ خود جلد دوم صفحه ۴۴۶ گوید: روایت کرد برایم «علی بن

مسلم» که گفت: روایت کرد برای ما «عبادین عباد» که او گفت: روایت کرد برای ما «عبادین راشد» که او گفت: روایت کرد برای ما «زهوی» و او از «عبیدالله بن عتبّه» و او از «ابن عباس».

۳۵۸- ابن اَبی الحدید در جلد دوم شرح خود صفحه ۲۳ به نقل از ابوجعفر محمد بن جریر طبری در تاریخ خود از ابن عباس.

۳۵۹- عزّ الدّین ابی الحسن علی بن ابی الکرّم، محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی معروف به «ابن کثیر» در گذشته سال ۶۳۰ هجری در کتاب خود بنام «الکامل فی التاریخ» چاپ بیروت سال ۱۳۹۹ در جلد دوم صفحه ۳۲۷ با ذکر سند.

۳۶۰- ابن اَبی الحدید معتزلی در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۶ و ۱۷ تحت عنوان ایراد کلام اَبی المعالی الجوینی فی امر الصّحابه و الرّد علیه «نقل اعتراضات ابی المعالی جوینی در امور صحابه و رد بر آن» به نقل از اَبی المعالی جوینی.

۳۶۱- ابن اَبی الحدید معتزلی در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۶ و ۱۷ تحت عنوان ایراد کلام اَبی المعالی الجوینی فی امر الصّحابه و الرّد علیه «نقل اعتراضات ابی المعالی جوینی در امور صحابه و رد بر آن» به نقل از اَبی المعالی جوینی، وی پس از نقل کلام جوینی می نویسد: جوینی در حالی چنین گفته که از سنّیان بسیار متعصب بود.

۳۶۲- «ابن ابی الحدید معتزلی» در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۴۶ تحت عنوان عبدالله بن زبیر و ذکر طرف من أخباره «نگاهی به زندگی عبدالله بن زبیر» به

نقل از مسعودی می نویسد.

۳۶۳- «ابن ابی الحدید معتزلی» در شرح خود جلد بیستم صفحه ۱۴۶ تحت عنوان عبدالله بن زبیر و ذکر طرف من أخباره «نگاهی به زندگی عبدالله بن زبیر» به نقل از مسعودی می نویسد.

۳۶۴- ابی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی در گذشته سال ۳۴۶ هجری در کتاب خود بنام «اثبات الوصیه» صفحه ۱۴۲ تحت عنوان «حکایت السقیفه».

۳۶۵- عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن محمد بن ابی الحدید عزّ الدّین مدائنی معتزلی معروف به «ابن ابی الحدید معتزلی» در گذشته سال ۶۵۵ هجری در شرح نهج البلاغه خود چاپ بیروت دارالجلیل سال ۱۴۰۷ هجری جلد چهاردهم صفحه ۱۹۲ به نقل از محمد بن اسحاق.

۳۶۶- ابی العاص (به نقل تواریخ اهل سنت) شوهر زینب یکی از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که قبل از اسلام به ازدواج زینب درآمده بود وی دختر خواهر خدیجه بهترین همسر پیامبر بود. ابی العاص بعد از ظهور اسلام به پیامبر ایمان نیاورد و در جنگ بدر در گروه مشرکان به جنگ با پیامبر عازم شد. زمانی که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند و عده زیادی از مشرکان اسیر گردیدند ابی العاص داماد پیامبر نیز جزو اسرا بود. وی را خدمت پیامبر آوردند. زمانی که اهل مکه برای آزادی اسراء خود اقدام نمودند (آنها در مقابل آزادی اسیر خود مقداری پول، طلا و ... بنام فدیة می پرداختند و با توافق مسلمانان اسیر آزاد می شد) فدیة ابی المعاصی که همسرش (دختر پیامبر) فرستاده بود گردنبندی بود که در شب عروسی او حضرت خدیجه (علیها السلام) به وی هدیه کرده بود. از

ص: ۱۶۳



آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علاقه خاصی نسبت به خدیجه داشتند، به محض دیدن گردنبندها بسیار ناراحت شده و به مسلمانان فرمود: اگر می خواهید، این اسیر را همراه با فدیة او آزاد نمائید، مسلمانان بزودی قبول کرده و اَبی المعاصی را به همراه گردنبندها آزاد نمودند «أبی العاص» (که این گذشت را از مسلمانان دید) به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده داده که به محض رسیدن به مکه دختر پیامبر، زینب را روانه مدینه خواهد کرد. به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد چهاردهم صفحه ۱۸۹ تا ۱۹۲ و همچنین به سیره ابن هشام جلد دوم صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ مراجعه کنید.

۳۶۷- این کلام نقیب رساننده این مطلب است که چقدر این خبر دارای حساسیت بوده است بطوری که یک عالم سنی جرأت نقل این خبر را نداشته است و جای تعجب نیست که این خبر در کتب اهل سنت مورد سانسور شدید قرار نگیرد!

۳۶۸- محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محمد طبری در گذشته سال ۶۹۱ هجری در کتاب خود بنام «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» چاپ قاهره سال ۱۳۵۶ صفحه ۵۵ تحت عنوان: ذکر ولد فاطمه رضی الله عنها از لیث بن سعد.

۳۶۹- ذهبی مورخ مشهور در گذشته سال ۷۴۸ هجری در کتاب خود بنام «لسان المیزان» جلد اول صفحه ۲۶۸ - شماره ۸۲۴ تحت عنوان «احمد» با ذکر سند به نقل از «محمد بن احمد حماد کوفی» (از حافظین حدیث اهل سنت).

۳۷۰- آنچه که سید مرتضی ده در کتاب شافی خود گفته است و ابن ابی الحدید به آن اشاره می کند چند مطلب است که خود ابن ابی الحدید در شرحش آورده

است.

۱- تکذیب روایه «نحن معاشر الانبياء» «ما پیامبران از خود ارثی بجای نمی گذاریم».

نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۵۹/۱۶ - ۲۶۰.

۲- سکوت صحابه در مقابل ادعای ابوبکر که پیامبر گفت: «ما را ارثی نیست» دلیلی بر صحت گفته اش نیست چرا که همین سکوت در مقابل: ادعای فاطمه سلام الله علیها بر هدیه بودن فدک و بعد از آن ادعای ارث حکمفرما بود.

نگاه کنید به شرح ابن ابی الحدید ۲۶۳/۱۶ - ۲۶۵.

۳- نفرین فاطمه به ابی بکر و اینکه آن حضرت ابی بکر را در هر نمازی نفرین می کند.

نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۷۴/۱۶.

۴- شهادت دادن علی علیه السلام و ام ایمن به هدیه بودن فدک و اینکه ابوبکر شهادت این دو را باطل دانست.

نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۱۶۸/۱۶.

۵- برگرداندن ابی بکر فدک را به فاطمه علیها السلام و گرفتن فدک از فاطمه علیها السلام توسط، عمر و آب دهان انداختن عمر در نامه فدک و پاره کردن آن.

نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۷۴/۱۶.

۶- اینکه فاطمه علیها السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز خندان و شاد دیده نشد و اینکه عمر و ابی بکر خبر از رحمت او نداشتند.

نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۸۰/۱۶.

ص: ۱۶۵

۷- اینکه فاطمه علیها السلام وصیت فرمود که در شب دفن شود تا آنکه عمر و ابوبکر در نماز وی حاضر نشوند و همچنین رد کردن درخواست ملاقات آندو و قبل از رحلت او و عهد بستن علی علیه السلام با او که آندو بر بدن شریفش نماز نگذارند و همچنین بر سر مزارش حاضر نشوند.

نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۸۱/۱۶.

۸- اثبات حدیث «آتش کشیدن» چرا که سید مرتضی ره می گوید: و روشن است که غیر از شیعه نیز این مطلب را نقل کرده اند. نگاه کنید به: شرح ابن ابی الحدید ۲۸۳/۱۶.

۳۷۱- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۷ با ذکر سند از ابن عباس.

۳۷۲- ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود جلد دوم صفحه ۵۸ با ذکر سند از عمرو بن قتاده.

ص: ۱۶۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

